«به عنایت نظری کن که من دل شده را نرود بی مددِ لطفِ تو، کاری از پیش»

« ستایش»

ستایش: اسم مصدر/ مشتق← ستا + ـِ ش

ساختمان کلمات

ساده: کلماتی که فقط از یک جز معنادار ساخته شده اند و قابل جدا شدن نیستند مانند:
کتاب- مدرسه- قلم- درخت
غیرساده: واژه هایی که از بیش از یک جز ساخته شده باشند و می توان اجزای آن را از هم جدا کرد.
مثل: دانش ← دان + ـِـ ش
کتاب خانه ← کتاب + خانه
جوانمردانه ← جوان+ مرد + انه

غیر ساده

مرکب: کلماتی که از دو یا چند جزء معنادار ساخته می‌شوند.
مثل: مهمان‌سرا← مهمان + سرا / آشپزخانه← آش + پز + خانه

مشتق: کلماتی که از یک جزء معنادار و «وند» ساخته می‌شوند
مثل: ورزش← ورز + ـِـ ش / خنده← خند + ه / پروردگار← پرور + گار

مشتق مرکب: کلماتی که هم ویژگی مشتق و هم مرکب را داشته باشند یعنی از دو یا چند جزء معنادار و یک یا چند «وند» ساخته شده باشند.
مثل: دانشجو← دان + ـِـ ش + جو / کج رفتار← کج + رفت + ار

تعریف وند: به جزء غیر مستقل و بی معنی در اسم های مشتق «وند» گفته می‌شود، به تنهایی کاربردی ندارد ولی با افـزوده شدن به یک واژه‌ی معنادار دیگر، واژه‌ی جدیدی می‌سازد.

وندها

پیشوند: در پیش از واژه می‌آید.
میانوند: بین دو واژه می‌آید و همیشه اسم مشتق مرکب می‌سازد.
پسوند: در آخر واژه می‌آید.

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

معنی: پروردگارا، همیشه به یاد تو سخن می‌گویم زیرا که تو پاک و منزه هستی و تو پروردگار من هستی. فقط آن شیوه‌ای را در پیش می‌گیرم که تو آن را به من نشان بدهی و بیاموزی.

نکته دستوری: بیت از 6 جمله تشکیل شده است.

ملکا← منادا و «الف» در ملکا حرف ندا می‌باشد.

آرایه‌ها: ملک← استعاره از خدا/ مصراع اول به آیه‌ی «الحمدالله رب العالمین» و مصراع دوم به آیه‌ی «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم» تلمیح دارد.

سنایی غزنوی: ابوالمجد مجدودبن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز شاعری مداح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوست دارِ آلِ علی (ع) بود. از آثار او می‌توان به «حدیقه الحقیقه»، «کارنامه بلخ» و «سیرالعباد الی المعاد» اشاره کرد.

«به نام خداوند جان و خرد»

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوندِ نام و خداوندِ جای خداوندِ روزی دهِ رهنمای

خداوندِ کیوان و گردان سپهر فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر

به بینندگان، آفریننده را نبینی مَرَنجان دوبیننده را

نیابد بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

ستودن ندانند کس او را چو هست میان بندگی را بباید بست

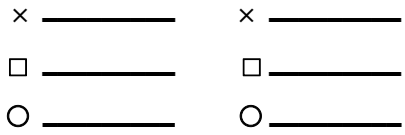
توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر، برنا بود

(فردوسی، شاهنامه)

پیام کلی: این درس مانند تمام درس‌های آغازین کتاب‌های فارسی مناجات است. راز و نیاز با خداوندی که کارگشای همه‌ی مشکلات بندگانش می‌باشد. این شعر به بزرگی خداوند اشاره می‌کند و می‌گوید که خداوند با چشم قابل دیدن نیست و کسی نمی‌تواند خداوند را آن طور که باید ستایش کند.

قالب شعر، مثنوی می‌باشد.

قالب مثنوی: قالبی است که هر بیت قافیه‌ی جداگانه دارد.



انواع مثنوی

- **اخلاقی: بوستان**
- **عرفانی: مثنوی معنوی**
- **حماسی: شاهنامه**
- **عاشقانه: لیلی و مجنون و خسرو شیرین**

این شعر از کتاب شاهنامه فردوسی انتخاب شده است.

فردوسی: در روستای باژ، واقع در منطقه‌ی توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. مردی شیعه مذهب بود. او در اواخر قرن 4 و اوائل قرن 5 زندگی می‌کرد و کتاب شاهنامه را طی 30 سال به نظم درآورد، همانطور که خود گفته است:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

بیت اول: به نام خداوند جان و خرد کـــزین بـرتـر اندیشـــه بـرنگـذرد

معنی بیت: سخن را با نام خدایی که خالق جان و عقل است، آغاز می کنم زیرا اندیشه و فکر ما نمی‌تواند از این بیشتر عظمت و حقیقت خدا را درک کند. (زیرا خداوند از همه‌ی اندیشه‌ها بالاتر است)

نکته دستوری: بیت از سه جمله تشکیل شده است. در مصراع اول؛ فعل «آغاز می‌کنم» به قرینه‌ی معنوی حذف شده است/ کزین← مخفف که، از، این می‌باشد

حذف فعل

- **حذف به قرینه‌ی لفظی: فعل در جمله‌ی اول وجود دارد و به خاطر جلوگیری از تکرار فعل در جمله-های بعدی حذف می‌گردد. مانند رزمندگان نماز می‌خوانند و قرآن...**
- **حذف به قرینه‌ی معنوی: فعل در جمله وجود ندارد، بلکه بر اساس معنایی به وجود فعل پی می‌بریم.**

مانند: به نام خداوند جان و خرد: به نام خدایی آغاز می‌کنم که جان و خرد را آفرید.

آرایه: اندیشه و خرد← مراعات نظیر

بیت دوم: خداوندِ نام و خداوند جای خداوند روزی دهِ رهنمای

معنی بیت: خداوندی که صاحب همه‌ی نام‌ها و مکان‌هاست (همه‌ی پدیده‌ها و مکان‌ها را به وجود آورده است) و خداوندی که روزی دهنده و هدایتگر انسان‌هاست.

نکته دستوری: بیت از 2 جمله تشکیل شده است / خداوند روزی ده رهنمای ← ترکیب وصفی / (خداوندِ نام) و (خداوندِ جای) ← هر دو ترکیب اضافی / حذف فعل در دو مصراع به قرینه‌ی معنوی/ آرایه‌ها ← تکرار حروف (خ) و (ن) ← واج آرایی

بیت سوم: خداوندِ کیوان و گردان سپهر فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر

معنی بیت: پروردگاری که زُحل و آسمان گردنده را آفرید و به ماه و ناهید (ستارگان) و خورشید روشنایی بخشید.

کیوان: زُحل / مِهر: خورشید / فروزنده: روشن کننده، روشنایی بخش

نکته دستوری: گردان و فروزنده ← صفت فاعلی / گردان سپهر ← ترکیب وصفی مقلوب (سپهرِ گردان) / فروزنده ← صفت جانشین اسم در این جا / بیت از 2 جمله تشکیل شده است که در هر مصراع فعل « است » به قرینه‌ی معنوی حذف گردیده است.

آرایه‌ها: کیوان- سپهر- ماه- ناهید و مهر ← مراعات نظیر (تناسب)

بیت چهارم: به بینندگان، آفریننده را نبینی، مَرَنجان دو بیننده را

معنی بیت: خداوند را به وسیله‌ی چشم‌ها نمی‌توانی ببینی پس چشمانت را اذیت نکن (خداوند را نمی‌توان با حواس مادی درک کرد)

مرنجان ← فعل امر به معنی رنج مده

نکات دستوری: بیت از 2 جمله تشکیل شده است / بیننده، آفریننده ← صفت فاعلی، مشتق / دو بیننده ← ترکیب وصفی (دو ← صفت شمارشی / بیننده ← هسته)

آرایه‌ها: تکرار حرف (ن) ← واج آرایی

بیت پنجم : نیابد بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

معنی بیت: اندیشه و خرد انسان نمی‌تواند خداوند را درک کند، زیرا خداوند از همه‌ی پدیده‌های مادی بالاتر و برتر است.

نکات دستوری: بیت از 2 جمله تشکیل شده است / بدو ← مخفف به او / برتر ← صفت تفضیلی حذف فعل است در مصرع دوم به قرینه‌ی معنوی

آرایه‌ها : راه نیافتن اندیشه ← کنایه از درک نکردن اندیشه و خرد

بیت ششم: ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را ببایدت بست

معنی بیت: هیچ کس نمی‌تواند خدا را آن چنان که شایسته است، ستایش کند. بنابراین باید کمر خدمت را ببندی و خداوند را بندگی و اطاعت کنی./ میان ← کمر / ستودن ← ستایش کردن

نکات دستوری: بیت از 3 جمله تشکیل شده است / ستودن ← مصدر، مشتق

آرایه‌ها: میان بستن ← کنایه از آماده شدن / هست و بست ← جناس / مصراع دوم، تکرار «ب» ← واج آرایی

بیت هفتم: توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

معنی بیت: هر کسی که از علم و آگاهی برخوردار باشد، بسیار توانمند است. به واسطه‌ی علم انسان‌های پیر احساس شادابی و جوانی می‌کنند.

برنا← جوان / بُوَد ← باشد

نکات دستوری: بیت دارای 3 جمله می‌باشد / توانا و دانا ← صفت فاعلی- مشتق

دانش← اسم مصدر- مشتق / دانش و دانا ← هم خانواده

آرایه‌ها: پیر و برنا ← تضاد

پرسش های درس ستایش

1- در بیت « توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود » چند مسند وجود دارد.

الف- یک□ ب- دو□ ج- سه □ د- چهار □

2- نقش کلمات مشخص شده در بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است.

نیابد بدو نیز، اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

الف) مفعول- نهاد- متمم□ ج) نهاد- متمم- مسند□

ب) نهاد- مفعول- متمم □ د) نهاد- مسند- متمم□

3- « ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را ببایدت بست » کدام آرایه وجود ندارد.

الف) جناس□ ب) تشبیه□ ج) کنایه□ د) واج آرایی□

فصل اول : زیبایی آفرینش

دیده ای نیست نبیند رُخ زیبای تو را نیست گوشی که همی نشنود آوای تو را

معنی: چشمی وجود ندارد که چهره زیبای تو را نبیند و هیچ گوشی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.

مفهوم کلی: آیات خداوند قابل درک و شناخت هستند .

آرایه ادبی: مراعات نظیر (آوا، گوش- شنود) (دیده ای، نبیند)

شاعر: امام خمینی(ره)

درس اول : آفرینش همه تنبیه خداوندِ دل است

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی با جلوه های گوناگون آفرینش (علم)

2- تقویت نگاه توحیدی و تأمّل در آفرینش و آثار صنع الهی (ایمان)

3 – آشنایی گسترده تر با ویژگی های زبان ادبی و یادآوری آرایه های تشخیص ، تشبیه و مراعات نظیر و...(علم)

4 – تقویت خوانش متن با لحن مناسب (عمل)

5 – شناخت ویژگی های ساختاری و محتوایی متن درس (تفکّر)

6 – توجّه به آموزه های اخلاقی متن درس (اخلاق)

7 – کاربست آموزه های اخلاقی متن درس در حوزهٔ مهارت های نوشتاری ، گفتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– کارایی گروه

– بارش مغزی

– پیش سازمان دهنده و ....

کارافزارها و رسانه های آموزشی :

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ....

ارائهٔ این درس چنانچه با فیلم های مستند و با موضوعاتی دربارهٔ پدیده های جهان همراه شود ، فرایند تدریس اثر گذارتر می شود .

درس(1) آفرینش همه تنبیه خداوند دِل است.

پیام شعر: نگاه توحیدی به آفرینش الهی و شناخت عمیق تر قدرت خداوند از طریق تماشا و تفکر در طبیعت فصل بهار و همچنین یادآوری این موضوع که پدیده های هستی همه در حال نیایش و ستایش خداوند می باشند در این سروده سعدی اشاره دارد به بخشش و لطف بی پایان خداوند و ناتوانی انسان در شکرگزاری نعمات پایان ناپذیرش آن گونه که شایسته آن است. منظور این است که با نگاه جستجوگرانه به پدیده های آفرینش می توان به شناخت خداوند دست یافت.

قالب شعر: قصیده

قصیده: نوعی قالب شعری است که مصراع اول از بیت اول با تمام مصراع های زوج هم قافیه است و تعداد ابیاتش معمولاً بیش از پانزده تاست.

موضوع قصیده: وصف طبیعت، مدح، اندرز، عرفان و حکمت است.

قصیده و غزل در طرز قرار گرفتن قافیه ها شباهت دارند امّا در تعداد ابیات و موضوع با هم متفاوت هستند.

Δ _____ Δ _____

Δ _____ _____

Δ _____ _____

شعر، آفرینش همه تنبیه خداوندِ دل است از بخش مواعظ سعدی انتخاب شده است. اصل شعر، دارای 43 بیت و با نام « وصف بهار» سروده شده است.

تاریخ ادبیات: سعدی، مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی، شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیّه به تحصیل مشغول شد. سال 655 بوستان را به نظم در آورد. در سال بعد گلستان را تألیف کرد. این قصیده از کلیات سعدی که شامل (گلستان، بوستان، غزلیات و قطعات و قصاید و ... است) انتخاب شده است.

معنی ابیات دشوار

بیت 2: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: همه جهان آفرینش، ابزاری است برای جلب شدن توجه انسان صاحب دل و هوشیار به خداوند، آن کسی که به وجود خداوند اعتراف نمی کند، در حقیقت دل مرده است و دلش حقایق را در نمی یابد.

بیت3: این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

معنی: این همه نقش های حیرت آور در جای جای عالم هستی برای شناخت خداوند وجود دارد؛ هر کس در این نشانه ها اندیشه نکند، مانند نقاشی ای است که بر دیوار کشیده شده و درکی از عالم خارج ندارد.

بیت9: عقل، حیران شود از خوشه زرین عنب فهم، عاجز شود از حقّه یاقوت انار

معنی: عقل از دیدن خوشه ی طلایی انگور و نظم آن گیج و سرگردان می شود؛ فهم هم ناتوان است از درک کردن نظم شگفت انگیز دانه های انار که مانند یاقوت هایی کنار هم در جعبه ای چیده شده است.

بیت10: پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخّر کند و لیل و نهار

معنی: خداوند منزه و بی نقصی که با تقدیر و اراده ی برتر خود، ماه و خورشید و شب و روز را زیر سلطه انسان در آورده است (اشاره به آیه 33 سوره ابراهیم و آیه 12 سوره نحل)

بیت12: سعدیا، راست روان گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

معنی: ای سعدی! انسان های درستکار، خوشبخت و رستگار شده اند. تو هم درستکار باش، زیرا کسی که راه کج و منحرف را طی کند، به مقصد نخواهد رسید.

آرایه ها ادبی شعر:

بیت اول: تضاد(لیل و نهار)، جناس (نهار، بهار)

بیت دوم: واج آرایی « د »

بیت سوم: دیوارِ وجود (اضافه ی تشبیهی) مراعات نظیر (در و دیوار)

نقش بود بر دیوار (کنایه از بی احساس بودن)

بیت چهارم: تملیح دارد به آیه ی 44 سوره اسرا « ان من شی ء الاّ سُبَحِّ بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیما غفوراً.

بیت پنجم: خواب جهالت (اضافه تشبیهی) سر از خواب برداشتن (کنایه از آگاهی و بیداری) مراعات نظیر (خواب، سحر و خفته)

بیت ششم: مراعات نظیر (بنفشه و نرگس) چو بنفشه ← تشبیه

بنفشه نماد انسان های افسرده و سرافکنده و نرگس نماد بیداری و آگاهی است.

بیت هفتم: تضاد(گل و خار)

بیت هشتم: تشخیص (حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم)، مراعات نظیر(عنب و انار) حقه یاقوت انار(اضافه تشبیهی)

بیت نهم: تضاد(لیل و نهار)، مراعات نظیر(ماه و خورشید) تلمیح به آیه ی 33 سوره ابراهیم.

بیت یازدهم: مراعات نظیر(نعمت، شکر، انعام و شکرگزار)

ز عدد بیرون است (کنایه از بی شمار بودن)

بیت دوازدهم: گوی سعادت (اضافه تشبیهی) گوی بردن کنایه از (سبقت گرفتن)

نکته ادبی درس:

آرایه تشبیه چیست؟

تشبیه به معنی ادّعای همانندی و شباهت کردن است.

- **هر تشبیه چهار رکن دارد.**

ارکان تشبیه

1-مشبه : چیزی یا کسی که قصد تشبیه کردن آن را داریم.
2- مشبه به : چیزی یا کسی که مشبه را به آن مانند می کنیم.
3- وجه شبه : ویژگی مشترک میان مشبه و مشبه به
4- ادات تشبیه : واژه های: مانند، مثل، چون، گویی و ... که نشان دهنده ی پیوند شباهت است.

اضافه تشبیهی: اگر از چهار رکن تشبیه، ارکان اصلی (مشبه، مشبه به) ذکر شوند و ادات تشبیه و وجه شبه حذف شود که در این صورت مشبه به + نقش نمای اضافه + مشبه می شود.اضافه تشبیهی گویند.

مانند: دیوارِ وجود

آرایه تشخیص، یا شخصیت بخشی:

اگر در یک عبارت یا بیت ویژگی مخصوص انسان را درباره موجودی غیراز انسان به کار ببریم. مثلاً وقتی می گوییم عقل حیران شود از خوشه زرینِ عنب

حیران شدن ویژگی انسان که به عقل نسبت داده شده است.

یا « پنجره ها به خواب رفته اند » که خوابیدن ویژگی انسان است که به پنجره نسبت داده شده است.

آرایه ی مراعات نظیر:

وقتی چند واژه را که از نظر معنایی با هم ارتباط دارند یا در یک شبکه معنایی قرار می گیرند. در کنار هم و در یک عبارت یا بیت به کار ببریم.

مثلا : ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری.

ابر، باد، مه، خورشید و فلک آرایه ی مراعات نظیر درست کرده اند.

چند پرسش از درس:

1-در کدام مصرع آرایه ی « تشبیه» به کار رفته است؟

الف) خبرت هست که مرغان سحر می گویند **ب) کوه دریا و درختان همه در تسبیح اند**

ج) فهم عاجز شود از حقه ی یاقوت انار **د) حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار**

2- تفاوت معنایی اَنعام و اِنعام را توضیح دهید.

3- ترکیب های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

تماشای بهار، خداوند دل، نقش عجب، گل صد برگ

حکایت سفر

نوع نثر : ساده و روان

محتوا و پیام حکایت : تأکید بر خویشتن شناسی دارد . شناخت واقعی همان شناخت خود است (خود شناسی)

معنی واژه ها :		
پیر : شیخ ، مراد ، مرشد	آسیاب : دستگاهی که غلات را آرد می کند	ساعتی : یک ساعت ، مدتی
درنگ : توقف	معرفت : شناخت	مشغول : سرگرم
مشغول آنم : در حال پرداختن آن هستم	پیوسته : همیشه	گِرد خویش گشتن : با خود اندیشیدن ، به کار خود توجه کردن

معنی حکایت : یک روز ، شیخ و راهنمای ما ابوسعید ابی الخیر با گروهی از همراهانش به درِ آسیابی رسید . اسبش را نگه داشت و توقف کرد و مدتی ، صبر کرد . سپس به همراهانش گفت : می دانید که این آسیاب چه چیزی را به ما می گوید ؟

می گوید : شناخت واقعی همین است که من در حال پرداختن و انجام دادن آن هستم . به هنگام گشتن ، با خود اندیشه می کنم و به کار های خود توجه می کنم و آن چیزهایی را که شایسته نیستند انجام نمی دهم و از خود دور می سازم .

تاریخ ادبیات : اسرارالتوحید فی مقامات ابوسعید : کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی الخیر که محمد بن منور (یکی از نوادگان او) آن را در قرن ششم نگاشته است .

پرسش هایی از حکایت

1 – پیام حکایت را بیان کنید ؟

2 – جای خالی جملهٔ زیر را واژه های کدام گزینه کامل می کند ؟

« کتاب اسرار التوحید از ..... و دربارهٔ زندگی ..... است »

الف) ابوسعید ابی الخیر – محمد بن منور **ب) محمد بن منور – امام محمد غزالی**

ج) محمد بن منور – ابوسعید ابی الخیر **د) ابو منصور هروی – امام محمد غزالی**

3 – در کدام گزینه ، دو واژه با هم مترادف نیستند ؟

الف) درنگ ، توقف **ب) پیر ، سالک** **ج) معرفت ، شناخت** **د) پیوسته ، همواره**

4 – عبارت زیر چند جمله است ؟

« می گوید : معرفت این است که من در آنم »

الف – دو جمله **ب) سه جمله** **ج) چهارجمله** **د) پنج جمله**

روان خوانی دریچه های شکوفایی

نوع نثر : ترجمه (ساره)

محتوا (پیام درس) : انسان ها باید به خاطر سلامت خودشان قدردان خداوند باشند . انسان ها باید قدر نعمت های خداوند بدانند و برای هر یک از اعضای بدنشان ارزش قایل باشند . زیرا هر یک از این اعضا برای زندگی انسان ها بسیار مفید هستند . در پایان متن می گوید : چنان از زندگی لذت ببرید و از چشم ، گوش و دیگر اعضای بدنتان بهره مند شوید که انگار آخرین روزی است که از آن ها استفاده می کنید .

معنی واژه ها :		
اشتیاق : رغبت بسیار ، شوق	اغلب : بیشتر	گویی : انگار
حواس : جمع حس ، ذهن	نغمه : آهنگ	پرشور : هیجان انگیز
لامسه : یکی از حواس پنجگانهٔ انسان	عظمت : بزرگی	جنبه :حالت
ابزار ارتباطی : وسایلی که ارتباط بین دیگران فراهم می کند	متعدد : فراوان ، دارای تعداد زیاد	موهبت : بخشش
موهبت : بخشش	قابلیت های مقدس : لیاقت ها و توانایی های پاک	تمرکز : متوجه یک موضوع شدن
اعتنا : توجه	متقاعد شدن : پذیرفتن	صرفاً : تنها ، فقط
لطافت : لطیف بودن	مخملی : از جنس مخمل	معجزه : خارق العاده ، شگفت و عجیب
خوشایند : دل پسند	مهیّج : آن چه موجب هیجان شود ، برانگیزنده	مایهٔ تأسف : باعث افسوس خوردن
معرفت : شناخت	کمال : صفت های بدون عیب ، دانایی	قابلیت : توانایی
ارزیابی : بررسی	اشیا : جمع شی ، چیزها	نادیده نمی گیرد : مورد بی توجهی قرار نمی دهد
تجسم : در نظر آوردن ، تصور کردن	ظلمت : تاریکی	

معنی و آرایه های بعضی جمله ها :

*** کسانی که هرگز از کاهش بینایی رنج نبرده اند ، به ندرت از این قابلیت های مقدس ، کامل ترین بهره را می برند .**

معنی : آن هایی که هیچ وقت گرفتار مشکل نابینایی و ناشنوایی نشده اند ، گاهی از این توانایی پاک و با ارزش بهرهٔ کاملی را برده اند و از آن استفاده مفیدی کرده اند .

*** برای من ، فرش پر پشت و سرسبز چمن با برگ های سوزنی درخت کاج ، خوشایند تر از هر چیز است .**

معنی : به نظر من سبزه های انبوهِ چمن یا برگ های سوزنی شکل درخت کاج ، از هر چیزی شادی بخش تر و دلپذیرتر است .

آرایه ها : چمن مانند فرش است که پر از برگ های ریز سبزه است ← تشبیه

(چمن) ← مشبه فرش← مشبه به چمن ، برگ ، درخت کاج ← مراعات نظیر

افراد بینا کم می بینند ، با دقت به اطراف خود نگاه نمی کنند و زیبایی ها را درک نمی کنند . برای درک درست و عمیق هنر ، شخص باید چشمهایش را تربیت کند .

معنی : به چشم ها درست دیدن را یاد بدهد . خوب و دقیق ببیند.

گاهی قلبم با شوق فریاد می زند و می خواهد تمام چیزها را ببیند ← آرایهٔ تشخیص

چشمانم چیزهای بی اهمیت را نادیده نمی گیرد .← آرایهٔ تشخیص

نادیده نمی گیرد ← کنایه

تاریخ ادبیات :

هلن کلر : دانشمند آمریکایی (1880 م) وی در نوزده سالگی بر اثر بیماری ، شنوایی و بینایی خود را از دست داد . وی پس از پایان تحصیلات دست به پخش کتاب زد و از درآمد آن ها آموزشگاهی برای نابینایان تأسیس کرد . بهترین نوشتهٔ وی « داستان زندگی من » نام دارد که شهرت جهانی دارد .

پرسش های روان خوانی

1 – معنی کلمۀ « مهیج » کدام گزینه است ؟

الف) خارق العاده ب) هیجان انگیز ج) آشفته د) دل پسند

2 – منظور جمله های زیر را بنویسید ؟

شخص باید چشم هایش را تربیت کند .

افراد بینا کم می بینند .

3 – در کدام گزینه بن مضارع به کار نرفته است ؟

الف) بینایی ب) ناشنوا ج) دیدنی د) لذت بخش

4 –در کدام گزینه ترکیب وصفی است ؟

الف) مایۀ تأسف ب) فرش چمن ج) نمایش مهیج د) نوک انگشتانم

5 – در کدام گزینه اضافۀ تشبیهی به کار نرفته است ؟

الف) گذر فصل ها ب) نغمه های پر شور طبیعت ج) معجزۀ آفرینش د) فرش پرپشت و سبز چمن

درس دوم : عجایبِ صُنعِ حق تعالی

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی بیشتر با یکی از متن های تاریخی نثر فارسی (کیمیای سعادت ، امام محّمد غزالی) (علم)

2 – تقویت خوانش رسای متن با لحن و آهنگ مناسب (عمل)

3 – تقویت توجّه نسبت به طبیعت به عنوان رکن اصلی آفرینش خداوند متعال (تفکّر)

4 – بازآموزی و توسعهٔ آموخته های دانش آموزان در زمینهٔ وابسته های گروه اسمی (علم)

5 – تقویت نگرش مثبت نسبت به « آفریده های پروردگار » (ایمان)

6 – تقویت کاربست آموزه های محتوا در فعّالیت های نوشتاری و گفتاری (عمل)

7 – رعایت ارزش های اخلاقی ، دینی و فرهنگی ایران زمین (اخلاق)

روش های تدریس پیشنهادی :

– بحث گروهی

– گردش علمی و مشاهده

– کارایی گروه و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی :

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس و نویسنده ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ....

در هنگام ارائهٔ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارهٔ شگفتی های آفرینش به تصویر کشیده شود ، فرآیند تدریس مؤثرتر خواهد بود .

معنی و آرایه های درس

بدان که هر چه در وجود است ، همه صنع خدای تعالی است.

آسمان وآفتاب و ماه و ستارگان و زمین وآن چه بروی است ، چون کوه و بیابان ونهرها وآن چه درکوه هاست ازجواهر و معادن وآن چه بر روی زمین است از انواع نباتات وآن چه در بر و بحراست . ازانواع حیوانات وآن چه میان آسمان و زمین است چون میغ وباران و برف وتگرگ و رعد و برق وقوس و قزح و علاماتی که درهوا پدید آید ، همه عجایب صنع حق تعالی است و این همه آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا درآن نظر کنی ، پس اندر این آیات تفکر کن .

معنی:

بدان وآگاه باش که هر چه وجود دارد همه آفریده ی خداوند بلند مرتبه است . آفتاب وماه وستارگان وزمین وآنچه برروی زمین است مانند کوه وبیابان ورودخانه وآن چه در کوه هاست از سنگ های قیمتی ومعدن ها وآن چه بر روی زمین وجود دارد از گیاهان گوناگون و آن چه در خشکی ودریا وجود دارد از انواع حیوانات وآن چه که در میان آسمان و زمین است مانند ابر و باران برف و تگرگ و رعد و برق و رنگین کمان ونشانه هایی که در هوا بوجود می آید همه از شگفتیهای قدرت خداوند بلند مرتبه وبزرگ است واین همه از نشانه های خداوند بلند مرتبه است که به تو دستورداده تا به آن توجه کنی پس دراین نشانه ها فکر کن و بیاندیش .

آرایه ها:

(تضاد: بر، بحر) (آسمان ، زمین)

مراعات نظیر : (آسمان ، آفتاب ، ماه ، ستارگان ، آیات حق تعالی)(جواهر،کوه، معادن ، زمین) (میغ ، باران ، برف ، تگرگ ، رعد ، برق ، قوس قزح، هوا ، آ سمان) تلمیح: این عبارت به آیات قرآن اشاره دارد. آیات ششم تا دهم سوره ی مبارکه ی (ق)

ترجمه:

آیا منکران حق، آسمان را فراز خود نمی نگرند که ما چگونه بنای محکم اساس نهادیم وآن را به زیور ستارگان درخشان آراستیم که هیچ خللی درآن راه ندارد . و زمین را نمی نگرند که آن را بگستردیم ودر آن کوه های استوار بیافکندیم وهر نوع گیاه با حسن وطراوت در آن برویانیدیم . این دلایل قدرت در آسمان وزمین ، موجب بصیرت وتذکر هربنده است .

نکته دستوری:

"وی" در " بروی است" ، ضمیر شخصی است که به زمین برمی گردد که در قدیم برای غیر جاندار هم به کار می رفته است.

بدان : آگاه باش ، شبه جمله

ستارگان: واژ ه ی ساده (ستاره + ان) گ صامت میانجی است.

معنی واژه ها :		
نهر : جوی رودخانه	**جواهر : جمع مکسر جوهر ، سنگ های قیمتی (گوهر)**	**معادن : جمع مکسر معدن**
بر : خشکی ، بیابان	**بحر: دریا**	**انواع: جمع مکسر نوع**
نباتات : گیاهان	**میغ : ابر**	**رعد : صدایی که حاصل برخورد ابرهاست .**
برق : برقی که حاصل برخورد ابرهاست.	**قوس قزح: رنگین کمان**	**صنع: احسان ، لطف ، بخشش**
آیات : نشانه ها		

در زمین نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است وجوانب وی فراخ گسترانیده واز زیر سنگ های سخت ، آب های لطیف روان کرده ، تا برروی زمین می رود وبه تدریج بیرون می آید ؛ ودر وقت بهار بنگر وتفکر کن که زمین ، چگونه زنده شود وچون دیبای هفت رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.

معنا:

به زمین نگاه کن که خداوند چگونه آن را مانند فرشی برای تو ساخته و اطراف آن را وسیع ؛ گسترده است واز زیر سنگ ها ی محکم ، آب های گوارا ، جاری کرده است .که برروی زمین جاری می شود واندک اندک از زیر زمین بیرون می آید وبه هنگام بهار ؛ نگاه کن زمین را که چگونه زنده وشاداب می شود همانند بارچه ای ابریشمی ، رنگارنگ وزیبا می شود . بلکه هزار رنگ می شود. دراینجا اشاره به روز رستاخیز دارد که مردگان زنده می شوند وبه اعمال آن ها رسیدگی می شود .نشان دهنده ی قدرت لایزال الهی است.

قواعد دستوری :

" وی " در جوانب وی ضمیر شخصی است که به زمین برمی گردد .این کاربرد قدیمی است ودر گذشته برای غیر انسان از ضمیر شخصی استفاده می کردند. . در جمله ی " به تدریج بیرون می آید " منظور آب چشمه است که کم کم از زمین به بیرون می تراود .

آرایه ها:

تضاد: سخت و لطیف

تشبیه: زمین چون دیبای هفت رنگ گردد

آسمان وزمین : مراعات ونظیر

نکته ی دستوری :

ویژگی نثر کهن فارسی ، در این عبارت کاملا ، آشکار است.

1- کوتاهی جمله ها : در زمین نگاه کن – چگونه بساط تو ساخته است.- جوانب وی فراخ گسترانیده

2- فراوانی فعل ها : نگاه کن – ساخته است –گسترانیده – کرده – می رود – می آید و....

3- تکرار فعل ها وبرخی کلمه ها : زمین – شود- کن – چگونه و....

معنی واژه ها :		
بساط: هرچیز گستردنی ، سفره ، تشکیلات	گسترانیده : صفت مفعولی از مصدر گستردن	دیبا : نوعی پارچه ی ابریشمی
بنگر: نگاه کن ، فعل امر مصدرآن نگریستن	جوانب : جمع مکسر جانب ، اطراف، کناره ها	بلکه: اضافه بر این علاوه بر این
فراخ: وسیع، گسترده		

نگاه کن مرغان هوا وحشرات زمین را هریکی برشکلی وبر صورتی دیگر وهمه از یک دیگرنیکوترهر یکی را آن چه به کار باید ، داد . هر یکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه راچون نگه دارد تا بزرگ شود وآشیان خویش چون کند .در مورچه نگاه کن که به وقت خویش غذا چون جمع کند.

معنا: به پرندگان آسمان وحشره های روی زمین نگاه کن که هریک رابا شکل وظاهری متفاوت آفریده وهرکدام ازدیگری بهتروزیباتر است. آن چه که لازم بود به هریک (موجودات) داده وبه هرکدام یاد داده که چگونه غذا به

دست بیاورد وبچه را نگه دارد تا بزرگ شود وچگونه لانه ی خودرا بسازد . به مورچه نگاه کن که چگونه درزمان مناسب غذایش را جمع می کند .

معنی لغات و عبارات		
آن چه به کار باید: آن چه لازم است.	آشیان خویش چون کند : لانه ی خود چگونه بسازد	بیاموخته : صفت مفعولی از مصدر آموختن
مرغان هوا: پرندگان آسمان	نیکوتر : زیباتر ، خوب تر	

نکات دستوری :

نگاه کن : فعل امر ، نهاد آن تو و مرغان هوا وحشرات زمین ، مفعول یا گروه مفعولی

کلمات شکلی ، صورتی ویک دیگر متمم هستند .

در جمله ی هریکی را بیاموخته : مفعول : هریکی را و "را" نشانه ی مفعولی وخداوند نهاد این جمله می باشد .

اگر در خانه ای شوی که به نقش وگچ کنده کرده باشند، روزگاری دراز صفت آن گویی وتعجب کنی وهمیشه در خانه ی خدایی ، هیچ تعجب نکنی .واین عالم خانه ی خداست وفرش وی زمین است ولکن سقفی بی ستون واین عجب تر است وچراغ وی ماه است وشعله ی وی آفتاب ، و قندیل های وی ستارگان وتو از عجایب این غافل ، که خانه بس بزرگ است وچشم تو بس مختصر ودر وی نمی گنجد.

معنا :

اگر در خانه ای بروی که نقاشی وگچ بری کرده باشند ، زمان زیادی ، آن را وصف می کنی و از آن کار تعجب می کنی در حالی که همیشه در خانه ی خدا (دنیا) هستی واصلا تعجب نمی کنی و این دنیا ، خانه ی خداست وفرش آن زمین است وسقف بی ستون آن آسمان است که این بسیار عجیب است وچراغ آن ماه است وشعله ای که آن را گرم وروشن نگاه می دارد آفتاب است وروشن کننده ی آن در شب ستارگان هستند وتو ای انسان از این همه شگفتی ها غافل وبی خبری زیرا این دنیا بسیار بزرگ است وچشم تو بسیار کوچک و در چشم تو جا نمی گیرد .

آرایه ها:

همیشه در خانه ی خدایی : اشاره دارد به اینکه " عالم محضر خداست "

تضاد : بزرگ ، مختصر

تشبیه : چراغ وی ماه است وشعله ی وی آفتاب وقندیل های وی ستارگان .

معنی لغات		
درخانه ای شوی: به خانه ای بروی	مختصر: کم وکوتاه ، ناچیز	سقفی بی ستون : آسمان
قندیل : چراغ دان ، چراغ آویز	دروی نمی گنجد: جا نمی گیرد .	

قواعد دستوری:

فعل شوی مضارع التزامی "بشوی" است نهاد آن ضمیر " تو" است. همیشه در خانه خدایی ، خانه ی خدا استعاره از دنیاست ،

سقف : استعاره از آسمان .

بزرگ ومختصر : تضاداست . عالم به خانه ، زمین به فرش و ماه به چراغ وآفتاب به شعله وقندیل به ستاره تشبیه شده است. "وی " در چراغ وی ؛ شعله ی وی ؛ فرش وی ؛ ضمیر شخصی است که به زمین برمی گردد کاربرد قدیمی است ودر گذشته برای غیر انسان از ضمیر شخصی استفاده می کردند. مثل تو چون مورچه ای است که در قصر ملکی سوراخی دارد ، جز غذای خویش ویاران خویش چیزی نمی بیند ، واز جمال صورت قصر وبسیاری غلامان وسریر ملک وی ، هیچ خبر ندارد، اگر خواهی به درجه ی مورچه قناعت کنی ، می باش و اگر نه راهت داده اند تادر بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی و بیرون آیی . چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متحیر شوی

معنی :

ای انسان ، داستان تودراین دنیا مانند مورچه ای است که در قصر پادشاهی ، لانه دارد وجز غذا ویاران خویش به چیز دیگری فکر نمی کند و از زیبایی قصر وغلامان و تخت پادشاهی ، با خبر نیست .اگر می خواهی در حد واندازه ی مورچه باشی ، درهمان حد باقی بمان واگر نمی خواهی مثل مورچه باشی به تو اجازه داده اند که در باغ شناخت خداوند بلند مرتبه تماشا کنی وپی به قدرت خدا ببری چشمت راباز کن تا شگفتی های جهان را ببینی وشگفت زده وحیران شوی .

معنی لغات		
مثل : وصف حال ؛ داستان	ملک : پادشاه	جمال : زیبایی
سریر: تخت ، اورنگ	ملک پادشاهی : مملکت	مدهوش : سرگشته ، سرگردان
متحیر: حیران ؛ سرگردان		

آرایه ها:

تشبیه: بستان معرفت حق تعالی ، معرفت خداوند به بستان تشبیه شده است

تشبیه : مثل تو چون مورچه است: زندگی انسان در جهان رابه زندگی مورچه در سوراخی تشبیه کرده است.

مراعات نظیر : قصر ، ملک ، غلام

عجایب بینی: فعل مضارع التزامی ، ببینی

نکته ی دستوری : مرجع ضمیر "وی" ملک است

پیام درس :

نشان دادن شگفتی های جهان وقدرت پروردگاروتفکر اندراین نشانه ها وپی بردن به وجود آفریننده ی آن

تاریخ ادبیات : در مورد کیمیای سعادت

اثر حجت الاسلام امام محمد غزالی ، بین سال های 490 تا 500 هجری قمری تالیف شده است موضوع آن :

1- شناخت نفس خویش 2- در شناخت حق سبحانه تعالی 3- در معرفت دنیا 4- در معرفت آخرت

نثر این کتاب ساده در عین حال لطیف و جذاب است . کیمیای سعادت مهم ترین اثر فارسی غزالی است در طول هزارسال ، غزالی تنها کسی است که لقب " حجت الاسلام" داشته است.

نکته ی زبانی:

وابسته های گروه اسمی :

این نوع از وابسته ها اگر قبل از اسم آورده شوند و مفاهیمی چون اشاره ، شمارش ، پرسش ،تعجب و... را بیان کنند به آنها وابسته های " پیشین " می گویند.

مانند: چهار دانش آموز ، این آیات

صفت شمارشی اصلی _هسته صفت اشاره ای- هسته

(وابسته پیشین) (وابسته پیشین)

واگر پس از اسم بیاید و ویژگی های اسم را بیان کند آن را وابسته ی پسین می نامند.

مانند: کتاب گلستان ، کتاب هسته وگلستان وابسته ی پسین است. دانش آموز کوشا ، دانش آموز هسته وکوشا ، وابسته پسین صفت بیانی است .

و یا عبارتِ همان گروه موفق ، همان وابسته ی پیشین صفت اشاره ای است . گروه ، هسته وموفق ، وابسته پسین صفت بیانی می باشد .

سوالات مربوط به درس دوم :

1- قندیل در عبارت زیر به چه معناست ؟

" چراغ وی ماه است وشعله ی وی آفتاب و قندیل های وی ستارگان وتو از عجایب این غافل "

الف) نقش ب)چراغ آویز ج) نشانه د)پرتو

2-"سریر" یعنی:

الف) صندلی ب)تخت ج) تاج د)آسمان

3-کدام گزینه مفرد است؟

الف) آیات ب) معادن ج)جواهر د)صنع

4-کدام ترکیب وصفی است؟

الف) روی زمین ب) دیبای هفت رنگ ج)آشیان خویش د)حشرات زمین

5-رابطه ی موجود بین واژه های زیر چیست؟

« میغ و باران و برف و تگرگ و رعدوبرق و قوس قزح »

الف) تضاد ب)مترادف ج) تناسب د) جناس

6-نویسنده ی کدام کتاب اشتباه ذکر شده است؟

الف) کیمیای سعادت: احمد غزالی ب) اسرار التوحید : محمد منور

ج) حدیقه الحقیقه : سنایی غزنوی د) مخزن الاسرار : نظامی گنجوی

7- املای کدام واژه با توجه به معنا غلط است؟

الف) بهر : دریا ب) سعادت : خوشبختی ج) متحیر:سرگشته د)قوس قزح:رنگین کمان

8-درمتن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

" آن چه میان آسمان وزمین است چون میق وباران وبرف وتغرق و رعد و برق و قوس قزح وعلاماتی که درهوا پدید آید ؛ همه عجایب سنع حق تعالی است. واین همه آیات حق تعالی است که تورا فرموده است تا درآن نضر کنی .پس دراین آیات تفکر کن ."

الف) یک ب) دو ج) سه د) چهار

9- هم خانواده ی کدام مصدر در عبارت زیر وجود ندارد؟

« در زمین نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است وجوانب وی فراخ گسترانیده واز زیر سنگ های سخت ، آب های لطیف روان کرده ، تا بر روی زمین می رود وبه تدریج بیرون می آید .»

الف) آمدن ب) ساختن ج)دریدن د)رفتن

10 – ویژگی نثر قدیم که دراین درس به وضوح دیده می شود را بنویسید.

کوتاهی جمله ها ، مانند : در زمین نگاه کن .چگونه بساط تو ساخته است؟ جوانب وی فراخ گسترانیده فراوانی فعل ها ، مانند: نگاه کن. ساخته است. گسترانیده .و...

تکرار فعل ها وبرخی کلمه ها مانند: زمین، کن، چگونه و...

شعر خوانی : پرواز

در پیله تا به کی بر خویشتن تنی ؟

پرسید کرم را؛ مرغ از فروتنی

تا چند متروی در کنج خلوتی

در بسته تا به کی ، در محبس تنی؟

در فکر رستنم - پاسخ بداد کرم -

خلوت نشسته ام زین روی ، منحنی

همسال های من ، پروانگان شدند

جستند از این قفس گشتند دیدنی

در حبس و خلوتم ، تا وارهم به مرگ

یا پر برآورم بهر پریدنی

اینک تو را چه شد ، کای مرغ خانگی

کوشش نمی کنی پری نمی زنی؟

« علی اسفندیاری (نیمایوشیج) »

درباره ی قالب این شعر می توان دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داد.

قالب این شعر از نظر ساختار وتعداد ابیات غزل است اما محتوای آن اجتماعی وهمراه با اندرز است شاید در مرتبه ی اول قطعه یا شعر نو به نظر آید اما بهتر آن است که بگوییم محتوای قطعه دارد. هر چند محتوای غزل حدیث عشق و عاشقی و بیان احساسات وعواطف است اما در ادبیات ومتون به ویژه معاصر ومشروطه به بعد محتوای غزل رو به موضوعات دیگری چون عشق به وطن و با سیاست و مدح و...می رود . ما غزلیات مدحی، وطنی؛ سیاسی ؛ اجتماعی ؛ اندرزی و... هم داریم حتی بایدگفت که تمام غزلیات حافظ هم عاشقانه نیست بلکه غزل مدحی وسیاسی هم از این شاعربزرگ دربین اشعارش یافت می شود. گروهی دیگر برآن نظرند که این شعر از نوع قطعه ی مصرع است. گاهی در قطعه مصراع اول بیت اول نیز قافیه می گیرد که به این نوع قطعه ؛ قطعه ی مصرع می گویند.

مثال :

دلا یاران سه قسم اند گر بدانی　　زبانی اند و نانی اند و جانی

به نانی نان بده از در برانش　　نوازش کن تو یاران زبانی

ولیکن یار جانی را نگه دار　　به پایش جان بده تا می توانی

« ابن یمین »

چون محتوای شعر حالت مناظره دارد وحکایت داستانی مطرح شده است از این منظر به قطعه نزدیکتراست. این شعر حالت مناظره دارد وهم چنین آرایه تشخیص در بیشتر ابیات وجود دارد به این گونه از شعر که در آن شاعر ، از زبان دو یا چند شخصیت که در مقابل یک دیگر قرار می گیرند ؛ سخن بگوید وصفات هریک را اززبان آن ها بیان کند ، مناظره می گویند.

دراین جا :

کرم ابریشم نماد انسان هایی که در تلاشند تا به مراتب بالای کمال ورشد معنوی برسند وهر لحظه در حال تغییر وتحول معنوی ودرونی خویشند لذا به خود توجه دارند ودر خلوت تنهایی خودسیر می کنندواین نوع خلوت گزیدن مثبت است ونوعی شادی درون به همراه دارد که از منظر ظاهر بینانی چون مرغ خانگی به شکل زندان وگوشه گیری وبی تحرکی جلوه می کنند بی خبر از آن که :

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است

چون روی دوست هست به صحرا چه حاجت است

ایمان به زبان دل می گویند

یارب چه خوش است بی دهن خندیدن

بی منت باگرد جهان گردیدن

1-مرغ خانگی نماد انسان هایی است که با وجود داشتن امکانات ، حاضر به تلاش برای بهتر شدن و یا دست یابی به معرفت وشناخت خود و استعدادهای خود نیستند.

2-پیله : محفظه ای که نوزاد برخی حشرات دور خود می تند / تنی : تنیدن ، تار بافتن کرم ابریشم

یا عنکبوت / فروتنی: در این جا مراد " حقارت + فرومایگی " است.

مرغ نهاد مصرع دوم است ./ " را" به معنی " از" است بنابراین کرم نقش متممی می گیرد .

3- منزوی : آن که از مردم کناره گیرد / دربسته : حبس شده ، زندانی / محبس تن اضافه ی تشبیهی

4- رستن : رهایی / منحنی : خمیده

5-دیدنی : تماشایی /" ی" در این کلمه " یای " لیاقت است .یعنی شایستگی موصوف خودرا می رساند.

6- وارهم : وارستن ، رهاشدن ، خلاص یافتن

معنی ابیات :

مرغ با تنبلی از کرم پرسید ، تاکی درخانه (پیله) تار می تنی ؟

ای کرم تاچه وقت در کنج تنهایی گوشه نشینی اختیار می کنی واز مردم کناره می گیری ؟

تا چه وقت اسیر جسم خاکی خود هستی ؟

کرم پاسخ داد، در فکر رهایی وپرواز می باشم ، به این خاطر خلوت وتنهایی اختیار کردم تا خمیده شدم (رستن یعنی دل کندن از دنیا وپرواز آسمانی مراد است.) هم سن وسالان من به پروانه مبدل شدند واز این قفس (پیله) رهایی یافتند وتماشایی شدند.

در زندان تن خود خلوت اختیار کردم تا با مرگ ، رهایی وخلاصی یابم یا منتظرم پر در آورم وبا شایستگی پرواز کنم. ای مرغ خانگی برای تو چه اتفاقی رخ داده است که نه در فکر پرواز هستی ونه تلاش می کنی .

نکات دستوری:

نهاد مصرع اول کرم است ای کرم تا به کی برخویشتن پیله می تنی ؟ مفعول پیله است و متمم،:خویشتن

مرغ از فروتنی کرم را پرسید. نهاد ، مرغ است . کرم ، متمم است و "را" حرف اضافه است . رای اضافی ، در ابیات این شعر آرایه ی تشخیص نمایان است .

درفکر رستنم – پاسخ بداد کرم- جمله ی پاسخ بداد کرم معترضه است .

هم سال های من ، نها د پروانگان ، مسند وشدند ، فعل اسنادی

جستند از این قفس ودیدنی گشتند. نهاد: پروانگان واین قفس : متمم و دیدنی : صفت لیاقت مسند وگشتند یعنی شدند وفعل اسنادی است

در حبس وخلوت هستم تا به مرگ وارهم . نهاد : من و درحبس وخلوتم ومرگ : متمم است. و وارهم فعل جمله است.

ای مرغ خانگی اینک تورا چه شد ؟ نهاد : مرغ خانگی ، منادا چه شد فعل جمله است ، اینک : قید زمان

نهاد(منادا) قید زمان

پیام شعر :

ابیات این شعر نشان دهنده ی انسان هایی است که با وجود تمام امکانات باز هم هیچ تلاش و تکاپویی از خود نشان نمی دهند وبه تن آسانی وزندگی آسوده وراحت روی می آورند وهمچنین نشان دهنده ی انسان هایی است

که خود ریاضت و سختی می کشند تا به مقام ودرجات بالایی برسند . این شعر می گوید که انسان برای رسیدن به مقام و درجات بالاتر باید سختی های بسیار کشید و در راه رسیدن به این مراحل صبر وشکیبایی به خرج داد.

تاریخ ادبیات :

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج درسال 1276 خورشیدی درروستای یوش مازندران به دنیا آمد پدرش ابراهیم خان نوروزی نام داشت .دوران کودکی اش رادرهمان جا گذراند. پس از اتمام دوره ی ابتدایی به تهران آمد وبه تحصیلات خود ادامه داد. در این جا بود که زیر نظر استاد نظام وفا علاقه اش نسبت به شعر بیشتر و بیشتر شد ایشان راهی نو وسبکی نو در شعر به وجود آورد که به سبک نیمایی معروف است. این شاعر بزرگ درسال 1338 در منطقه ی تجریش تهران دار فانی را وداع گفت .

برخی از آثاراو عبارت اند از : شهر صبح شهر شب، آهو وپرنده ها ، قلم انداز ، نامه ی نیما به همسرش والسلام وکندوهای شبانه و...

فصل دوم : شکفتن

بیت آغاز فصل 2 :

در زندگی مطالعهٔ دل غنیمت است خواهی بخوان و خواه نخوان ، ما نوشته ایم

پیام بیت : خود شناسی و شناخت توانایی ها و ضعف های خود و تاثیر آن در موفقیت ها .

معنی بیت : در زندگی ، شناخت و بررسی احساس و اندیشه ، فرصت خوبی است ، ما این نکته را نوشته ایم ، می خواهی به آن عمل کن یا گوش نکن .

لغت ها : مطالعه : بررسی ، دیدن غنیمت : سود ، بهره مطالعهٔ دل : شناخت خود

آرایه ها : مطالعه ، خواندن ، نوشتن ← مراعات نظیر

واج آرایی « خ » و « ن » دل ← منظور وجود بخوان و نخوان « تضاد »

بیت سه جمله است .

فعل ها : است / خواهی بخوان / نخوان / نوشته ایم

اجزای جمله: نهاد ← مطالعهٔ دل غنیمت ← مسند است ← فعل اسنادی

در زندگی ← حرف اضافه ، متمم

مصراع دوم : تو ← نهاد (پنهان) ما ← نهاد مصراع اول مفعول فعل نوشته ایم ، است .

تاریخ ادبیات : بیدل دهلوی : میرزا عبدالقادر ← قرن 11 ه.ق شاعر هندوستانی (متولد عظیم آباد هند) او درآثار خود ، اندیشه های لطیفِ عرفانی را با مضامین پیچیده در آمیخت و شیوهٔ بیان و سبک ویژه ای را به کاربست .

ادبیات تعلیمی : نوشته ها و سروده هایی که راه بهتر زیستن را به ما می آموزند . ویژگی های زیر را دارد :

1 – نشان دادن خیر و شر

2 – زیبایی های حقیقت و آموزش یک دانش خاص

2 – مطالب علمی در قالب نظم و شعر

فصل 2 (شکفتن) حاوی متن های تعلیمی است و با هدف آموزش و اندرز نوشته شده است .

درس سوم : مثل آینه ، کار و شایستگی

اهداف آموزشی :

1 – ایجاد نگرش مثبت نسبت به مسئلهٔ بلوغ و دورهٔ جوانی و نوجوانی (باور)

2 – آشنایی با آموزه های تربیتی و اخلاقی در احادیث و کلام شاعران و نویسندگان (علم)

3 – تقویت روحیهٔ نقد و نقد پذیری و نقد آثار و کردار (عمل)

4 – آشنای با « پرسش انکاری » در زبان فارسی (علم)

5 – توجّه بیشتر به ارزش های اجتماعی (اخلاق)

6 – توانایی درک معانی جمله ها و بیت های متن درس (تفکّر)

7 – تقویت کاربست آموزه های محتوا در فعّالیت های نوشتاری و گفتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روشن سازی طرز تلقی

– پرسش و پاسخ

– کارایی گروه و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی :

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ....

در ارائه این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارهٔ جوانان یا نوجوانان موفّق به نمایش درآید ، فرآیند تدریس را جذّاب تر می کند .

نکات کلیدی درس سوم :

مثل آیینه

این متن با لحنی تعلیمی ــ اندرزی خوانده می شود . در لحن تعلیمی ، خواننده با حفظ روحیهٔ خیر خواهانه ، نرمی و ملایمت را در کلام خود به کار می گیرد ، و برای تأثیر کلام خود بر مخاطب این آرامش و نرمی گفتار را درسراسر متن حفظ می کند . و نباید کلامش لحن دستوری و فرمان دادن به خود بگیرد .

محتوای درس : متن به دورهٔ نوجوانی اشاره دارد و دورهٔ نوجوانی دورهٔ انتقال است . انتقال از کودکی به جوانی . و این انتقال نوجوان را گاهی آرام و زمانی نا آرام جلوه می دهد . برای کنار آمدن با این دوره و رفتارهای نوجوان باید از راهکارهای علمی و روانشناسانه بهره گرفت .

واژه های متن		
پر تب و تاب : پراز شور و هیجان	دو چشم دیگر : یک دوست دیگر	خودشناسی : آگاهی شخص از ضعف ها و توانایی های خود
نقد : بررسی کردن خوبی ها و عیب های کسی	دیدگان : چشمان	پرسشگر : کسی که دربارهٔ امری ، پرسش می کند .
نیک بختی : سعادتمندی	بی هیاهو : بدون سر و صدا	اِصلاح : پاک کردن
خودشکن : غرور و خودخواهی را رها کن	گه : زمان	شایستگی : لیاقت
خودپسندی : غرور	پندار : خیال	غنیمت : ارزش به دست آمده
متاع : کالا، جنس	باری : یک بارمناسب	فرصت : وقت
حاجت : نیاز	آزادگان : جوانمردان	بردباری : شکیبایی
سعی : تلاش	عار : ننگ، عیب	بصیرت : بینش
زنگار : رنگ ، تیرگی	خوشه : چند دانه به هم پیوسته	خروار : واحد اندازه گیری وزن
ایام : جمع یوم ، روزها	دریغا : افسوس (شبه جمله)	هشیار : آگاه

جمله های دشوار متن : دیگران زبان نقد او و پنجره هایی هستند که در برابر دیدگان پرسشگر وی گشوده شده اند .

معنی : دیگران حالت ها و رفتارهای او را نقد و بررسی می کنند و به تمام پرسش های او پاسخ می دهند .

آرایه ها :

تشبیه ←(دیگران مانند پنجره) ، مراعات نظیر ← زبان و دیدگان ، تشخیص ←دیدگان پرسشگر

نکته دستوری : جملهٔ اول ، سه جزئی با مسند است / دیدگان پرسشگر ← ترکیب وصفی

زبان نقد او و پنجره ← مُسند

آن ها مثل آیینه هستند ← تشبیه

خوبی ها و عیب ها ← تضاد

عیب ها را به ما می نمایانند ← جملهٔ چهار جزئی با مفعول و متمم

*** رسم دوستی شکستن ، آیینه نیست ، درست آن است که خود را اصلاح کنیم .**

معنی : اگر کسی ایراد و اشکال کارت را به تو یاد آور شد با او برخورد و تندی نکن ، بلکه خودت را اصلاح کن و عیب ها را از خودت دور کن .

این عبارت ، تلمیح دارد به جملهٔ معروف « مؤمن ، آیینهٔ مؤمن است » « المؤمن مرآة المؤمن »

آیینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن ، آیینه شکستن خطاست

معنی : اگر آیینه (دوست خوب) ، عیب های تو را به درستی نشان داد ، نباید آیینه را بشکنی و از واقعیت فرار کنی ، بلکه کار درست آن است که خود را اصلاح کنی و از غرور و خودخواهی ، دوری کنی .

آرایه ها : راست و خطا ← تضاد بیت ضرب المثل است

خود شکستن ← کنایه از اصلاح کردن و ترک غرور و خودخواهی

نکتهٔ دستوری : بیت سه جمله است .

فعل ها : راست بنمود / شکن / است .

شکن ← فعل امر / نهاد : تو / خود ← مفعول / است ← فعل اِسنادی / نهاد : آیینه شکستن

خطا ← مسند / راست بنمود ← فعل تام / آیینه : نهاد / نقش تو ← مفعول

تاریخ ادبیات :

نظامی گنجه ای قرن ششم آثار او : پنج گنج در قالب مثنوی :

1 – مخزن الاسرار 2 – لیلی و مجنون 3 – خسرو و شیرین 4 – هفت پیکر 5 – اسکندر نامه ⇐ ملخ ها

شعر کار و شایستگی

این شعر با لحنی تعلیمی ـ اندرزی و با نرمی و ملایمت خوانده می شود .

قالب شعر : قطعه : شعری است که مصراع ها ی دوم (زوج) آن هم قافیه است . موضوع قطعه : پند و اندرز و مسائل اخلاقی و اجتماعی .

قطعه سرایان مشهور : انوری ـ پروین اعتصامی ـ سعدی

نمودار (شکل گرافیکی قطعه) :

* _____ _____

* _____ _____

* _____ _____

* _____ _____

قافیه های شعر : پندار ـ دگر بار ـ دیوار ـ عار ـ زنگار ـ خروار ـ هشیار

ردیف : نیست

پیام و محتوای شعر : تأکید و سفارش بر دورهٔ جوانی و نوجوانی ـ تلاش و کوشش در این دوره و دوری از تنبلی ـ از غرور و خودخواهی دوری کنیم ـ پند گرفتن از روزگار و آموختن درس زندگی از انسان های بزرگ

معنی بیت ها :

1 – دورل جوانی ، هنگام کار و نشان دادنِ لیاقت است ، زمان غرور و خوخواهی و خیال پردازی نیست .

2 – اگر دوران خوش جوانی را از دست بدهی ، دیگر نمی توانی آن را به دست بیاوری ، زیرا جوانی در هیچ کجا فروخته نمی شود .

3 – قدر جوانی خودت را بدان و به دنبال حقیقت باش ، زیرا فرصت زندگی برای هرکس ، یک بار بیش تر نیست .

4 – همان طوری که برای داخل شدن به خانه ای از در استفاده می شود نه دیوار تو هم تا وقتی که راه راست وجود دارد از بیراهه نرو . (از راه راست منحرف نشو و به سمت کارهای ناشایست نرو)

5 – از انسان های جوانمرد ، شکیبایی و تلاش را یاد بگیر و بدان که آموختن از انسان های دیگر عیب و ننگ نیست .

6 – تا وقتی که ، دل تو دچار آلودگی نشده با بینش و بصیرت در وجود خودت وکارهایت ، اندیشه کن .

7 – قطعاً با جمع شدن دانه ها و خوشه ها ، خرمن به وجود می آید . هیچ دانه و خوشه ای در آغاز خرمن نبوده است . انسان ها باید برای رسیدن به هدف ها و موفقیت ها ، اندک ، اندک و گام به گام ، قدم بردارند .

این بیت ، یادآور ضرب المثل ، قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود ؛ است . در ادبیات فارسی به بیت یا جمله ای که ضرب المثلی را به یاد بیاورد ، آرایۀ تمثیل می گویند .

8 – روزگار ، سراسر درسِ عبرت است اما افسوس که انسان آگاه و هوشیاری وجود ندارد که از این همه درس و پند عبرت بگیرد .

آرایه های شعر :

بیت 3 – متاع جوانی ← اضافه تشبیهی / فروختن ، خریدن ، متاع ، بازار ← مراعات نظیر / بازار ← استعاره از دنیا

بیت 4- راست و کج ← تضاد / در و دیوار ← مراعات نظیر

بر و در ← جناس / راه راست به در و راه کج به دیوار تشبیه شده / مصراع دوم ، تمثیل است . مصراع اول کنایه از « به بیراهه رفتن » است / مصراع دوم هم کنایه از « منحرف شدن » است .

بیت 6 : چشم و نگر ← مراعات نظیر / آیینه ← استعاره از دل زنگار← استعاره از تیرگی ، لغزش و گناه / تکرار « ر » ← واج آرایی

بیت 7 : دانه ، خوشه ، خروار ← مراعات نظیر / تکرار « خ » واج آرایی تکرار واژه ها خوشه و خروار ← تکرار

بیت 8 : درس و شاگرد ← مراعات نظیر / تلمیح به حدیث حضرت (ع) ما اکثر العبر و اقل الاعتبار : عبرت ها چه بسیارند و عبرت پذیران ، اندک

نکات دستوری شعر :

بیت 1 – جوانی و شایستگی ← مشتق / خودپسندی ← مشتق ـ مرکب / پندار ← ساده
بیت 2 جمله دارد .

بیت 2 : در مصراع دوم ، فعل های است و نیست ← اسنادی اند – باری و دگربار ← مسند فرصت ← نهاد هر دو جمله بیت 4 جمله است .

بیت 4 : مپیچ ← فعل نهی / هست به معنی وجوند داشتن : فعل غیر اِسنادی / در : نهاد بیت سه جمله است .

بیت 5 : آزادگان و آموختن ← مشتق / بردباری ← مشتق - مرکب / سعی ← ساده / بیاموز ← فعل امر / عار ← مسند / آموختن ← نهاد / بردباری و سعی ← مفعول فعلِ بیاموز ← تو نهاد بیت دو جمله است . آزادگان ← متمم

بیت 6 : در نگر ← فعل پیشوندی / تا ← حرف ربط

نیست به معنی وجود ندارد ← فعل غیر اسنادی راه ← نشانهٔ مفعولی نیست . تو را در ایینه (در آیینهٔ تو) ر آیینهٔ تو ← متمم بیت 2 جمله است .

بیت 7 : همی در این جا به معنی « قطعاً » و « همانا » است و قید تأکید می باشد . خروار ← در مصراع اول و دوم مسند است / خوشه و دانه ← ساده ← هر خوشه ← هر(صفت مبهم) نهاد (هسته)
بیت دو جمله است .

بیت 8 : بیت چهار جمله است . در مصراع اول ، فعل « است » حذف شده است . دریغا ← شبه جمله

همه کار ایام ← نهاد مصراع اول درس ، پند ← مسند
↓ ↓ ↓
صفت مبهم هسته مضاف الیه

شاگرد ← نهاد مصراع دوم نیست ← فعل اِسنادی هشیار ← مسند

تاریخ ادبیات : پروین اعتصامی شاعر پر آوازهٔ زبان فارسی است در سال 1285 ه . ش در تبریز متولد شد به شعر های او در زمینه های اجتماعی – اخلاقی و انتقادی است . حالتی اندرزگونه دارد . پروین در سال 1320 خورشیدی در گذشت . و در شهر قم در کنار صحن حضرت معصومه (س) دفن شد .

نکتهٔ ادبی درس سوم : پرسش انکاری

این گونه پرسش ها برای تأکید بر سخن و آگاهی برای رد یا نفی آن به کار می روند . سوال به صورت مثبت مطرح می شود و جواب آن منفی است . جوابی که معمولاً در ذهن مخاطب برای این گونه پرسش ها شکل می گیرد ؛ نه چطور ممکن است ؟ چنین چیزی امکان ندارد . با این جواب مخاطب به درستی سخن گوینده اقرار می کند .

مثال : ای نام تو بهترین سرآغاز / بی نام تو نامه کی کنم باز ؟

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل / کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها ؟ چطور ممکن است که سبکباران ساحل ها حال ما را درک کنند .

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون / کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد ؟

خلق چو مرغابیان زاده ز دریاری جان / کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست ؟

گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم / گفت آن که سوخت ، او را کی ناله یا فغان است ؟

تو را پرواز بس زود است دشوار / زنوکاران که خواهد کار بسیار ؟

پرسش های درس سوم

1 – کلمه های مشخص شده را معنی کنید .

متاع جوانی به بازار نیست . بیاموز آموختن ، عار نیست

رفتار او را نقد می کنند . نیازمند دو چشم دیگر که نوجوان را ببیند .

2 – در بیت زیر کنایه ها را مشخص کنید و معنی نمایید ؟

مپیچ از ره راست بر راه کج چو در هست ، حاجت به دیوار نیست

3 – برای واژه های زیر هم خانواده بنویسید ؟

غنی – حجت – صبور – مساعی

5 – پرسش انکاری را همراه با مثال تعریف کنید .

6 – در کدام بیت پرسش انکاری به کار رفته است ؟

1) چیست این سقف بلند سادهٔ بسیار نقش / زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست

2) لنگر حلم تو ای کشتی توفیق کجاست ؟ / که در این بحر کرم ، غرق گناه آمده ایم

3) که تواند که دهد میوهٔ الوان از چوب ؟ / یا که دانه که برآرد گل صد برگ از خار ؟

4) چند صبح آیم و از خاک درت ، شام روم ؟ / از سر کوی تو خود کام به ناکام روم ؟

7 – دوستان واقعی مثل آینه هستند ، خوبی ها و عیب ها را پیش چشم می آورند ، بیانگر کدام جملهٔ معروف است ؟

8 – ضرب المثل ، قطره قطره جمع گردد ، وانگهی دریا شود . با کدام بیت کار و شایستگی ارتباط دارد ؟

9 – با دقت در بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید ؟

همه کار ایام ، درس است و پند دریغا که شاگرد هشیار نیست

1 – بیت چند جمله است ؟

2 – بیت چند گروه اسمی دارد ؟

هسته و وابسته های گروه ها اسمی را مشخص کنید .

4 – نهاد را ئر دو مصراع پیدا کنید .

10 – سروده های پروین اعتصامی در چه زمینه ای است ؟

حکایت : « باغبان نیک اندیش »

محتوای حکایت : این حکایت به صورت خلاصه از باب نهم کتاب مرزبان نامه انتخاب شده است در این حکایت ، حس نوع دوستی و سود رسانی به هم نوعان در درون شنونده و خواننده ، تقویت می شود . هم چنین با تقویت حس امید به زندگی و امید به آینده ، این حکایت به شکلی زیبا به پایان می رسد .

بکاشتند و بخوریم و کاشتند و خوردیم / چو بنگری همه برزیگران یکدیگریم

این حکایت هم با لحن تعلیمی و اندرزی و به صورت نرم و ملایم خوانده می شود .

واژه های حکایت		
نیک اندیش : خیرخواه	خسروی : پادشاهی	تماشا : گردش کردن به قصد تفریح
فرتوتی : پیری	ایام : روزها	خواسته : اشتیاق
اَعمال : جمع عمل ، کارها	نشانی : بکاری	حرص : زیاده خواهی
هوس : آرزو ، میل	پاک دل : بی کینه	نشاندند : کاشتند

معنی جمله های حکایت :

یک روز پادشاهی برای گردش کردن به دشت و صحرا رفت . باغبان پیر و سالخورده ای را دید که مشغول کاشتن نهال درخت بود .

پادشاه گفت : ای پیرمرد ، در زمان پیری و سالخوردگی ، کارهای دورهٔ جوانی را انجام می دهی ؟

زمان آن رسیده است که علاقه و اشتیاق به کارهای مادی را رها کنی و کارهای خوب و شایسته ای را انجام دهی تا به بهشت بروی . (ترک دنیا و ذخیرهٔ اعمال نیک)

تو در این سن و سال ، نباید به فکر طمع و آرزوهای مادی باشی ، تو تا بزرگ شدن درخت و محصول دادن آن ، زنده نمی مانی و نمی توانی از آن بهره مند شوی .

باغبان پیر و بی کینه گفت : « انسان های قبل از ما زحمت کشیدند و ما از دست رنج آن ها استفاده کردیم ، الان ما می کاریم تا آیندگان از آن ها بهره ببرند .

آرایه های متن : مراعات نظیر : باغبان و نهال – درخت بنشانی

درخت اعمال نیک ← اضافه تشبیهی

پرسش انکاری ← چه جای این حرص و هوس باطل است ؟

میوۀ آن کجا توانی خورد ؟

نکات دستوری متن :

کلمات مشتق : باغبان

کلمه مرکب : پاک دل – نیک اندیش

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت .

قید نهاد متمم فعل

ای پیر کار ایام جوانی پیشه کرده ای . تو ← نهاد پنهان

ندا منادا مفعول فعل

تاریخ ادبیات : مرزبان نامه کتابی است به شیوۀ « کلیله و دمنه » که مرزبان بن رستم شروین پَریم ، آن را به زبان مازندرانی نوشت . سعدالدین وراوینی در قرن ششم آن را به پارسی برگرداند .

موضوع کتاب : داستان ها و تمثیل از زبان حیوانات .

سوالات حکایت

1 – پیام حکایت چیست ؟

2 – کلمه های زیر را معنی کنید ؟

ایام فرتوتی : پیشه کرده ای : اعمال نیک : حرص :

3 – جمله های زیر را معنی کنید ؟

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت

چه جای این حرص و هوس باطل است ؟

دیگران نشاندند ما خوردیم .

4 – کتاب مرزبان نامه به شیوۀ کتاب ..... است .

5 – درخت اعمال نیک چه آرایه ای دارد ؟

1) تضاد 2) تشبیه 3) تشخیص 4) تلمیح

درس چهارم : هم نشین

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی بیشتر با مفهوم دوستی در نثر و نظم فارسی و احادیث پیشوایان دینی (علم)

2 – تقویت خوانش متن با لحن مناسب (عمل)

3 – تقویت توجّه نسبت به راهنمایی های بزرگان دین و فرهنگ (اخلاق)

4 – آشنایی با صفت برتر و برترین (علم)

5 – تقویت علاقه نسبت به گزینش دوستان مناسب با معیارهای برآمده از فرهنگ ایرانی – اسلامی (ایمان)

6 – تقویت نقد و تحلیل پیام های متن (تفکّر)

7- افزایش توانایی کاربست آموزه های محتوای درس در فعّالیت های گفتاری ، نوشتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روش کارایی گروه

– روش پرسش و پاسخ

– روش قضاوت عملکرد و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی :

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ....

در ارائۀ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارۀ دوستی های مناسب به نمایش درآید ، فرایند آموزش تأثیر گذارتر می شود .

هم نشین نوع نثر : ساده و روان

توضیح : در این درس از شیوه انسجام متن پیروی شده است ، یعنی نویسنده در نوشته خود از نثرها و شعر های دیگر نویسندگان و شاعران به صورت زیبا استفاده کرده است .

معنی واژه ها		
همراهی : همراه شدن	لاف : ادّعا (لاف زدن : خودستایی کردن)	هم دلی : صمیمیت ، یکدلی
طریقت : راه و روش	خرسندی : قانع بودن ، خشنود بودن	طبیعت : سرشت ، خُلق و خوی
مصاحبت : هم نشینی ، هم صحبتی	کَهف : غار	دل انگیز : پسندیده ، زیبا
عامل : اجرا کننده	سبکی : راحتی و آسایش	متعالی : ارجمند
نیکو خصال : دارای اخلاق نیکو		

محتوای درس و شعر : این درس بر همنشین انسان تأکید دارد . هر کس باید از زندگی خود کسی را به عنوان همنشین انتخاب کند که رفتار او تاثیر مثبتی در زندگی اش داشته باشد یعنی از همنشین بد باید دوری بکنند.

معنی جمله های دشوار متن :

مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا ، همچون وزش نسیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می سازد .

معنی : همنشینی با دوست خوب و صبور ، مانند وزش نسیم ملایم و خوبی است که احساس آرامش و راحتی و پاکی درون را در ما شاداب می سازد .

آرایه : مصاحبت ، مانند نسیم دل انگیزی است ← تشبیه

نکته دستوری : یک ← صفت شمارشی پیشین / وزش ← متمم / دل انگیز← صفت فاعلی / می سازد ← مضارع اخباری

دیدار یار غایب ، دانی چه ذوق دارد ؟ ابری که در بیابان بر تشنه ای ببارد

معنی : آیا می دانی ، دیدن یارِ غایب ، چه قدر لذت بخش است ؟ مانند ابری است که در بیابان بر انسان تشنه ای می بارد .

آرایه ها : دیدار یار غایب به ابر تشبیه شده است . / تکرار (ر و ب) ← نغمه حروف / ابر و باریدن ← تناسب

★ انسان بی دوست همواره غمگین است ؛ به بیان دیگر ، تنهایی ، یکی از دشوار ترین مصائب است .

معنی : کسی که دوستی در زندگی ندارد ، همیشه ناراحت است ؛ یعنی ، تنها بودن ، یکی از سخت ترین بلاها و گرفتاری های زندگی است .

★ ما را از دام و چاه این راه ، آگاه می سازد و آسیب های این مسیر را نشان می دهد .

معنی : ما را از مشکلات و گمراهی این راه (راه شناختن انسان ها) آگاه می کند و ضررهای این مسیر را نشان می دهد .

آرایه ها : دام ← استعاره از مشکلات / چاه : استعاره از گمراهی / چاه و راه ← جناس

★چه بسیارند کسانی که لاف دوستی می زنند ، اما در حقیقت ، گرگ هایی در جامه گوسفندان هستند .

معنی : انسان های زیادی وجود دارند که بیهوده ادّعای دوستی می کنند ، اما در حقیقت مانند گرگ های درنده ای هستند که خود را در لباس گوسفندان ، مهربان و دوست داشتنی ، نشان می دهند .

دو بیت زیر از مولوی در قالب مثنوی سروده شده است :

تا توانی می گریز از یار بد یار بد بدتر بُوَد از مارِ بد

معنی : تلاش کن که از دوستِ بد دوری کنی زیرا ، دوستِ بد از مارِ ترسناک ، بدتر است .

آرایه ها : تکرار (ب و د) ← واج آرایی / یار بد به مار مانند شده ← تشبیه / یار و مار ← جناس / بد و بد ← تکرار

مار بد ، تنها تو را بر جان زند یار بد ، بر جان و بر ایمان زند

معنی : مار بد فقط ، جان تو را می گیرد و تو را نابود می کند ، اما یار بد علاوه بر جان تو ، ایمان تو را هم از بین می برد .

آرایه ها : مار و یار ← جناس / تکرار حرف ب ← واج آرایی / جان و جان ← تکرار

نکته دستوری : تنها ← قید / را ← فکّ اضافه (بر جان تو)

دو بیت زیر از سنایی در قالب قطعه سروده شده است :

با بدان کم نشین که صحبت بد گرچه پاکی ، تو را پلید کند

معنی : با انسان های بد ، کم تر دوستی و هم نشینی کن ، زیرا انسان های بد تو را که پاک هستی ، آلوده می سازند .

آرایه ها : پلید و پاکی ← تضاد / تکرار «ب» در مصراع اول ← نغمه حروف

آفتابی بدین بزرگی را لکه ای ابر ، ناپدید کند

معنی : لکّه ای ابر ، آفتاب به این بزرگی را پنهان و ناپدید می سازد. (دوستی با بدان مانند لکّه ابر است که آفتاب را پنهان می کند ، انسان را آلوده می سازد)

آرایه : این بیت یک تمثیل است .

- **منظور از « آفتاب » انسان است و منظور از «لکّه ای ابر » هم نشین های بد است .**

سعدی در گلستان آورده است :

★ هر که با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند ، به طریقت ایشان متهم گردد.

معنی : هر کسی با انسان های بد ، هم نشینی کند اگر هم خلق و خوی آن ها در او تاثیر نگذارد راه و روش نادرست آنها به او نسبت داده می شود (به او تهمت زده می شود)

آرایه : نشیند ، نکند و گردد ← سجع

پسر نوح ، با بدان بنشست خاندانِ نبوّتش گم شد

معنی : پسر نوح (ع) به خاطر هم نشینی با انسان های بد از خاندان پیامبری رانده شد و مقام خویش را از دست داد .

آرایه : نوح و پسر ← مراعات نظیر / تلمیح به داستان حضرت نوح (ع)

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

معنی : سگ اصحاب کهف مدتی به خاطر همراهی با انسان های خوب ، به مرتبه و مقام انسانی رسید .

یاران غار

آرایه : تلمیح به داستان اصحاب کهف (چند نفری بودند که در دورهٔ دقیانوس از شهر بیرون رفتند و در غاری 300 سال در خواب بودند ....)

نکته دستوری ← روزی چند ← ترکیب وصفی است / چند ← صفت مبهم / روزی ← هسته گروه اسمی)

هم نشین تو ز تو ، به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید

معنی : هم نشین تو باید از خودت بهتر باشد تا این که چیزی را به عقل و دین تو اضافه کند

نکته دستوری : به (بهتر) صفت تفضیلی

نکته زبانی

صفت برتر چیست ؟ صفت برتر از صفات بیانی به اضافه « تر» درست می شود . کتاب خوب تر (بهتر)

صفت برترین چیست ؟ صفت برترین از صفت بیانی به اضافه « ترین » درست می شود .خوب ترین (بهترین) کتاب

« صفت برتر» یکی از وابسته های پسین گروه اسمی است . به صفت برتر « صفت تفضیلی » هم گفته می شود .

« صفت برترین» وابسته پیشین گروه اسمی است . صفت برترین را« صفت عالی» هم می نامند .

آرایه تضمین چگونه ساخته می شود ؟ وقتی شخصی بیت شعر شاعری یا عین سخن و گفته ی کسی را در کلام خود بیاورد .

مثال : در نمونه زیر ، سعدی یک بیت از فردوسی را در شعر خود آورده است :

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد — که رحمت بر آن تربت پاک باد :

« میازار موری که دانه کش است — که جان دارد و جان شیرین خوش است »

در مثال زیر هم سعدی ، یک آیه از قرآن را در بیت خود تضمین کرده است :

چنان ماند قاضی به جورش اسیر — که گفت : « إنَّ هَذا لَیَومٌ عَسیر»

فعالیت نوشتاری درس

- **مفهوم کلی حکایت زیر را در دو سطر بنویسید .**

« یکی از بزرگان ، پارسایی را گفت : چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق وی به طعنه سخن ها گفته اند . گفت : بر ظاهرش عیب نمی بینم و در باطنش ، غیب نمی دانم » .

معنی حکایت : یکی از انسان های بزرگ ، به شخص پرهیزگاری گفت : نظرت چیست دربارۀ آن انسان عبادت کننده ای که دیگران دربارۀ وی با گوشه و کنایه ، حرف می زنند و او را سرزنش می کنند . گفت در ظاهرش ، هیچ عیب و اشکالی وجود ندارد و از باطنش من خبر ندارم چون که غیب دان نیستم .

پیام کلی حکایت : نباید از روی ظاهر درباره انسان قضاوت کرد . بسیار کسانی وجود دارند که بر خلاف ظاهر ، دارای اعتقادات قلبی و باطنی خوبی هستند.

تمرین های مربوط به صفت های سنجشی

- در بیت زیر ، چند صفت سنجشی به کار رفته است ؟

عاشقان او زخوبان ، خوب تر خوشتر و زیباتر و محبوب تر

1) یک 2) دو 3) سه 4) چهار

- در ادبیات زیر صفت سنجشی را بیابید .

ای خوبتر از لیلی بیم است که چون مجنون عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم

در این بیت ، شاعر معشوق خود را با لیلی مقایسه کرده است و او را از لیلی خوبتر می داند .

خوب ترین حادثه می دانمت خوب ترین حادثه می دانی ام

در این بیت شاعر ، دوست و محبوب خود را از بین حادثه های بسیار ، بهترین اتفاق توصیف کرده است .

صفت از لحاظ سنجش و مقایسه

1- صفت برتر (تفضیلی) : این صفت دو چیز را با هم مقایسه می کند و یکی را بر دیگری برتری می دهد ؛ مانند : علی شجاع تر از محمد است . در این جمله علی با محمد مقایسه شده است و گفته علی از محمد شجاع تر است .

2- صفت برترین (عالی) : این صفت برای مقایسه یک چیز یا چند چیز بکار می رود ؛

مانند : مرحوم تختی ، دلیرترین پهلوان بود . در این جمله مرحوم تختی با دیگر پهلوانان مقایسه شده و دلیرترین آنها توصیف شده است .

2-در غلامی از پی دفع ضرر قوّت تدبیر گردد تیز تر

3-اگرچه نادره باشد ستاره بر سرِ سرو بود بنفشهٔ تَر ،بر ستاره ، نادرتر

4-ای تو بِهین میوهٔ باغِ بِهی غنچهٔ سرخِ چمنِ فرّهی

5-نه داناترآن کس که والاتر است که والاتر است آن که دانا تر است

روان خوانی : دریچه های شکوفایی

نوع نثر : ترجمه (ساده) از کتاب سه روز برای دیدن (هلن کلر ، مترجم : مرضیه خوبان فرد)

معنی واژه ها		
اشتیاق : رغبت بسیار ، شوق	اغلب : بیش تر	گویی : انگار ، مثل این که
حواس : جمع حس ، ذهن	موهبت : بخشش ، دهش	اعتنا: توجه و دقت
متقاعد شدن : پذیرفتن	مهیّج : آن چه موجب هیجان شود	مایه تاسف : باعث افسوس خوردن
تجسم : تصویر چیزی را در ذهن آوردن		

محتوای درس : این درس به زندگی هلن کلر اشاره دارد که در نوزده ماهگی بر اثر بیماری نابینا و ناشنوا شد . او می گوید انسان ها باید قدر نعمت های خود را بدانند و برای هر یک از اعضای بدنشان ارزش قایل شوند و در پایان درس می گوید : از چشم وگوش و دیگر اعضای بدنتان بهره ببرید که انگار آخرین روزی است که از آن ها استفاده می کنید .

معنی و آرایه های بعضی از جمله های دشوار درس

★کسانی که هرگز از کاهش بینایی یا ناشنوایی رنج نبرده اند ، به ندرت از این قابلیّت های مقدّس کامل ترین بهره را می برند .

معنی : آن هایی که هیچ وقت گرفتار مشکل نابینایی یا ناشنوایی نشده اند ، گاهی از این توانایی پاک بهره کاملی را برده اند و از آن استفاده مفیدی کرده اند .

★برای من فرش پر پشت و سر سبز چمن یا برگ های سوزنی درخت کاج ، خوشایندتر از هر چیز است .

معنی : به نظر من ، سبزه های انبوه چمن یا برگ های سوزنی شکل درخت کاج ، از هر چیزی شادی بخش تر است.

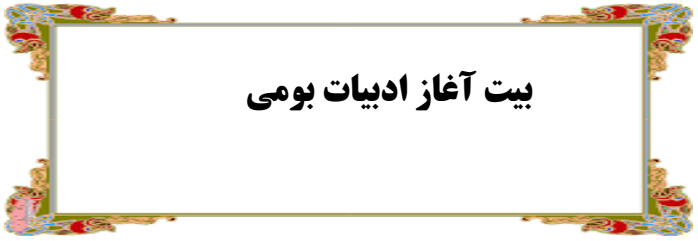
آرایه ها : چمن مانند فرشی است که پر از برگ های ریز سبزه است ← تشبیه / چمن← مشبه / فرش ← مشبه به ← چمن ، برگ و درخت کاج ← مراعات نظیر

★ گاهی قلبم با شوق ، فریاد می زند و می خواهد تمام چیزها را ببیند.

آرایه : فریاد زدن و دیدن به قلب نسبت داده شده است ← تشخیص

★ چشمانم چیزهای بی اهمیت را نادیده نمی گیرد .

آرایه ها : نادیده گرفتن به چشم نسبت داده شده است ← تشخیص / نادیده نمی گیرد ← کنایه



تو را ای کهن بوم وبر، دوست دارم

تورا ای گرانمایه، دیرینه ایران زمین

تورا ای گرامی وطن، دوست دارم

معنی بیت: ای وطن عزیزم ایران که سرزمینی ارزشمند و باستانی هستی تورا دوست دارم.

پیام بیت: وطن دوستی وبها دادن به هویت ملی

قالب شعر: شعر در قالب نو نیمایی سروده شده است.

لحن شعر: حماسی

واژه ها : بوم وبر: سرزمین / دیرینه: قدیمی ،کهن/ گرانمایه: ارزشمند

دانش زبانی : ای کهن بوم وبر: منادا(شبه جمله) دوست دارم: فعل مرکب

تعداد جملات بیت : شش جمله (ای کهن بوم و بر) (تو را دوست دارم) (ای گرانمایه ، ایران زمین) (تو را دوست دارم) (ای گرامی وطن) (تو را دوست دارم).

نکته: در شمارش جمله منادا به عنوان یک جمله محسوب ی شود .

تاریخ ادبیات: اخوان ثالث شاعر قرن معاصر ، متخلص به امید

در سال 1307درتوس متولد شد ودر سال1369در تهران در گذشت و او را در کنارآرامگاه فردوسی به خاک سپردند. اخوان از پیشکسوتان شعر امروز فارسی، به ویژه شعرنو حماسی و اجتماعی است.

اخوان از تغزل گویی به حماسه سرایی و شاعری اجتماعی رسید . آثارمهم وی عبارت است از:

1-دفتر شعرزمستان 2-ارغنون 3- آخر شاهنامه 4-پاییز در زندان 5-از این اوستا 6-عاشقانه ها وکبود7-دوزخ ، اما سرد

درس پنجم : « درس آزاد »

این درس ایستگاه اندیشیدن ، درنگ کردن و آفریدن در فضای فرهنگی ادبیات بومی است .

میدان فراخی است تا هر دانش آموز با نظارت و هدایت معلّم ، آن پارهٔ نادیده و احتمالاً از قلم افتادهٔ نمودهای فرهنگی و جلوه های آداب و رسوم و سنّت های بومی ـ منطقه ای خود را پدیدار کند و یا به بازشناسی و معرّفی چهره های فکر و فرهنگ و ادب دیار خویش بپردازد ؛ ینابراین ، درس آزاد ، مجالی است تا دانش آموز و معلّم به یاری هم ، به فراخور ذوق و علاقه ، دلبستگی های فرهنگ بومی و نیازها و بایسته هایی که در دیگر درس ها به چشم نیامده اند یا نیاز به دگرباره و دقیق تر و عمیق تر دیدن دارند ، را بازگو نمایند .

به بیان دیگر درس آزاد ، فرصتی است تا دانش آموز و معلّم در تألیف کتاب مشارکت داشته باشند و هر یک خود را در شکل گیری کتاب سهیم ببینند و کتاب را از آن خود بدانند ؛ به گونه ای که دانش آموزان پس از تألیف درس آزاد می توانند نام خود را در ردیف نام پدیدآورندگان کتاب ثبت کنند . بر پایهٔ آنچه گفته شد ، اهداف درس آزاد را می توان بدین گونه بر شمرد :

1 – تشخیص کاستی های احتمالی کتاب و اقدام به تولید محتوای مناسب

2 – پرورش توانایی تولید مادّهٔ درسی در دانش آموزان با نظارت و هدایت دبیران

3 – پاسخ به نیازهای دبیران ، دانش آموزان و اولیا

4 – بهره گیری از مشارکت همکاران در تألیف کتاب

5 – بهره گیری از تعامل دانش آموز و خانواده در سازمان دهی و تألیف کتاب

6 – آشنایی با برخی از نمودهای فرهنگی و جلوه های آداب و رسوم و سنّت های بومی یا منطقه ای

7 – شناخت بیشتر شخصیت های علمی و فرهنگی محلّ زندگی

8 – توجّه عمیق تر به لهجه ، گویش و نشانه های زبان محلّی

9 – پرورش توانایی نویسندگی و بهره گیری از تفکّر و نقد و تحلیل

10 – ایجاد علاقه نسبت به فرهنگ محلّی و فولکلور و آثار ادبی و زبانی منطقه ای .

تولید درس آزاد :

برای نوشتن و تولید درس آزاد ، یکی از روش های زیر پیشنهاد می شود :

1 – هر دانش آموزی به صورت مستقل و فردی برای تولید درس آزاد اقدام نماید .

2 – دانش آموزان به صورت گروهی و با مشارکت تمام افراد گروه (تقسیم بندی دانش آموزان کلاس به چند گروه) برای تولید درس آزاد اقدام نمایند .

3 – تولید درس در کلاس (مجموعهٔ نظرهای کلاس با راهنمایی و رهبری معلّم کلاس)

❁ توجّه : طرح موضوعاتی مناسب با عنوان و محتوای فصل در حوزهٔ فرهنگ و زبان و آداب محلّی ، نیازهای ویژهٔ دانش آموزان و ناگفته های کتاب ، در این قسمت ، پیشنهاد می شود .

در تولید درس آزاد می توان از توانمندی دانش آموزان در بند نویسی بهره برد . برای نمونه ، موضوع نوشته : « محلّ زندگی » موضوع خیلی کلّی است و باید به موضوعات کوچک تر، محدود می شود . مثلاً وضعیت جغرافیایی محل ، آداب و رسوم ، زبان منطقه و غذاهای خاص آن منطقه ، چهار موضوع کوچک تری هستند که در مورد هر یک می توان یک بند نوشت .

لازم است معلّم به دانش اموزان کمک کند تا چهارچوب متن خود را مشخّص نمایند ، سپس اقدام به نوشتن کنند . به عنوان نمونه ، چهارچوب نوشته ، می تواند شامل سه بند باشد که بند اوّل وضعیت جغرافیایی محل را توضیح دهد ؛ بند دوم زبان و بند سوم آداب و رسوم منطقه را بیان کند .

در تدوین متن می توان از روش های قضاوت عملکرد و بارش مغزی بهره برد . در این قسمت ، موضوعاتی مناسب با عنوان و محتوای فصل در حوزهٔ فرهنگ و زبان و آداب محلّی ، پیشنهاد می شود . درس آزاد در فصل « ادبیات بومی » آورده شده است و این موضوع دامنهٔ گسترده ای دارد؛ لذا امکان تولید متن زیبا فراهم است .

در طرّاحی فعّالیت های کتاب نوشتاری نیز تطابق فعّالیت ها با روند طرّاحی کتاب ضروری است . از دید ساختاری توجّه به عناصر مبتنی بر نگرش شبکه ای ، نقش معلّم به عنوان ناظر و راهنما و نقش دانش آموز در مقام تولید کننده ضروری است .

روش پیشنهادی برای تدوین درس آزاد : بارش فکری

مراحل تولید :

1 – موضوعی در ارتباط با فرهنگ بوکی و محلّی با نظر خواهی از دانش آموزان انتخاب می شود .

2 - قوانین مربوط به بارش فکری برای دانش آموزان مطرح می شود و آنها ملزم به رعایت قوانین می شوند .

قوانین عبارت اند از :

✓ انتقاد کردن و ردّ دیدگاه های دیگران ممنوع

✓ از ترکیب ایده ها ، ایده های بهتری ساخته می شود .

✓هر چه تعداد ایده ها بیشتر باشد ، بهتر است .

3 – نظرات یا اطّلاعات دانش آموزان دربارۀ موضوع انتخابی پرسیده می شود و کلیۀ جمله ها بدون کم و کاست ، پای تابلو نوشته می شود .

4 – پس از تمام شدن بارش فکری دانش آموزان ، آنها را گروه بندی کنید تا در مورد جمله های نوشته شده در گروه گفت و گو کنند و از این طریق ، جمله های تکراری را حذف کنند ، جمله هایی را که قابلیت ادغام دارند ، ادغام نمایند و در جمله هایی که نیاز به اصلاح و تغییر دارند ، تغییرات لازم را اعمال کنند .

5 – جمله های جدید ، مجدداً بر روی تخته نوشته می شوند و با نظر کلیۀ دانش آموزان ، اولویت بندی صورت می گیرد .

6 – متن حاصل بعد از تنظیم و نهایی شدن با خطّ خوش ، بر روی تخته نوشته می شود و همۀ دانش آموزان آن را در کتاب خود می نویسند .

نکتۀ مهم : پیشنهاد می شود در هر استان ، متون تولید شده در این فصل ، گردآوری و جمع بندی شود . نوشته به گونه ای باشد که ویژگی های آن استان را به خواننده ، معرفی کند . این مطالب برای گروه زبان و ادب فارسی دفتر دفتر تألیف ارسال شود یا در خود استان ، کارگروهی برای این کار شکل بگیرد تا پس از بازبینی ، تکمیل و اصلاح علمی آنها کتابی با عنوان دایرۀ المعارف استان شناسی متناسب با دانش آموز دورۀ متوسطه تدوین گردد .

فصل سوم: سبک زندگی

شعر اول فصل: اقوام روزگار به اخلاق زنده اند قومی که گشت فاقد اخلاق ،مردنی است

پیام بیت: اهمیت ویژگی های اخلاقی در جامعه

معنی بیت: اقوام مختلف با ویژگی های اخلاقی شناخته می شوند وباعث پویایی آن می شود/ اگر قومی اخلاق وادب نداشته باشد محکوم به نابودی است.

آرایه ی ادبی بیت: تضاد(زنده اند- مردنی) و آرایه ی تکرار

مردنی بودن : کنایه از فانی بودن است

معنی واژه ها: اقوام:جمع مکسر قوم/ قوم:گروهی از مردم که یک فرهنگ و ریشه دارند.

فاقد: تهی ، خالی

تعداد جملات بیت: سه جمله(اقوام روزگار به اخلاق زنده اند) (قومی که فاقد اخلاق گشت) (مردنی است)

تاریخ ادبیات: محمد تقی بهار معروف به ملک الشعرا - شاعر، روز نامه نگار ، نویسنده و سیاستمدار قرن معاصر. او سردبیر روز نامه ی بهار بود

بزرگ ترین قصیده سرای ادبیات فارسی است.اثرمهم وی سبک شناسی می باشد.

درس ششم : آداب زندگی

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی با متون کهن فارسی : اخلاق ناصری و قابوس نامه (علم)

2 – توانایی درک پیام آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکّر)

3 – تقویت علاقه نسبت به آموزه های نیکویی اخلاقی از قبیل پرهیزگاری ، دادگری ، دوراندیشی و .... (ایمان)

4 – تقویت خوانش متن با لحن مناسب (عمل)

5 – آشنایی با انواع فعل مضارع : اخباری ، التزامی و مستمر (علم)

6 – تقویت علاقه نسبت به کاربست آموزه های الگوی دینی و ملّی (اخلاق)

روش های تدریس پیشنهادی :

– کارایی گروه

– پرسش و پاسخ

– بارش مغزی و ...

کارافزارها و رسانه های اموزشی :

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس و نویسندگان ، تخته ، گچ ، ماژیک ،عکس ، فیلم و ...

در ارائهٔ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارهٔ رفتارهای مناسب فرهنگی و اجتماعی به نمایش درآید تدریس را اثر گذارتر می کند .

نکات کلیدی درس ششم :

محتوای کلی متن: دو بند اول درس از کتاب قابوس نامه گرفته شده است.نویسنده در بند اوّل انسان بی هنر را به مغیلان(خاراشتر) تشبیه کرده است . همان طور که خار جثه ای بزرگ دارد ولی سایه ای ندارد،انسان بی هنرهم به کسی سود و فایده ای نمی رساند. نویسنده در ادامه توصیه می کند که علاوه بر داشتن اصل ونسب

خانوادگی ، توانایی شایستگی نیز داشته باشی. زیرا توانایی و شایستگی فرد ی را بر داشتن اصل ونسب خانوادگی مقدّم می داند ؛ چون به اعتقاد نویسنده انسان با عقل و درایت خود به بزرگی می رسد نه با داشتن اصل ونسب خانوادگی. اگر لیاقت وشایستگی فردی نداشته باشی هیچ کس با تو دوست نمی شود و در آخر سفارش می کند که با کسی همراه شوی که هر دو ویژگی را داشته باشد. در بند دوم آموزه های مهم اخلاقی و اجتماعی را مطرح کرده و تأکید می کند از سخنان ناپسند دوری کن و همیشه راستگو باش و در ادامه با ظرافت وزیبایی نحوه ی ارشاد و راهنمایی کردن دیگران را شرح می دهد وهمچنین توصیه می کند که از دوست بد و جاهایی که به بد نامی معروف است دوری کنیم. در انتها ما را به مردم داری، عدالت ورزی ، گفتار پسندیده، علم دوستی،تقوا،صرفه جویی،صبر و آینده نگری سفارش می کند.

بند پایانی درس از کتاب اخلاق ناصری انتخاب شده است. نویسنده آداب سخن گفتن را بر می شمارد و در ابتدا انسان را از زیاده گویی منع کرده و تأکید می کند که نباید سخن دیکران را قطع کرد ودر ادامه با زیبایی و ظرافت خاصی نحوه ی پاسخ گویی به سوالات دیگران را این چنین شرح می دهد که نباید در جواب دادن به سوال ، از دیگران پیشی گرفت. واگر کسی جوابی گفت و ما جواب بهتری داشتیم ، نباید او را سرزنش کنیم و در آخر ما را از پنهانی گوش دادن به صحبت دیگران بر حذر می دارد.

ویژگی های متن درس: متن درس به صورت نثر قدیم نوشته شده است و بر گرفته از دو کتاب معروف به نام های قابوس نامه و اخلاق ناصری می باشد.جملات متن، کوتاه و بسیار پر معنا بوده و از فعل های متعددی استفاده شده است وهمچنین از سجع در متن به کار گرفته شده است که از ویژگی های متون قدیم است.هر دو اثر جزء ادبیات تعلیمی به شمار می آیند.وسرشار از آموزه های اخلاقی واجتماعی می باشد که راه وروش درست زندگی را به ما می آموزد.

پیام درس: ارزش و اهمیت توانایی های فردی- آداب گفتگو و روابط درست اجتماعی – راه و روش صحیح زندگی اجتماعی.

معنی واژه ها و عبارات		
هنر: شغل ، حرفه، فضایل اخلاقی	مغیلان: خارشتر	گوهری : با اصل ونسب بودن
خوض: اندیشه ، فکر	طعن:سرزنش	صحبت: هم نشین
سبقت: پیشی گرفتن	محاورات:گفت و گو ها	جماعت:گروه ، عده ای از مردم
گفتار خیره:سخن بیهوده	گوهر تن :توانایی های شخصی	استراق سمع:پنهانی گوش دادن
جای تهمت زده: جایی که به بد نامی معروف است.	بر وجهی:به گونه ای	یار بد اندیش:دوست بد

معنی جملات کلیدی متن:

(بزرگی، خرد ودانش راست، نه گوهر را) یعنی: انسان با داشتن عقل ودانش به بزرگی میرسد نه با داشتن اصل و نسب خانوادگی.

(اگر مردم را با گوهر اصل، گوهر هنر نباشد، صحبت هیچ کس را به کار نیاید)یعنی: اگر انسان دارای اصل ونسب خانوادگی باشد ولی توانایی و شایستگی نداشته باشددوستی با او هیچ فایده ای برای کسی ندارد.

(در هر که این دو گوهر یابی، چنگ در وی زن و از دست مگذار که وی همه را به کار آید)یعنی: اگر کسی را پیدا کردی که هم دارای اصل ونسب خانوادگی وهم دارای توانایی وشایستگی باشد به او متوسل شو و او را از دست نده زیرا فایده ی او به همگان میرسد.

(در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود،خوض ننماید واگر از او پوشیده دارند،استراق سمع نکند وتا او را با خود در آن مشارکت ندهند، مداخلت نکند) یعنی: در گفت وگویی که بین دو نفر در حضوراً و انجام میشود، نبایددقت وتوجه کند. واگر سخن خود را از او مخفی کنند پنهانی به آن گوش ندهد وتا زمانی که به میل خودشان او را از آن موضوع آگاه نکرده باشند، دخالت نکند.

چند نکته ی زبانی: باز پرسند: فعل پیشوندی(باز + پرسند از مصدر (پرسیدن) بگریز: فعل امر از مصدر(گریختن) از فعل های دستوری است. پند مده: فعل نهی از فعل های دستوری

باید که:لازم است هم خانواده: واقف ، وقوف

آرایه های ادبی متن: تشبیه: (مردم بی هنر چون مغیلان) وجه شبه: بی فایده بودن

مشبه ادات تشبیه مشبه به

چنگ در وی زن : کنایه از متوسل شدن / او خود اوفتد: کنایه از اینکه او نتیجه ی کار بد خود را می بیند (او سرش به سنگ می خورد)

تضاد: مردمان نیز به غم تو شادی نکنند .

تاریخ ادبیات : قابوس نامه از عنصرالمعالی کیکاووس ابن اسکندرمی باشد که نویسنده قرن پنجم است و این کتاب را برای پسرش گیلان شاه نوشت. این کتاب از مهم ترین کتاب های نثر قدیم است . که نثری ساده وروان وسجع گونه و قابل فهم دارد.

موضوع کتاب:پند واندرز وبیان مسائل اخلاقی واجتماعی وسیاسی وتربیت فرزند وکشور داری.

کتاب دارای 44 باب می باشد.

اخلاق ناصری: ازخواجه نصیرالدین توسی از وزرای معروف ایرانی و دانشمند بزرگ قرن هفتم می باشد . او مؤسس رصد خانه ی مراغه و کتاب خانه ی بزرگ مراغه بوده است.

آثار مهم وی عبارتنداز:

1-اخلاق ناصری 2- اساس الاقتباس

نکته زبانی درس: **در دستور زبان فارسی ، فعل سه زمان (ماضی ،مضارع،مستقبل) دارد. برای ساخت این سه زمان ما نیاز به دو بن(ریشه فعل) داریم. بن (ماضی) برای ساختن فعل زمان گذشته بکارمی رود وهمچنین برای ساختن فعل زمان آینده نیز بکار می رود.بن(مضارع)برای ساختن فعل زمان حال بکار می رود. برای به دست آوردن (بن ماضی وبن مضارع) از مصدر که خود اسم به حساب می آید استفاده می شود ، چون مصدر نمی تواند مثل فعل (زمان و شخص) را به ما نشان دهد. ساختمان مصدر همه ی فعل ها این گونه است : (فعل +ن)**

اکنون انواع زمان مضارع را توضیح می دهیم :

فعل مضارع بر سه نوع است: 1-مضارع اِخباری 2-مضارع اِلتزامی 3-مضارع مُستَمِر

ساخت بن مضارع:

مصدر	بن ماضی	فعل امر	بن مضارع
دیدن	دید	ببین	بین

نکته: هر گاه بخواهیم مصدر فعلی را به دست بیاوریم باید این سوال را مطرح کنیم:

(در این فعل چه عملی انجام شده است ؟) مثال: می رود (عمل رفتن) انجام شده است .

نکته: در ساختن بن مضارع فعل هایی که با (اَ- اُ-آ)آغاز می شوند هنگام ساختن فعل امر بعد از (ب) آغازین (ی) میانجی اضافه می شود برای سهولت تلفظ فعل مورد نظر. هر گاه بخواهیم (ب) را از آغاز فعل امر برداریم و بن مضارع بسازیم باید (ی) میانجی نیز برداشته شود. مثال:

مصدر	فعل امر	بن مضارع
اُفتادن	بیا فت	اُفت
آمدن	بیا	آ (ی)
اَنداختن	بیا نداز	انداز

مضارع اِخباری : بر انجام گرفتن کاری و بیان خبری در زمان حال دلالت دارد . وگاهی مفهوم زمان آینده را هم می دهد . مثال: من فردا به مسافرت می روم.

ساخت مضارع اِخباری:

می	بن مضارع	شناسه
می	رو	َد

نکته: باید توجه داشت نشانه ی (می) برای زمان ماضی استمراری نیز بکار می رود . برای تشخیص این دو زمان باید بعد از(می) به بن فعل توجه کنیم.

مضارع التزامی : وقوع کاری را در زمان با تردید، شک یا آرزو بیان می کند. مانند: شایدامروز به بازار بروم .

ساخت مضارع التزامی: نشانه- بن مضارع - شناسه

(ب) - (رو) - (یم) ← (برویم)

مضارع مستمر: جریان انجام کاری را در زمان حال بیان می کند.

ساخت مضارع مستمر: فعل کمکی- شناسه - نشانه- بن مضارع – شناسه

(دار) - (یم) - (می) - (بین) - (یم) ← (داریم می بینیم)

*** نکته: فقط در (ماضی مستمر و مضارع مستمر) فعل کمکی و فعل اصلی هر دو شناسه می گیرند.**

تفاوت ماضی مستمرو مضارع مستمر این است که در مضارع مستمر بر یک کار در حال انجام دلالت می کند.

مثل: دارم می آیم

ولی ماضی مستمر بر دو کار با هم دلالت می کند. مثل: داشتم می رفتم که مادرم آمد.

*** نکته: در متون قدیمی و در شعر فعل مضارع اِخبار ی و التزامی گاهی بدون نشانه ی آغازین به کار می رود. مانند:اگر درخانه ای شوی (بشوی = بروی)**

در پیله تا به کی بر خویشتن تنی (می تنی)

نکته: دربن ماضی و مضارع بعضی از فعل ها قاعده ی خاصی وجود دارد . به فعل های زیر دقت توجه کنید:

ستون الف — ستون ب

بن مضارع	بن ماضی	بن مضارع	بن ماضی
جنگ	جنگید	دان	دانست
ترس	ترسید	بین	دید
پر	پرید	رو	رفت
خند	خندید	شکن	شکست

درجدول داده شده همان طور که می بینید درستون الف قاعده و نظمی بین بن ماضی ومضارع فعل ها دیده می شود . بدین صورت که : بن مضارع + ید شده است. به این دسته از افعال که تفاوت بین بن مضارع و ماضی آنها تابع این قاعده است، افعال با قاعده گفته می شود و فعل های ستون ب را که بن ماضی و بن مضارع آنها قاعده ونظم خاصی وجود ندارد،افعال بی قاعده می گویند.

در افعال با قاعده بعضی از صیغه های فعل های ماضی با بعضی از صیغه های فعل های مضارع شبیه به هم می شوند. مثال:

سوم شخص مفرد از ماضی استمراری فعل (می دوید) با دوم شخص جمع از مضارع اخباری همین فعل (می دوید) یکی می شود

پرسش های درس ششم

1-عبارت زیر چند جمله است؟

(صبر کن تا آن سخن تمام شود ،پس جواب خود بگوید بر وجهی که در متقدم طعن نکند.)

الف)دو ب)سه ج)چهار د) پنج

2-معنای کدام واژه صحیح نیست؟

الف)پرهیزگار: زاهد ب)معیشت:زندگی ج)عطا: خطا د) استراق سمع:پنهانی گوش دادن

3-در جمله ی (گوهر تن از گوهر اصل بهتر بُود) منظور از گوهر تن چیست؟

4- زمان کدام فعل با بقیه فرق رارد؟

الف)می سوزید ب)می پوشید ج)می گذرید د)می خوانید

5- در عبارت داده شده زمان فعل ها را مشخص کنید؟

(اگر در خانه ای شوی ، روزگاری دراز ، صفت آن گویی)

6-کدام گزینه با دیگر گزینه ها هم خانواده نیست؟

الف) مطالب ب) طالب ج)باطل د) مطالبه

درس هفتم : پرتوِ اُمید

اهداف آموزشی :

1 – باور مفهوم امیدواری ، دوری از یأس و نا امیدی و توکّل کردن به خداوند (ایمان)

2 – آشنایی با آرایهٔ تخلّص (علم)

3 – آشنایی با حافظ ، شعر غنایی و بهاء الدین خرمشاهی (علم)

4 – تقویت علاقه و نگرش مثبت به ویژگی ها و ارزش های دینی و اخلاقی (اخلاق)

5 - توانایی خوانش متن درس (نظم و نثر) با لحن و آهنگ مناسب (عمل)

6 – تقویت مهارت دریافت پیام بخش نثر و توانایی نقد و تحلیل شعر و نکته های کلیدی متن (تفکبر)

7 – تقویت کاربست آموزه های محتوای درس در فعّالیت های گفتاری ، نوشتار و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

–کارایی گروه

– روش بحث گروهی

– روش قضاوت عملکرد و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی :

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس و شاعر ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ...

پیام شعر: باید در زندگی امیدوار بود. به خداوند توکل کرد زیرا خداوند است برطرف کننده مشکلات و نیاز ها و نامیدی هاست . به ویژه در بیت آخر ما فقط توکل بر خدا را واضح بیان کرده است.

معنی و آرایه های بیت ها :

بیت اول : یوسف گم گشته باز آمید به کنعان غم مخور / کلبه احضان شود روزی گلستان غم مخور

معنی : نگران نباش زیرا یوسف گم گشته دوباره به سرزمین و وطن خود بر می گردد و خانه غم و اندوه روزی به شاد تبدیل می شود.

آرایه های تلمیح به داستان حضرت یوسف و حسادت برادران اوکه یوسف را در چاه انداختن .

یوسف و کنعان : مراعات نظیر. کلبه اخوان:اضافه تشبیهی احزان و گلستان :تضاد

نکته دستوری :

گم← گشته صفت مشتق- مرکب گلستان: مسند. باز آید : فعل پیشوندی.

این غزل ، تحت تاثیر این غزل شمس الدین محمد جوینی بوده است

(کلبه احزان شود روزی گلستان ، غم مخور. بشکند گل های وصل از خار هجران، غم مخور)

بیت دوم : ای دل غم دیده حالت به شود دل بد مکن / وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور

معنی : ای دل غمگین ناراحت نباش، زیرا حال تو خوب می شود و این فکر آشفته تو ، دوباره آرام و قرار می یابد.

آرایه ها : دل تشخیص مجاز از شاعر یا هر انسان دیگر. دل بد مکن : کنایه از نگران نباش

سر: مجاز از فکر و خیال. دل و سر : مراعات نظیر.

نکته دستوری: غم ← دیده صفت مشتق- مرکب. به : صفت تفضیلی شوریده: صفت مشتق

بیت سوم :دور گردون ، گرد و روزی بر مراد ما نرفت / دائما یکسان نباشد حال دوران ، غم مخور

معنی : اکر گردش روزگار ، مدتی مطابق میل و آرزو های ما نبود ، نگران نباش ، زیرا همیشه وضع روزگار به یک شکل نمی ماند .

آرایه ها : تکرار حرف (د) و (ر) واج آرایی - گروبر (خباس) بیت هم ضرب المثل است

نکته دستوری : دائما و دو روزی : قید زمان یکسان : مسند حال دوران: نهاد غم مخور:فعل مرکب

بیت چهارم : هان ، مشو نومید ، چون واقف نه ای از سر غیب /باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور

معنی: آگاه باش و نا امید نشو ، زیرا از راه های پنهان خداوند با خبر نیستی و مطمئن باش که در پشت پرده ، بازی هایی می گذرد که بر ما آشکار نیست .

آرایه : این بیت تلمیح به آیه (و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو)دارد .

بیت 3 جمله دارد 3 تا در مصراع اول 2 تا در مصراع دوم

نکته دستوری : هان : شبه جمله ندای (نیستی) چون : پیوند وابسته ساز اندر: در حرف اضافه

بیت پنجم : ای دل ارسیل فنا بنیاد هستی بر کند /چون تورا نوح است کشتیبان، زتوفان غم نخور

معنی ای دل گر فناو نابودی مانند سیلی ، پایه و اساس هستی تورا دگرگون سازد چون یار و یاوری چون حضرت نوح داری ، ناراحت نباش

آرایه ها : دل: تشخیص - سیل فنا : اضافه تشبیحی (فنا :شبه)-(سیل شبه به)

بنیاد هستی برکند :کنایه از نابودی -تلمیح به داستان حضرت نوح سیل -کشتیبان –طوفان و نوح

(مراعات نظیر) تکرار حرف (ت و ن) واج آرایی

نکته دستوری : برکند: فعل پیشوندی و مضارع التزامی کشتیبان: مشتق را

را : فک اضافه(کشتیبان تو) توفان :متمم ز : مخفف از و حرف اضافه

بیت ششم : در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم/سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور

معنی : وقتی در بیابان به آرزوی رسیدن به کعبه، قدم بر می داری اگر خار مغیلان(رنج و سختی راه) تورا آزرده کرد ، غمگین نباش زیرا دیدار کعبه به تحمل این رنج ها می ارزد .

آرایه ها : « دروگر» جناس (بیابان و خار مغیلان) : مراعات نظیر سرزنش کردن خار مغیلان :تشخیص

نکته دستوری : بیابان : متمم گر : مخفف اگر شوق کعبه : متمم خواهی زد : فعل آینده

بیت هفتم : گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید / هیچ راهی نیست کان را نیست پایان ، غم مخور

معنی: اگرچه مصد بسیاردور است وجای ماندن بسیار خطرناک است، ناراحت نباش زیرا هر راهی پایان و انتهایی دارد

آرایه ها : راه ، بعید و پایان : مراعات نظیر نیست و نیست : تکرار بیت : 4 جمله دارد

نکته دستوری : فعل است بعد از واژه ی بعید به قرینه لفظی حذف شده است

دو فعل نیست در مصراع دوم ، به معنی « وجود نداشتن » به کار رفته اند و فعل غیر اسنادی هستند

« است به معنی می باشد ← مضارع اخباری »

بیت هشتم : حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار / تا بود وردت دعا و درس قرآن ، غم مخور

معنی : ای حافظ تا وقتی که در گوشه فقر و تنهایی شبهای تاریک ، دعا و قرآن می خوانی ، نگران و غمگین مباش .

آرایه ها : « ورد – دعا – قرآن » : مراعات نظیر « در و درس » جناس «تار و تا» جناس

نکته دستوری : حافظ : منادا و الف : حرف ندا بُوَد و بُوَد – فعل مضارع اخباری می باشد وردت : ت

ورد تو : مضاف الیه در کنج فقر و خلوت شبهای تار ← متمم قیدی

در قسمت اول درس :

معنی واژه های مهم		
طعن : طعنه و سرزنش	لعن : لعنت	هجو : سرزنش کردن کسی
نامه زندگی : کتاب زندگی	انتقاد : نقد کردن	مراد : آرزو – هدف
دیوان : مجموعه اشعار یک شاعر که در یک کتاب جمع شود		کنعان : نام شهری در فلسطین قدیم

حافظ : خواجه شمس الدین محمد معروف به لسان الغیب ، بزرگ ترین شاعر غزل سرای ایران و جهان که در قرن هشتم هجری می زیست چون قرآن را از بر داشت . حافظ تخلص گرفت . مسلط به زبان عربی بوده است . دیوان او سرشار از آموزه های عرفانی است آرامگاه او در باغ زیبایی در شیراز به حافظیه معروف است .

خرمشاهی : بهاء الدین متولد سال 1324 خ ، ش در شهر قزوین است وی نویسنده ، مترجم ، محقق ، طنز پرداز ، فرهنگ نویس ، شاعر و استاد دانشگاه است . استاد خرمشاهی تألیفاتی در قرآن و حافظ شناسی و تفسیر اشعار دارد.

پرسش های درس هفتم

1-در عبارت زیر چند صفت پسین بیانی وجود دارد .

"حافظ حکیمی متفکر و تفکر بر انگیزه است . فرزانه ای است با اندیشه های عمیق عرفانی و احساس ها و عواطف ژرف انسان "

1) چهار 2) سه 3) پنج 4) شش

2 - نقش دستوری واژه های "کاز ساز ،لعن ، دلپذیر" در عبارت زیر کدام است ؟

"طنز ظریف و کارساز برای آن که انتقادش به طعن و لعن و هجو ، شباهت نیابد ، انتقاد ها را با طنز می آمیزد و آن زا دلپذیر می کند"

1) نهاد – متمم – ید 2) صفت – معطوف به متمم – مسند

3) نهاد – متمم – مسند 4) مضاف الیه –معطوف – قید

3-در عبارت زیر به ترتیب چند واژه مشتق و مشتق - مرکب وجود دارد؟

"دیوان حافظ ، نامه زندگی و زندگی نامه ماست . حافظ به ما خوب زیستن و شاد زیستن را می آموزد .حافظ حکیمی متفکر و تفکر بر انگیز است . فرزانه ای است یا اندیشه های عمیق عرفانی و احساسی ها و عواطف ژرف انسانی "

1 چهار - چهار 2چهار - پنج 3پنج – سه 4 - پنج – چهار

4- با توجه به بیت زیر ، کدام گزینه ، نادرست است ؟

(ای دل ارسیل فنا بنیاد هستی برکند. چون تو را نوح هست کشتیان ، ز توفان غم مخور)

1-برکند : فعل پیشوندی 2-دل : منادا 3- تو : مفعول 4-کشتیان : مسند

5 -پر بیت زیر ، چند ترکیب وصفی و اضافی به کار رفته است؟

(یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کعبه احزان سود روزی کلستان غم مخور)

1)دو –یک 2)یک – یک 3)یک – دو 4) سه –دو

حکایت : شو خطر کن

پیام داستان : نویسنده حکایتی را نقل کرده است که نشان می دهد هر کس اگر خودش بخواهد می تواند به مدارج بالای علمی، انسانی و مادی برسد و انسان ها با اداره ی محکم خود می توانند بر سختی ها و مشکلات غلبه کنند . مصداق ضرب المثل«خواستن» توانستن است .

معنی و آرایه های حکایت

از امیر خراسان پرسیدند که تو شخص تهیدست بودی و کار بی ارزش داشتی ، چگونه به پادشاهی سرزمین خراسان رسیدی. امیر خراسان اشاره دارد به«احمد بن اله خجستانی »

نکته دستوری : امیر : متمم . جمله چهار جزئی با مفهعول و متمم – شغلی پست: ترکیب وصفی چون : قید پرسشی

گفت روزی دیوان اشعار حنظله بادعیسی را می خواندم به این دوبیت رسیدم

مهتری گر به کام شیر در است — شو، خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عزو نعمت و جاه — یا چو مردانت مرگ رویاروی

*** اگر بزرگی سروری دردهان شیرهم باشد برو و کار خطرناک را انجام بده و آن را از دهان شیر بگیر.**

*** یا باید به بزرگی و مقام و ثروت برسی یا این که مثل مردان بزرگ با مرگ رو به رو شوی .**

نکته دستوری: روزی قید زمان /همی خواندم اضی استمراری

مهتری : مشتق – ((ی) : مصدری است : مهتر بودن)کام : متمم است که دارای دو حرف اضافه «ب» و « در » است ، این شیوه مربوط به سبک قدیم است . شو فعل امری / خطر کن و بجوی / فعل امری

بزرگی : مشتق رویا روی : مشتق – مرکب

معنی حکایت : انگیزه ای در درونم بوجود آمد که اصلا نتوانستم به وضعیتی که داشتم راضی باشم تمام ثروتم را فروختم و اسبی خریدم و از سرزمین خود ، سفر کردم ، به حکومت صفاریان پیوستم . هر روز عظمت و مقام ولشکرین بیش تر می شد و کم کم در کار هایم پیشرفت کردم تا همه خراسان را تحت فرمان خود در آوردم . علت این کار تأثیر این دو بیت در من بود .

چهار مقاله : تالیف نظامی عروضی سمرقندی است، نویسنده و شاعران قرن ششم هجری شامل چهار گفتار و موضوع درباره ی دبیران(نویسندگان) ، منجمان و طبیبان که در ابتدا (مجمع النوادر)گفته می شد .

درس هشتم : همزیستی با مامِ میهن

اهداف آموزشی :

1 – خوانش مناسب متن درس با لحن مناسب (عمل)

2 – تقویت باور به یک پارچگی در میان اقوام و مذاهب مختلف ایران زمین (باور)

3 – آشنایی بیشتر با مفهوم وحدت ملّی و ارزش های گران بهای آن (علم)

4 – ارج نهادن به الگوهای اخلاقیِ ملّی و اجتماعی (اخلاق)

5 – آشنایی بیشتر با آرایهٔ تضاد در جمله ها و اشعار فارسی (علم)

6 – توانایی درک بخش های زبانی و ادبی متن درس (تفکّر)

7 – کاربست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه های مهارت نوشتاری ، گفتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روشن سازی طرز تلقّی

– کارایی گروه

– بحث گروهی و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ،عکس ، فیلم و ...

در ارائهٔ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارهٔ رفتارهای مناسب از جلوه های میهن دوستی و دفاع از آن به نمایش درآید ، تدریس را اثر گذارتر می کند .

این متن ، لحنی میهنی و حماسی دارد . در این گونه متن ها خواننده می کوشد با شور و حرارتی بر انگیزاننده ، غیرت ملی و حس همدلی را بیدار سازد و با بهره گیری از عاطفه و حس و حال مناسب ، شنونده را به احترام و دوستی میهن ، فرا می خواند .

محتوا و مفهوم درس : این درس ، وطن دوستی را به ما می آموزد . ایران عزیز از گذشته تا به امروز حلقهٔ اتحاد بین نژادهای گوناگون بوده است و این اقوام دوستانه و برادرانه در کنار هم زندگی می کنند و هر وقت ایران را دچار گزند در برابر دشمن ببینند به یکباره ، یکپارچه ، بر دشمن می تازد و آن ها را از بین می برند .

مردم این سرزمین همدیگر را دوست دارند و سرزمین خود را مانند مادری مهربان می دانند .

واژه های متن :

تپنده : بی قرار	می بالند : رشد می کنند	آوند : لوله های باریکی در ساختمان گیاهان ...	یکتایی : یگانگی	گرامی گوهر : مرواریدی ارزشمند ترکیب وصفی مقلوب است ← گوهر گرامی
همتایی : همانندی	گرانمایه : با ارزش	مام : مادر	پرورندگی : پرورش دادن	هم زیستی : زندگی کردن در کنار هم
از این دید : از این دیدگاه و نگاه	باشندگان : ساکنان ، حاضران ، جمع باشنده	زادبوم : زادگاه	لهجه : شیوهٔ تلفظی از زبانی نسبت به شیوهٔ تلفظی دیگر از همان زبان	گویش : سخن گفتن ، گفتار
دیده : چشم ، نظر	درآیید : داخل شوید	گونه گونی : گوناگون بودن	یگانگی : صمیمیت ، یکی رنگی ، یگانه بودن	آبشخور : سرچشمه
مایه ور : پرمایه ، سرشار ، ارجمند	فراخنا : پهنا ، گستردگی	ندای واحد : صدایی که با هم متحد و یکپارچه هستند	نشست :سکونت ، اقامت ف جای نشستن	رنگارنگی : لهجه های مختلف
نوا : نغمه	ستد و داد : رفتار متقابل دو نفر با یکدیگر	دو سویه : دو طرفه ، دو جانبه	بی شکیب : بدون صبر و تحمل	آرامستان : جای آسودن
مِهر : خورشید	تن را سپر کردن : کنایه از خود را فدا کردن	شناسنده : آگاه ، آن که کسی را	جلوه : جنبه ، نمایان شدن	اقلیت : گروه اندک

		می شناسد		
اصل : پایه و اساس ، قانون	شهروند : اهل یک شهر یا کشور	پشتوانه : پشتیبان	ارادۀ پولادین : تصمیم محکم و پایدار	آوردگاه : میدان جنگ
گزند : آسیب	اهرمن خویان : کسانی که خوی و سرشتی شیطانی دارند ، در این درس استعاره از دشمنان شیطان صفت	آرمیده اند : خوابیده اند	آشوب : هرج و مرج ، بی نظمی	بی قراری : بی تابی
صحنه : میدان	رزم : جنگ ، نبرد	پیکار : جنگ	می غرند : با صدای بلند و ترسناک فریاد می زنند	یکدل : متحد ، صمیمی
یزدان شناس : خداشناس	هراس : ترس	دریغ افسوس	کنام : محل زندگی جانوران وحشی	بوم و بر : سرزمین
به : بهتر				

متن به صورت ساده وروان :

بند اول

مادران ، دل به مهر فرزندان ، گرم و تپنده می دارند و فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر جان می گیرند و می پرورند و می بالند:

❁ دل مادران از محبت فرندان گرم و زنده است و فرزندان هم با وجود پر محبت مادر جان می گیرند و پرورش می یابند .

مادر و فرزند در خوشی و ناخوشی با هم در ارتباط هستند .

بند دوم : مادر گوهر با ارزشی است که در جهان ، بی همتاست . به همین خاطر هر چیز با ارزش را وقتی بخواهند ، به چیزی مانند کنند ، به مادر تشبیه می نمایند .

بند سوم : مام میهن ترکیبی است که در آن وطن را به مادر مانند کرده است . زیرا وطن هم برای ساکنان و کسانی که وجودشان را از او یافته اند ، مانند مادر رفتار می کند .

برای وطن ، همه فرزندان یکسان هستند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد .

بند چهارم : اگر به یک گلستان وارد شوید ، نمونۀ این گوناگون بودن و در عین حال یکی بودن را می بینید و درک می کنید که اگر چه ظاهر گل ها با هم متفاوت است ، اما ریشۀ هم در یک خاک نهاده شده است و همه از یک سرچشمه ، سرشار و سیراب می شوند . گلستان همان وطن است یا وطن همان گلستان . وطن مانند گهواره ای برای فرزندان خود است و فرزندان خود را چه خار باشند چه گل یکسان می بیند .

بند پنجم : ایران ما با تمامِ گستردگی فرهنگی و جغرافیایی و تفاوت لهجه ها ، مانند گلستانی است که همه فرزندان عزیز خود را بی توجه به تفاوت ها در دامن خود پرورش می دهد و از شیرۀ جان خود به نام آن ها می ریزد .

بند ششم : محبت بین مادر و فرزند و جان فشانی کردن ان ها برای هم ، دو طرفه است . اگر برای فرزند یک ناخوشی و آسیبی به وجود آید ، مادر بی قرار و نا آرام می شود و هرگاه مادر دچار اندوه و غمی شود ، فرزندان نیز آرام و قرار ندارند و بدون صبر و جانانه می کوشند تا خانه را به آرامش برسانند .

انسان های تاریک دل (آنان که مانند خفش از نور گریزان هستند و دشمن نور) را از خورشید چهرۀ مادر دور می کنند .

بند هفتم : در طول تاریخ ، بارها دیده ایم که هر گاه دشمنان و بدخواهان به وطن ستمی کنند ، همه فرزندان ، از تمام نقاط ایران هم صدا می شوند و خشم خود را نشان می دهند و متحد و با هم بر دشمنِ بیگانه می تازند! در دوران هشت سالۀ دفاع مقدس همه ، جان خود را برای وطن فدا کردند .

همی خواهم از کردگار جهان شناسندۀ آشکار و نهان

معنی بیت : از کردگار جهان که از همه چیز آگاه است ، می خواهم .

آرایه بیت : جهان – نهان (جناس) آشکار و نهان (تضاد)

که باشد ز هر بد نگهدارتان همه نیک نامی بود یارتان

معنی بیت : از خدا می خواهم که از هر بدی شما را نگهدار باشد نیک نامی با شما یار باشد (نیکنام باشید)

ایرانیان ارادۀ پولادین دارند ، ایرانیان مانند پولاد محکم و استوار هستند .

دشمنان انگشت به دهان گذاشته اند : دشمنان شگفت زده شده شده اند

ابیات پایانی درس که از شاهنامه فردوسی است :

معنی بیت اول : نمی دانی که ایران جایگاه من است تمام دنیا در اختیار من است

آرایۀ بیت : دست و است (جناس) زیر دست بودن ← کنایه از تحت اختیار بودن

بیت دوم : همهٔ مردم ، یکدل ، صمیمی و خداشناس هستند و برای انجام کار نیک از این که به آن ها آسیبی برسد ، ترسی ندارند

بیت سوم : جای افسوس است از این که ایران از بین برود و آشیانه حیوانات درنده وحشی بشود .

آرایه ها : ویران و ایران ← جناس / پلنگان و شیران ← مراعات نظیر

بیت چهارم : اگر قرار است ایران نابود شود ، از خدا می خواهم که من هم نیست و نابود شوم و هیچ کس دیگری در این سرزمین ، زنده نماند .

آرایه ها : تکرار « ن » / تن من ← جناس

بیت پنجم : اگر همه برای سرفرازی وطن ، خود را فدا کنیم بهتر از این است که کشور را تسلیم دشمن کنیم .

نکتهٔ دستوری : در مصراع دوم ، بعد از به (بهتر ← صفت تفضیلی) فعل است حذف شده است .

شعر خوانی دور اندیشی

پیام و محتوای شعر : در این داستان ، نظامی مخاطب را به دقت در انتخاب دوست و همنشین و بهره گیری از تفکر و اندیشه و فکر در کارها دعوت می کند . دوستان نادان ، کم از دشمنان نیستند و بر عکس آن ، دشمن دانا ، دوستان ناشناخته اند . یعنی در واقع آن ها دوستانی هستند که آن ها را نمی شناسیم . ارزش دانایی بیان شده است . دوست نادان تو را گرفتار ضرر و بلا می کند اما دشمن دانا تو را از بلا نجات می دهد .

قافیه های شعر :

بیت 1 : آزادگان – هم زادگان

بیت 2 : پسر – سر

بیت 3 : دست – شکست

بیت 4: همسال - حال ، ردیف : او

بیت 5 : گفت – نهفت و ...

معنی واژه های شعر :		
جمله : گروه ، مجموعه	آزادگان : جمع آزاده	اصیل : نجیب ، جوانمرد
همزادگان : جمع همزاد ، هم سن و سالان	پویه کردن : دویدن	در آمد زدست : آسیب دید
در آمد به سر : کنایه از زمین خوردن	مهر : عشق ، علاقه	مُهرهٔ پشت : ستون فقرات
بُن : عمق ، تَه	نهضت : پنهان کرد	شرمسار : شرمنده
عاقبت اندیش : آینده نگر	همانا : قطعاً ، ظاهراً	نهند : به شمار می آورند
تُهمت : گمان بَد	واقعه : حادثه – اتفاق	زی : به سوی
جوهر : گوهر ، ذات		

معنی بیت ها :

بیت 1 : کودکی از خانوتدهٔ انسان های نجیب و اصیل با دو سه نفر از هم سن و سال های خودش ، برای بازی کردن ، بیرون رفت .

بیت 2 : وقتی آن پسر بچه شروع به حرکت و دویدن کرد ، با سر به زمین خورد .

بیت 3 : به هنگام دویدن ، پایش آسیب دید و مهرهٔ کمرش شکست ونا امید و ناراحت و شکسته دل شد .

بیت 4 : به خاطر این حادثه (زمین خوردن آن کودک) آن دوستانِ هم سن و سالش ، احساس ناراحتی و اندوه می کردند .

بیت 5 : نزدیکترین دوستش گفت : باید او را داخل چاهی عمیق ، بیندازیم و مخفی کنیم .

بیت 6 : تا این حادثه برای کسی اشکار نشود و ما پیش پدرش شرمنده نشویم .

بیت7 : یکی از بچه ها که دشمن او بود ، کودکی آینده نگر و زیرک بود .

بیت 8 : آن کودک آینده نگر گفت : قطعاً وضعیت این موضوع در میان این دوستانِ همراه ،پنهان نمی ماند.

بیت 9 : چون که از میان همهٔ بچه ها ، مرا دشمن او به شمار می آورند . به من بدگمان می شوند و مرا گناهکار می شمارند .

بیت 10 : به سوی پدرش رفت و او را از ماجرا آگاه کرد تا این که پدرش برای آن کار چاره ای بیندیشد .

بیت 11 : هر کسی که در او فهم و دانایی وجود دارد ، توانایی انجام هر کاری را دارد .

بیت 12 : دشمن دانایی که سبب غم و اندوه انسان باشد ، از دوست نادان بهتر است .

آرایه ها و نکات دستوری شعر :

بیت 1 : نکتهٔ دستوری : آزادگان جمع همزادگان

بیت 2 : آرایه ها : پا و سر : مراعات نظیر / پسر ، سر ← جناس / پای در راه نهادن و به سر درآمدن ← کنایه

در و سر ←جناس

بیت 3 : پا و دست ← مراعات نظیر / مهر دل شکستن ← کنایه از نا امید شد

بیت 4 : آرایه ها : تنگ شدن نفس ← کنایه از احساس ناراحتی و اضطراب کردن / حال و سال ← جناس

نکتهٔ دستوری : دو سه هم سال ← ترکیب وصفی (دو و سه صفت پیشین شمارشی هستند) / تنگ تر ← صفت تفضیلی

بیت 5 : دوست ترین ← صفت عالی / ـَ ش در چاهیش ← مفعول / وُ را ← مخففِ او را

بیت 6 : آرایه ⇐ راز و روز ← جناس / تکرار « ر» ← واج آرایی / راز مانند روز ← تشبیه

نکتهٔ دستوری : چو ← ح اضافه / روز ← متمم / آشکار ← تو تلفظی / « ـَ ش » در پدرش ← مضاف الیه

بیت 7 : عاقبت اندیش ترین : صفت عالی و از نظر ساخت مرکب است .

بیت 8 : همرهان مخفف همراهان / درین ← مخفف در این

بیت 10 : زی (به سوی) ← حرف اضافه / « ـَ ش » در پدرش ← مضاف الیه / خبردار ← مرکب

بیت 11 : « است » در مصراع اول به معنی وجود دارد ، فعل غیر اسنادی است .

بیت 12 : آرایه ها : دشمن و دوست ← تضاد / بیت ضرب المثل است / تکرار « ن » : واج آرایی / دانا و نادان ← تضاد

نکتهٔ دستوری : بیت از سه جمله تشکیل شده است . در بهتر از آن دوست ، فعل « است » حذف شده . « بهتر » صفت تفصیلی است که نقش مسندی دارد .

این بیت شاه بیت این داستان است . نظامی توانایی را نتیجهٔ دانایی می داند .

تاریخ ادبیات : مخزن الاسرار : یکی از پنج گنج نظانی گنجوی است .

مثنوی معروفی است که موضوع اخلاقی و اندرز گونه دارد . و راه و روش بهتر زیستن را آموزش می دهد . و در سال 570 ه. ق به اتمام رسید .

پرسش های شعر دوراندیشی :

1 – پیام شعر را بنویسید ؟

2 – بیت های زیر را معنی کنید ؟

هر که در او جوهر دانایی است　　بر همه چیزش توانایی است

پای چو در راه نهاد آن پسر　　پویه همی کرد و درآمد به سر

3 – کلمات مشخص شده را معنی کنید ؟

پویه همی کرد و درآمد به سر　　کودکی از جملهٔ آزادگان

رفت برون با دو سه همزادگان

4 – عبارت های زیر کنایه از چیست ؟

مهر دل شکستن ←

پای در راه نهادن ←

5 – کدام آرایه در بیت زیر ف وجود ندارد ؟

دشمن دانا که غم جان بود　　بهتر از آن دوست که نادان بود

1) تشبیه　　2) ضرب المثل　　3) تضاد　　4) نغمهٔ حروف

6 – کدام گزینه با بقیه هم خانواده نیست ؟

1) پویه　　2)پاینده　　3) پویایی　　4) پوسیدن

7 – بیت زیر چند جمله است ؟

دشمن دانا که غم جان بود　　بهتر از آن دوست که نادان بود

1) دو جمله　　2) سه جمله　　3) چهار جمله　　4) پنج جمله

8 – در کدام مصراع معنی « زی » متفاوت است ؟

1) زی پدرش رفت و خبردار کرد **2) زی چنین مجلس گرای و در چنین بنیاد باش**

3) گر درد دل دوا شود ای دوست ، شاد زی **4) همه نامه کردند زی شهریار**

9 – در مصراع زیر کلمه مشخص شده چه نوع صفتی است ؟

عاقبت اندیش ترین کودکی

1) صفت تفضیلی **2) صفت بیانی** **3) صفت عالی** **4) صفت شمارشی**

10 – کتاب مخزن الاسرار از کیست و موضوع ان چیست ؟

1) نظامی – پند و اندرز و اخلاق **2) سعدی – اخلاقی**

3) نظامی – داستانِ عاشقانه **4) مولوی – عارفانه**

فصل چهارم : نام ها و یاد ها

چو خواهی که نامت بود جاودان مکن نام نیک بزرگان نهان

مفهوم بیت : انسان همواره باید در بزرگداشت نام انسان های بزرگ کوشا باشد.

معنی: اگر میخواهی یاد و نام تو در دنیا ماندگار باشد نام نیک انسان های بزرگ را زنده نگه دار.

نکته دستوری: چو = اگر (حرف ربط) / «ت» در نامت مضاف الیه است .

خواهی = می خواهی (مضارع اخباری) / جاودان و نهان : قافیه

بوستان سعدی یکی از آثار سعدی است که در سال 655 سروده شده است ودارای ده باب است.

اهداف آموشی :

1 – آشنایی با ابوریحان بیرونی و خواجه نصیرالدّین توسی و نثر آنها (علم)

2 – آشنایی با ماضی ساده ، نقلی و استمراری (علم)

3 – پروررش حسّ پرسشگری و حفظ روحیهٔ مستمرّ دانشجویی با توجّه به آموزه های متن (تفکّر)

4 – نگرش مثبت نسبت به کسب علم و شناخت چهره های علمی (باور)

5 – خوانش متن با لحن و آهنگ مناسب (عمل)

6 – کاربست آموزه های محتوایی درس در فعّالیت های گفتاری ، نوشتاری و رفتاری فراگیران (عمل)

7 – ترغیب به تحمّل سختی ها و مشکلات در راه کسب علم و دانش (اخلاق)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روش ایفای نقش

– کارایی تیم

– روشن سازی طرز تلقّی و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ...

در ارائۀ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارۀ انسان های موفّق و تلاش آنها به نمایش درآید ، تدریس را اثر گذارتر می کند .

نکات کلیدی :

این درس یک نثر امروزی که ساده و روان است .

محتوای درس : این درس در مورد ابوریحان بیرونی و خواجه نصیر توسی است . بیانگر تحمل دشواری های آنها در راه کسب علم می باشد . به طور کلی باید گفت : درک شیرینی علم سبب می شود که انسان سختی ها و مشکلات فراگیری آن را تحمل کند . وهیچ گاه خسته نشود.

پیامبر (ص) در سخن معروفش بر طلب علم از آغاز تولد تا زمان مرگ تأکید کرده است. فردوسی حدیث معروف پیامبر را در این زمینه بسیار زیبا به شعر بازگردانی و ترجمه کرده است

چه خوش گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش بجوی

آرایه ها و نکات مهم

*** درخت وجود نصیرالدین،پربارتر می شد : به تشنه ای می مانست که ساعت ها در بیابانی خشک و زیر نور خورشید فروزان می ماند و سپس به آب می رسد .**

وجود: مشبه و درخت : مشبه به / خواجه نصیر مانند تشنه ای بود تشبیه

تشنه ، بیابان و آب مراعات نظیر هستند .

من نام تورا کوه آهن نهاده ام . نام تو : مشبه / کوه آهن : مشبه به

کوه نماد خستگی ناپذیری و استقامت است .

***به آسمان، ستاره های نقره فام و ماه که چون ظرفی سیم گون می درخشد می نگرم و غرق اندیشه می شوم .**
آسمان و ماه وستاره : مراعات نظیر / ستاره ها مانند نقره تشبیه

غرق اندیشه می شوم کنایه ازبه فکر فرو می روم .

*** تنها یک چیز و آن نیز این است که تو می خواهی بخوانی و من می خواهم بدانم .**

آرایه ها : این وان ← جناس / تکرار«ب» و «ی» ← واج ارایی

***آنگاه که نفس او به شماره افتاده بود ،دوستی فقیه و دانشمند بر بالین وی حاضر امد و با اندوهی بسیار ،دست نوازشی بر سر و رویش کشید .**

آرایه ها : نفس او به شماره افتاده بود ←کنایه از به سختی نفس کشیدن ، در حال مردن بودن / دست و سر و روی← مراعا ت نظیر / بر و سر ← جناس

*** شمع وجودش به خاموشی می گرایید : کنایه از واپسین لحظات عمر خود را سپری می کرد ودر حال مرگ بود**

نکته زبانی : به فعل های که در زمان گذشته انجام شده ان فعل ماضی گفته می شود .

انواع فعل ماضی: ماضی ساده – نقلی – استمراری – مستمر – بعید – التزامی

***ماضی ساده (مطلق) : این فعل در زمان گذشته انجام شده است و نشانه ای ندارد.**

ساخت ماضی ساده : بن ماضی + شناسه ها (رفتم – رفتی- رفت- رفتیم- رفتید-رفتند)

✳نکته : در گذشته گاه به اول فعل ماضی ساده «ب» اضافه می شده است .

مثال : ب+رفت = برفت ← معنی : رفت

*** ماضی نقلی: فعلی که در گذشته انجام گرفته و اثرآن تا کنون باقی است.**

ساخت ماضی نقلی : بن ماضی+ه+ام ، ای ،است ، ایم ،اید، اند .

صفت مفعولی

مثال: رفته ام – رفته ای – رفته است – رفته ایم- رفته اید – رفته اند.

درس دهم : آرشی دیگر

اهداف آموزشی :

1 - آشنایی با نمونه ای دیگر از ادبیات دفاع مقدس (علم)

2 - خوانش متن با لحن مناسب (عمل)

3 – آشنایی با آرایهٔ تلمیح (علم)

4 - تقویت روحیهٔ ایثار و مبارزه تا پای جان در راه وطن و میهن دوستی (باور)

5 - تقویت توانایی استنباط پیام ها و نکته های برجستهٔ متن (تفکّر)

6 - تقویت نگرش مثبت نسبت به ارزش های فرهنگی و انقلابی (اخلاق)

7 - تقویت کاربست آموزه های محتوایی متن درس فعالیت های نوشتاری ، گفتاری و رفتاری فراگیران (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– بحث گروهی

– روش ایفای نقش

– روشن سازی طرز تلقّی و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ...

در ارائهٔ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارهٔ جبهه های جنگ تحمیلی ، پیروزی و شهادت رزمندگان و اسطوره های تاریخی ایران زمین به نمایش درآید ،تدریس را اثر گذارتر و حس میهن دوستی را قوی تر می سازد .

پیام شعر: بیان رشادت ها و دلیری های رزمندگان ایران در طول هشت سال دفاع مقدس ، که در اوج جوانی از همه ی آرزو های خود گذشتند و با شجاعت در برابر دشمن نا جوانمرد ایستادند.

اشاره به تصرف شهر خرمشهر توسط دشمن بعثی دارد . حادثه ای که خون هر ایرانی را به جوش آورد و پیر و جوان را وارد صحنه ی مبارزه کرد . تا جایی که نوجوان سیزده ساله ، دست از همه ی آرزوهای خود شست و نارنجک به کمر بسته ، زیر تانک دشمن رفت . تا به جهانیان بفهماند نسل رستم و آرش و سیاوش غیرت و مردانگی را از پدران خویش به ارث برده اند . و از امام شهیدشان ، حسین (ع)الگو گرفته ، عارفانه می اندیشد .

قالب شعر: شعر نو (نیمایی)

نکته: در شعر نیمایی قافیه وجود دارد اما دارای نظم و ترتیب نیست .

تاریخ ادبیات : شاعر شعر ، محمد دهریزی است . شاعر و نویسنده ای که در شهر بروجرد دیده به جهان گشود . کارشناس ارشد ادبیات می باشد و در دبیرستان های بروجرد تدریس می کند .

آثار او : آوازی برای وطن _ آفرین بر جان بابا _ مهمان هایی با کفش های لنگه به لنگه _ یک راه دیگر _ شهر بعد از ظهر ها _ سفر سنگ

واژه های شعر		
بد عهد : پیمان شکن	هراس انگیز : ترسناک	کمند : طناب
تل : تپه	رست : رها شد	دف : یکی از آلات موسیقی
شط : رود بزرگی که وارد دریا می شود	تکبیر : الله اکبر	

معنی بعضی از ابیات

جنگ جنگی نا برابر بود / جنگ جنگی فوق باور بود / کیسه های خاکی و خونی /خط مرزی را جدا می کرد / دشمن بد عهد بی انصاف / با هجوم بی امان خود / مرز ها را جابه جا می کرد

معنی : جنگ جنگی نا عادلانه بود / جنگی غیر قابل تصور بود / کیسه های خاکی در حالی که خون آلود بودند / مرز دو کشور را مشخص می کردند / دشمن پیمان شکن و بی انصاف / با حمله ی پی در پی خود /به مرز ما تجاوز می کرد .

آن طرف ، نصف جهان با تانک های آتشین در راه / این طرف ایرانیان تنها

معنی : بیشتر کشور های جهان ، با عراق متحد بودند اما ایران تنها بود .

بی گمان امروز / فصلی از تکرار تاریخ است / گر بماند دشمن از هر سو / خانه ها مان تنگ خواهد شد / نام مان در دفتر تاریخ / کوچک و کم رنگ خواهد شد

معنی : بدون شک امروز / تاریخ دوباره / تکرار شده است / اگر دشمن در سرزمین ما بماند / کشور ما محدود خواهد شد / نام ما در تاریخ / خوار و بی اعتبار خواهد شد .

خون میان سنگر آزادگان جوشید / مثل یک موج خروشان شد / کودکی از دامن این موج بیرون جست / از کمند آرزو ها رست / چشم او در چشم دشمن بود / دست او در دست نارنجک

معنی : انسان های آزاده ای که در سنگر بودند خونشان به جوش آمد / و مثل موج خروشانی به حرکت در آمدند / کودکی از میان این رزمندگان بیرون آمد / همه ی آرزوهای مادی خود را رها کرد / چشم در چشمان دشمن دوخته بود / و نارنجک در دشت داشت .

صد هزاران چشم / قاب عکس کودک ما شد .

معنی : صد هزاران نفر به حسین فهمیده نگاه می کردند .

در دلش خورشید ایمان را نمی دیدند / تیغ آتش خیز دستان را نمی دیدند / در نگاهش خشم و آتش را نمی دیدند / بر کمانش تیر آرش را نی دیدند / در رگش ، خون سیاوش را نمی دیدند

معنی : دشمنان بی ایمان ، نور خورشید ایمان را در قلبش نمی دیدند / آنها شمشیر آتشین او را که یادگاری از رستم بود نمی دیدند / نگاه خشمگین و آتشین او را نمی دیدند / تیر کمان آرش را در دستان او نمی دیدند / و نمی دیدند که در رگش خون پهلوان دلیر ایرانی ، سیاوش جاری است .

تلی از خاکستر خاموش / ماند روی دست های دشت / آسمان از شوق دف می زد / شط خرمشهر کف می زد

معنی : تپه ای از خاکستر سرد و خاموش / بر روی دشت باقی ماند / آسمان از شادی و شوق ، دف می زد / رود خرمشهر شادی می کرد .

آرایه های ادبی

کیسه های خاکی و خونی / خط مرزی را جدا می کرد

واج آرایی (حرف خ)

دشمن بد عهد بی انصاف : ترکیب وصفی

تیر های وحشی و سر کش / موشک و خمپاره و ترکش : شبکه معنایی

خانه های خاک و خون خورده : واج آرایی در حرف خ

مهد شیران و دلیران بود

شیران استعاره از رزمندگان

چشم در چشم افق می دوخت : تشخیص ، چشم در چشم دوختن : کنایه از خیره نگاه کردن

در دهان تانک ها می سوخت : تشخیص

در غروب آفتاب خویش : کنایه از نابودی و پایان عمر

شهر از آن سوی سنگر ها / شیر مردان را صدا می زد : تشخیص (صدا زدن شهر)

ناممان در دفتر تاریخ . دفتر تاریخ : اضافه ی تشبیهی

خون میان سنگر آزادگان جوشید : کنایه از خشمگین شدن

مثل یک موج خروشان شد : تشبیه

از کمند آرزو ها ست . کمند آرزو ها : اضافه ی تشبیهی

دست او در دست نارنجک : تشخیص

صد هزاران چشم قاب عکس کودک ما شد : تشبیه (چشم مشبه و قاب عکس ، مشبه به)

چشم ها از این و آن پرسان : تشخیص

دشمنان کور دل : ترکیب وصفی

در دلش خورشید ایمان را نمی دیدند : خورشید ایمان ، اضافه ی تشبیهی

تیغ آتش خیز دستان را نمی دیدند / بر کمانش تیر آرش را نمی دیدند / در رگش خون سیاوش را نمی دیدند . تلمیح به داستان های رستم دستان ، سیاوش و آرش در شاهنامه ی فردوسی

کودک ما بغض خود را خورد : خوردن بغض ، کنایه از مسلط شدن بر خود

مثل کوهی آهنین هستم : تشبیه

ناگهان تکبیر پر وا کرد : تشخیص

در میان آتش و باروت غوغا کرد / کودکی از جنس نارنجک / در دهان تانک ها افتاد

آتش ، باروت ، نارنجک و تانک : شبکه معنایی . دهان تانک : تشخیص

ماند روی دست های دشت : تشخیص

آسمان از شوق دف می زد / شط خرمشهر کف می زد . تشخیص و کنایه از خوشحالی

شهر یکباره به هوش آمد . شهر مجاز از مردم شهر . به هوش آمدن شهر ، تشخیص

نکته ی ادبی :

تلمیح : این شعر ما را به یاد داستان های آرش کمان گیر ، رستم دستان و سیاوش می اندازد .

گاهی شاعر یا نویسنده ، برای زیبا تر کردن سخن و تأثیر گذاری بیشتر آن از آیات ، روایات ، احادیث ، داستان ها و رویداد های مهم تاریخی و ... استفاده می کند . به این شیوه ی بهره کیری از کلام ، تلمیح می گویند . تلمیح به معنی « با گوشه ی چشم اشاره کردن » است .

مثال هایی برای تلمیح

مادر ای آفتاب هستی بخش زیر پایت بهشت جاوید است

اشاره به حدیث پیامبر (ص) : بهشت زیر پای مادران است .

پدرم روضه ی رضوان به دو گندم بفروخت من چرا کل جهان را به جوی نفروشم

اشاره به داستان حضرت آدم و رانده شدن او از بهشت بخاطر خوردن گندم

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

اشاره به پیامبر اکرم (ص)

پرسش های درس دهم

1- ابیات زیر را به نثر روان معنی کنید .

خون میان سنگر آزادگان جوشید/ مثل یک موج خروشان شد / کودکی از دامن این موج بیرون جست / ازکمند آرزو ها رست

2- درهر یک از مصراع های زیر چه زیبایی ادبی به کار رفته است ؟

دست اودر دست نارنجک ( )

در رگش خون سیاوش را نمی دیدند ( )

در دلش خورشید ایمان را نمی دیدند ( )

3- مصراع های زیر اشاره به چه واقعیتی در جنگ هشت ساله ی ایران و عراق دارد؟

آن طرف ، نصف جهان با تانک های آتشین در راه / این طرف ایرانیان تنها

4- در تشبیه زیر ارکان تشبیه را مشخص کنید .

مثل کوهی آهنین هستم .

5 - دو ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی در درس بیابید .

حکایت : نیک رایان

پیام حکایت : ارزش دادن به کار خود در هر پست و مقام که هستی . وجدان داشتن و انجام وظایف انسانی و کاری خود به نحو احسن.

تاریخ ادبیات : این حکایت از عبد الرحمان جامی است که شاعر و نویسنده ی معروف ایرانی در قرن نهم هجری است .

آثار جامی : بهارستان ، هفت اورنگ

نکته : بهارستان در قالب نثر ، به شیوه ی گلستان سعدی تألیف گردیده است این نثر از نمونه های نثر دلنشین و شیرین زبان فارسی به شمار می رود .

معنی واژه ها		
عمل : کار	شریف : ارزشمند	عزل کردن : بر کنار کردن
سیرت : اخلاق	خسیس : پست ، بی ارزش	داد : عدل

معنی حکایت : اسکندر یکی از افراد لایق و کاردان خود را از شغلی با ارزش بر کنار کرد و شغل کم ارزشتری به وی داد . روزی آن مرد پیش اسکندر آمد . اسکندر گفت : « شغل خود را چگونه می _ بینی؟».

مرد گفت : « عمرت طولانی باد!انسان با شغلش بزرگ و ارزشمند نمی شود بلکه کار به وسیله ی انسان بزرگ و ارزشمند می شود . پس در هر شغلی که داری ، باید خوش اخلاق باشی و عدالت داشته باشی».

درس یازدهم : زنِ پارسا

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی با عطّار ، تذکرۀ الاولیا و رابعۀ عدویه (علم)

2 – خوانش نثر کهن تذکرۀ الاولیا با لحن مناسب (عمل)

3 – تقویت نگرش مثبت به زنان و توانایی آنان در کسب مقامات عرفانی (باور)

4 – تقویت و تثبیت رفتارهای پسندیده ، همچون مناعت طبع ، جلب رضایت خدا ، عبادت خالصانه و عاشقانه (اخلاق)

5 – تقویت توانایی درک و دریافت پیکره و اجزای متن (تفکّر)

6 – آشنایی با ماضی استمراری و ماضی مستمر (علم)

7 – تقویت کاربست آموزه های درس در مهارت های گفتاری، نوشتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– کارایی تیم

– روشن سازی طرز تلقّی

– روش ایفای نقش و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس و نویسنده ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ...

در ارائۀ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی دربارۀ زنان موفّق و مسلمان ایرانی و غیر ایرانی به نمایش درآید ، تدریس را اثر گذارتر می سازد .

پیام درس : انسان در هر حالی که باشد باید شکر گزار خدا باشد و برای خداوند کار کند . نیت او خدایی باشد تا کارهایش پذیرفته شود ؛ چون عشق به خدا در زندگی انسان تاثیر فراوان دارد و خداوند هم همیشه مراقب اوست و او را در هیچ شرایطی تنها نمی گذارد و مزد زحماتش را می دهد .

محتوا و مفهوم کلی درس : رابعه عدویه زنی عارف ، شاعر و پرهیزگار بود که در قرن دوم هجری زندگی می کرد . او در خانواده ای بسیار فقیر به دنیا آمد . موقع تولدش پدرش به اندازه ی روشن کردن چراغی در خانه پول نداشت و نمی خواست مدیون خلق باشد و از کسی کمک نخواست . پیامبر در خواب به او مژده داد که رابعه از زنان بزرگ روزگار می شود و شفاعت دیگر مسلمانان را می کند . بعد از مرگ پدر و مادر رابعه ، او مجبور شد خدمتکار فرد ظالمی شود ، افتاد و دستش شکست با این حال و با توجه به وظایف سنگین هیچ وقت از یاد خدا و عبادت او کوتاهی نمی کرد و از هر فرصتی برای نزدیکی به خدا استفاده می نمود و فقط هدفش رضای خداوند بود . در احوالش گفته اند که یک روز دزدی به خانه اش آمد که دزدی کند ولی هر کاری کرد نتوانست و به مشکل برمی خورد ندایی شنید که رابعه فردی است که شیطان هم جرات ندارد به او نزدیک شود چون خداوند مواظب اوست و تو نمی توانی به او صدمه ای بزنی .

نوع نثر: ساده و روان

تاریخ ادبیات : فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابور شاعر و عارف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری می باشد که در نیشابور متولد شد و در هنگام حمله مغول به قتل رسید. او اول داروساز بود و عطاری می کرد و بیماران را معالجه می کرد ولی در همان حال زهد هم داشت و با خدا بود ولی کم کم از دنیا فاصله گرفت و به طرف تقوا و پرهیزگاری رفت . کتاب هایی از او به جا مانده است از جمله تذکره الاولیا که به نثر می باشد ودر مورد شرح حال بزرگان عرفان و تصوف است و آثاری مانند اسرار نامه ، الهی نامه ، منطق الطیر ، مصیبت نامه ، مختار نامه، دیوان شعر و ... که به نظم می باشد .

معنی واژه ها				
عارف : خداشناس	پرهیزگار : پارسا	رابعه : چهارم	دروجود آمد: به دنیا آمد	عیال : همسر، خانواده
مخلوق : بندگان خدا	دلتنگ : ناراحت	سیده : سرور، بزرگ	امت : پیروان یک دین	عهد : پیمان
شفاعت : خواهشگری	قحطی : خشکسالی	عظیم : بزرگ	متفرق : پراکنده	درم : سکه نقره ، درهم
خواجه : سرور،صاحب	مشقت : سختی، دشواری	غریب : ناآشنا، بیگانه	الا: مگر، به جز	رضا : خوشنودی
جاه : مقام ، شکوه	دایم : همیشه	هوا : میل ، آرزو	موافقت : همراهی	صومعه: عبادتگاه، دیر
رنجه : ناراحت ، آزرده	ابلیس: شیطان	زهره:جرات،شهامت	طرار: دزد، راهزن	درآمد: داخل شد

معنی عبارات و جملات :

به فلان همسایه برو و چراغی روغن بخواه : به خانه ی فلان همسایه برو و به اندازه یک چراغ روغن بگیر .

غمگین مباش که این دختر سیده ای است که هفتاد هزار از امت من در شفاعت او خواهند بود :

ناراحت نباش زیرا این دختر ، بزرگی است که هفتاد هزار نفر از امت من با میانجی گری و خواهش او مورد عفو الهی قرار خواهند گرفت .

آن خواجه او را به رنج و مشقت کار می فرمود : صاحب رابعه او را وادار می کرد که کارهای سخت و دشواری انجام دهد.

غم مخور فردا جاهیت خواهد بود چنان که مقربان آسمان به تو نازند:

ناراحت نباش ، در آینده آنچنان مقام و عظمتی به دست می آوری که نزدیکان خدا و فرشتگان به تو افتخار می کنند.

همه شب نماز کردی و تا روز برپا بودی : تمام شب را نماز می خواند و تا صبح عبادت می کرد.

الهی تو می دانی که هوای دل من در موافقت فرمان توست و روشنایی چشم من در خدمت درگاه تو :

پروردگارا تو آگاهی که من علاقه ی قلبی ام این است که از فرمان و دستور تو پیروی کنم و خدمت کردن به تو برای من مثل نور چشم عزیز است.

خود را رنجه مدار : خود را خسته و ناراحت نکن .

ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد : شیطان جرات ندارد که مزاحم او شود.

آرایه ها : دل تنگ ← کنایه **روی بر خاک نهاد ← کنایه از راز و نیاز کردن**

مادر و پدر ← مراعات نظیر **دل سپردن ← کنایه از علاقه مند شدن ، عاشق شدن**

زهره ← مجازا جرات **دوست ← استعاره از خدا**

خفته و بیدار ←تضاد **دزد را کی زهره ی آن بود که گرد او گردد ← جمله استفهام انکاری**

نقش های دستوری :

فعل نبود در جمله ی چندان جامه نبود ← غیر اسنادی به معنی (وجود نداشت)

معنی واژه ها : فلان همسایه ← فلان صفت مبهم و همسایه (هسته)

چون رابعه بزرگ شد ← چون حرف ربط است

به چند درم او را فروخت ← چند صفت مبهم ، درم (هسته)

روزی در راه بیفتاد ← روزی قید زمان

الهی مرا از این همه هیچ غم نیست ← الهی منادا ، را در مرا حرف اضافه ، نیست : وجود ندارد فعل غیر اسنادی

الا رضای تو ← الا حرف اضافه ، رضا متمم

روزه داشتی ، نماز کردی ، برپا بودی ← داشتی ، کردی ، بودی ماضی استمراری ساخت قدیم

هوای دل من ← گروه نهادی

دگر بار چادر برداشت ← دگر بار قید تکرار

هفت نوبت ← ترکیب وصفی ، هفت صفت شمارشی

نکته درس : گروه فعل (3)

ماضی استمراری : به فعلی که در گذشته استمرار داشته و چند بار تکرار شده است فعل استمراری می گویند ؛ البته برای بیان عادتی در گذشته یا بیان فعلی که در زمان وقوع آن فعل دیگری نیز واقع شده به کار می رود:

در این مدت خودم برای خودم ورقه ی انجام کار می نوشتم و امضا می کردم .

پدرم سالها سیگار می کشید ولی در آخر ترک کرد .

سعید ناهار می خورد که من وارد شدم .

ماضی استمراری به این شکل ساخته می شود : می + بن ماضی + شناسه مثلا از مصدر نوشتن

می + نوشت + َ م می + نوشت + یم

می + نوشت + ِ ی می + نوشت +ید

می + نوشت + ◌ می + نوشت + ند

ماضی مستمر : ماضی مستمر فعل را در شرف اتفاق افتادن یا در حال اتفاق افتادن در زمان گذشته نشان می دهد و فعلی است که به جریان انجام عملی در گذشته همراه کاری دیگر دلالت دارد.

مثال : داشتند شام می خوردند که علی وارد شد.

داشتم می افتادم که دوستم مرا کشید .

داشت کتاب می خواند که صدای بلندی آمد .

نحوه ی ساختن فعل ماضی مستمر به این شکل می باشد : داشت + شناسه + می + بن ماضی + شناسه

داشت فعل کمکی ماضی مستمر می باشد که قبل از خودش می آید . مثلا از مصدر آوردن

داشت + ـَم + می + آورد + ـَم **داشت + یم + می +آورد + یم**

داشت + ـِ ی +می + آورد + ـِ ی **داشت + ید +می +آورد +ید**

داشت + ◌ + می آورد + ◌ **داشت + ند + می + آورد + ند**

پرسش های درس :

1- از مصدر ساختن ماضی استمراری سوم شخص مفرد بسازید.

2- از مصدر آمدن ماضی مستمر دوم شخص جمع بسازید.

3- شیخ فریدالدین عطار نیشابوری کتاب ..... را در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف نوشته است.

الف : توحید مفضل **ب: روضه خلد** **ج: قابوس نامه** **د: تذکره الاولیا**

4- فعل ماضی مستمر و ماضی استمراری را در جملات زیر مشخص کنید .

بچه ها در باغچه گل می کاشتند اما زهرا داشت تکالیفش را می نوشت .

5- معنی عبارات زیر را بنویسید.

الف : تا روز برپای بود . **ب: اگر یک دوست خفته است دوست دیگر بیدار است .**

6- معنی کدام واژه درست است ؟

رنجه : رنجیدن **صومعه : مدرسه** **مشقت : سختی** **جامع : اجتماع**

روان خوانی : دروازه ای به آسمان

محتوای درس : شروع تجاوز ناجوانمردانه ی دشمن تا دندان مسلح به مرز های ایران را توصیف کرده است و خرم شهر را نقطه شروع این مقاومت معرفی کرده است همچنین مردان آسمانی مانند شهید جهان آرا را نیز معرفی نموده است و پیوند انقلاب و جنگ را با باورهای دینی و حماسه حسینی به نمایش در آورده است .

نوع نثر : ساده و روان

تاریخ ادبیات : شهید سید مرتضی آوینی در سال 1326 متولد شد او نویسنده ، فیلمساز و سردبیر مجله سوره بود و از فیلم های او به روایت فتح میتوان اشاره کرد.او در سال 1372 در منطقه فکه به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

معنی واژه ها و ترکیب ها		
مردان مرد : شجاعان ، دلاوران	قافله : کاروان	ملحق : پیوسته
پندار: تصور ، گمان	حقیقت : راست ، درست	محفوظ : حفظ شده
می انگارند : تصور می کنند	رشید : دلیر ، شجاع	بی وقفه : بدون توقف
نظاره : نگاه تماشا	ققنوس وار : مانند ققنوس	باژگونه : واژگونه
مظهر : تماشا گاه	مقر : قرارگاه	تداعی : به یاد آوردن
منتهی : آخر ، پایان	عشاق : عاشقان	استقرار: آرام گرفتن ، قراریافتن
حسرت : افسوس ، ناراحتی از نداشتن چیزی	معارج : نردبان ها	رزم آوران : جنگ جویان
منظر : جای نگریستن ، چشم انداز	معراج : به بالا رفتن ، تکامل	سلاله : نسل ، برگزیده

آرایه ها :

زمین و آسمان : تضاد و مراعات نظیر

جسم شهر : اضافه استعاری

در خود گرفت : کنایه

جنگ آتش را برجسم افکنده : تشخیص

به گل نشست : کنایه از متوقف شدن

رودخانه نظاره کرد : تشخیص

ققنوس وار : تشبیه

عقل ما را می کشاند : تشخیص

خرمشهر : نماد مقاومت

خرمشهر مانند شقایقی خون رنگ : تشبیه

داغ جنگ بر سینه داشتن : کنایه از درد و رنج و غم و اندوهی که از جنگ دیده است.

نقش های دستوری :

پندار : ساده (بن مضارع پنداشتن که کاربرد اسمی پیدا کرده است)

آن جوان بسیجی دیگر جوان نیست . جوانی او نیز در شهر آسمانی خرمشهر مانده است . آن : صفت اشاره
دیگر : قید نیز : قید

یک روز ناگهان از آسمان آتش بارید .

یک روز : قید ناگهان : قید از آسمان : متمم قیدی آتش : نهاد

ققنوس وار : وار پسوند شباهت است و ققنوس وار مشتق است .

فصل پنجم : اسلام و انقلاب اسلامی

علم دین، جام گلشن جان است نردبان، عقل و حسّ انسان است.

واژه های سخت :

گلشن : گلستان، گلزار (گل +شن) نردبان : وسیله بالارفتن حس: درک دریافت، فهم

بام : پگاه ، بامداد

معنی و مفهوم بیت: دین باعث شادابی و نشاط جان می شود. انسان دین دار عقل و فهم و درک خوبی دارد.

دانش ادبی : قافیه : جان، انسان ردیف : است آرایه : مراعات النظیر

آرایه : تشبیه : جان انسان به گلشن تشبیه شده است. بین کلمات : عقل ، علم

تاریخ ادبیات : حدیقه سنایی : فخری نامه، الهی نامه یا حدیقه سنایی

عرفانی – اخلاقی در قالب مثنوی است دارای 10 باب و اولین منظومه عرفانی زبان فارسی است.

ترکیب های اضافی : علم دین – گلشن جان – عقل انسان – حس انسان

درس دوازدهم : پیام آور رحمت

اهداف آموزشی :

1 – تقویت مهارت های خوانداری با لحن مناسب (عمل)

2 – تقویت توجه به کاربست آموزه های محتوایی درس ، در زندگی روزمره (اخلاق)

3 – آشنایی بیشتر با احادیثی از پیامبر اسلام (ص) در زمینهٔ کردار و رفتار نیکو (علم)

4 – توانایی مقایسهٔ رفتارهای روزمرهٔ خود با معیارهای درس (تفکّر)

5 – شناخت فعل های ماضی بعید و ماضی التزامی (علم)

6 – تقویت باور ایمان نسبت به آموزه های تربیتی ، اخلاقی و فرهنگی (ایمان)

7 - تقویت کاربست آموزه های محتوایی متن درس فعالیت های نوشتاری ، گفتاری و رفتاری فراگیران (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روشن سازی طرز تلقّی

– روش کارایی گروه

– روش بارش مغزی و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ،عکس ، فیلم و ...

در ارائهٔ این درس چنانچه تصاویر یا بخش هایی از فیلمی مانند : « محمّد رسول الله » به نمایش درآید ، تدریس را اثر گذارتر می سازد .

عنوان درس: پیام آور رحمت خوانش صحیح با لحن و آوایی مناسب متن تعلیمی

نوع متن درس: نثر

محتوای درس: ادبیات تعلیمی یا اندرزی

پیام درس: ارزشمند دانستن وقت و زمان و استفاده بهینه از دوره جوانی، تندرستی و کمک به هم نوع می باشد و ذکر برخی از صفات شایسته و صفات بد.

کلمات سخت متن:			
سعادت: خوشبختی	طنین: صدا، آواز	گنجینه: مخزن	کردار: اعمال، رفتار
سرشار: لبریز	فراتر : جلوتر، پیش تر	آبشخور: سرچشمه	دارایی: ثروت
حکمت: دانش	مشتاق: آرزومند	اعظم: بزرگوار	غنیمت: ارزشمند
تندرستی: سلامتی	آسایش: راحتی	پیامد: نتیجه	ناگوار : تلخ
امان : محفوظ	گشاده رو: خوشرو، خندان	تعالی: بلندمرتبه	تعالی: بلندمرتبه
رنجور: بیماری		قهر: دشمنی، کینه	

کلمات مترادف:			
حکمت / دانش	رحمت/سعادت	گنجینه : آبشخور	کردار: اعمال
گفته : سخنان	علم / دانش	آسایش/ راحتی	ناگوار: تلخ
امان: محفوظ		گشاده رو: خندان	

کلمات متضاد :			
جوانی / پیری	بیماری / تندرستی	بی نیازی / نیازمندی	گرفتاری / آسایش
زندگی / مرگ	علم / جهل	قهر / آشتی	

ترکیبات اضافی: کلام ایشان – پیام پیامبر – برادر مسلمانت

ترکیب وصفی : دینی جهانی – پیامبراعظم

پیام های ناگوار هم نشین نیک هم نشین بد کردارشایسته

کلمات هم خانواده:

غنیمت: غنایم – مغتنم – غنی ظاهر: مظاهر، مظهر، ظهر تعالی: عالی، متعالی، اعلا، علی

امان : امنیت، مأمن علم : عالم- معلوم – تعلیم

آرایه های ادبی : آرایه تضاد در سطر دوم – کلمات جوانی / پیری بیماری / تندرستی

بی نیازی / نیازمندی گرفتاری / آسایش مرگ / زندگی

آرایه کنایه = گشاده روی کنایه از خوشرو و خندان بودن

آرایه تشبیه : مانند کردن مومنان به یک تن و اعضا بدن

مفهوم = بنداول اینکه نیت و عمل انسان مهم است نه ظاهر و ثروت انسان

مفهوم بند دوم : ارزشمند دانستن وقت جوانی، تندرستی، راحتی و زندگی

مفهوم بند سوم: اینکه از روی جهل و نادانی به سوالی پاسخ ندهیم.

مفهوم بند چهارم : به اندازه سخن گفتن و مهربان بودن.

مفهوم بندپنجم: تأثیر هم نشین خوب و بد.

مفهوم بند ششم: احساس مسئولیت نسبت به هم نوع

مفهوم بندهفتم: دوری کردن از قهر و کینه

مفهوم بند هشتم: تلاش انسان برای پرهیز از گناه و معصیت

دانش زبانی

فعل ماضی : کلمه ماضی از مضی گرفته شده به معنی گذشتن.

فعلی است که انجام کار را در زمان گذشته نشان می دهد. بن ماضی فعل از مصدر منهای نون به دست می آید.

مثال : مصدرهای گفتن دیدن رفتن خواندن

گفتن : گفت دیدن : دید رفتن : رفت

فعل ماضی انواع مختلفی دارد که در این درس با دو نوع فعل ماضی آشنا می شویم.

1 – ماضی بعید : کلمه بعید : به معنای دور می باشد. فعلی است که انجام کاری را درزمان گذشته دور نشان می دهد.

فرمول ساخت ماضی بعید : بن ماضی فعل موردنظر + ه + فعل کمکی بود.

اول شخص مفرد: شنیده بودم اول شخص جمع : شنیده بودیم

دوم شخص مفرد : شنیده بودی دوم شخص جمع : شنیده بودید

سوم شخص مفرد: شنیده بود. سوم شخص جمع : شنیده بودند.

ماضی التزامی: فعلی است که انجام کاری را درزمان گذشته با تردید یا آرزو نشان می دهد.

فرمول ساخت: (صفت مفعولی فعل موردنظر(بن مای + ه) + فعلی کمکی باش + شناسه ها

شنیده باشم شنیده باشیم

شنیده باشی شنیده باشید

شنیده باشد شنیده باشند

نکته ادبی :

آرایه ادبی تضاد : به کاربردن کلماتی که از لحاظ معنا و مفهوم مخالف هم باشند.در نثر یا نظم

مثال: در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه ، سفید است.

نومیدی / امید سیه : سفید

آرایه کنایه : واژه کنایه = یعنی پوشیده سخن گفتن = به عبارت دیگر بعضی از عبارات دو معنی دربردارند یکی معنای دور یکی معنای نزدیک که هدف از به کاربردن عبارت اشاره به معنای دور می باشد نه نزدیک.

مثال : از خوشحالی قند در دلش آب شده = قند در دل کسی آب شدن یعنی خوشحال شدن

آرایه تشبیه : مانندکردن چیزی به چیز دیگر در داشتن صفتی مشترک.

تشبیه از چهارقسمت تشکیل شده که عبارتند از

1 – مشبه : تشبیه شده 3 – وجه شبه : دلیل شباهت و همانندی

2 – مشبه به : تشبیه شده به آن 4 – ادات تشبیه : کلمه هایی که شباهت را برقرار می کند.

مثال : جوانان ما در برابر دشمن مانند کوه مقاومت کردند.

مشبه : جوانان مشبه به : کوه وجه شبه : مقاومت و ایستادگی ادات تشبیه: مانند

حکایت : سیرت سلمان

سلمان : از صحابه پیامبر(ص) ، نام اصلی وی : روزبه و ایرانی بود.

نوع متن درس: نثر

پیام : تواضع و فروتنی

پیام کلی : متواضع و فروتن بودن در زندگی ، برخورد خوب و مؤدبانه با زیردستان و فریفته جاه و مقام نشدن.

واژه ها : امیر: فرمانده رعایا: جمع رعیت – مردم حقیر: کوچک، خوار- ذلیل

خادم : خدمت کار

می نمود : جلوه می کرد، نشان می داد (فعل ماضی استمراری وجه : دلیل

خادمی- یک خادم (ی نشانه نکره است) توبره : کیسه بزرگ در قدم وی افتاد: به دست و پای وی افتاد.
پشیمان شد. بر: فعل امر دفع : رفع شدن – از بین رفتن

ازبهر : برای

ترکیبات اضافی – توبره کاه – لشکرگاه سلمان

کلمات هم خانواده – خادم – خدمت – خدمه – مخدوم امیر: امرا – امارت – امر

معنی و مفهوم حکایت :

سلمان فارسی فرمانده لشکری (سپاهی) بود . طوری در بین مردم با فروتنی زندگی می کرد. که یک زمانی یکی از خدمتکاران با وی برخورد کرد. چون وی را نمی شناخت. گفت : این کیسه کاه را بردار و به اردوگاه سپاه سلمان ببر.

وقتی که به اردوگاه رسید. مردم گفتند: این فرمانده است. آن خدمتکار ترسید و به دست و پای امیر افتاد و اظهار پشیمانی کرد.

سلمان گفت : به سه علت این کار را برای رضایت خودم انجام دادم. نه برای تو، ناراحت نباش و اصلاً نترس.

اول : آنکه غرور از من دور شود. (غرورم از بین برود.) دوم: آنکه تو خوشحال شوی.

سوم : آنکه نسبت به زیردستان خود انجام وظیفه کرده باشم.

پرسش های درس 12 و حکایت سیرت سلمان.

1 - منظور از قسمت مشخص شده چیست ؟

« گشاده روی و خندان باش که خدای تعالی، گشاده روی و آسان گیر را دوست دارد.

الف) همیشه بخند ب) مهربان باش ج) چهره گشاده داشته باش د) صمیمی باش

2 - « مثل مؤمنان، جمله چون یک تن است» کدام گزینه درباره وجه شبه صحیح می باشد؟

الف) اعضای تن ☐ ب) احساس مسئولیت نسبت به دیگران ☐

ج) باهم بودن انسان ها ☐ د) به فکر دیگران بودن ☐

3 - در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

الف) خداوند متعال به سیمای ظاهر نمی نگرد ☐ ب) ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی ☐

ج) بگو نمی دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در عمان باشی ☐ د) مبادا با برادر مسلمانت قهرکنی ☐

4 - در کدام گزینه ترکیب اضافی به کار رفته است؟

الف) کردار شایسته ☐ ب) هم نشین نیک ☐ ج) اندازه نیاز ☐ د) خداوند متعال ☐

5 - در کدام گزینه «فعل مضارع اخباری سوم شخص مفرد» آمده است؟

الف) شود ☐ ب) نمی دانم ☐ ج) می نگرد ☐ د) گفته است ☐

6- ساختمان کدام گزینه جمع می باشد.

الف) رعایا ☐ ب) خادم ☐ ج) لشکر ☐ د) امیر ☐

7 - در عبارت « مؤمن برای رهایی از گناه و نافرمانی، بیش از گنجشک در قفس تلاش می کند» چند متمم وجود دارد؟

الف) 3 ☐ ب) 4 ☐ ج) 2 ☐ د) 6 ☐

8 - در عبارت « ای ابوذر، مبادا با برادر مسلمانت قهرکنی، زیرا کردار شایسته در هنگام قهر به درگاه پروردگار پذیرفته نمی شود.» گروه اسمی به همراه وابسته های آنها را مشخص کنید و نوع وابسته ها را بنویسید.

9 - ارتباط معنایی واژه ها در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

الف) آسایش / راحتی ☐ ب) رنجور / تندرستی ☐

ج) قهر / آشتی ☐ د) مرگ / زندگی ☐

10- در کدام گزینه (بن فعل) به کار نرفته است؟

الف) کردار ☐ ب) پروردگار ☐ ج) گرفتار ☐ د) متعال ☐

درس سیزدهم : آشنای غریبان ، میلاد گل

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی بیشتر دانش آموزان با دو امام بزرگوار ، امام رضا (ع) و حضرت مهدی (عج) در قالب نظم (علم)

2 – تقویت و رشد باورهای مذهبی و فرهنگی (ایمان)

3 – آشنایی بیشتر دانش آموزان با ردیف و انواع آن در شعر فارسی (علم)

4 – تقویت مهارت درست خوانی شعر با لحن های مناسب هر متن (عمل)

5 – رعایت آموزه های اخلاقی ، دینی و فرهنگی در زندگی فردی و اجتماعی (اخلاق)

6 – توانایی درک پیام های متن درس و تحلیل آنها (تفکّر)

7 - تقویت کاربست آموزه های درس در مهارت های گفتاری، نوشتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روش کارایی گروه

– روش پرسش و پاسخ

– روش تدریس اعضای گروه و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

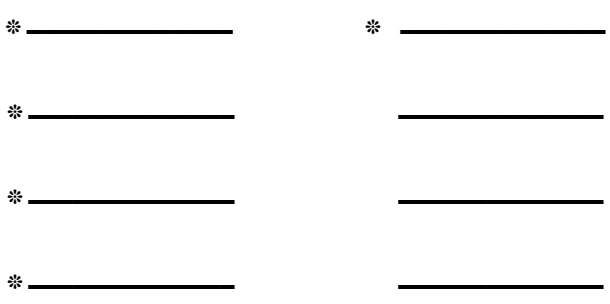
کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ،عکس ، فیلم و ...

در ارائۀ این درس چنانچه تصاویر یا بخش هایی از فیلمی مانند : « ولایت عشق » و ... به نمایش درآید ، تدریس را اثر گذارتر می سازد .

قالب شعر : غزل

تعریف غزل : شعری که بیت اول آن با مصراع های دوم بیت های بعد هم قافیه است .

نمودار غزل :



موضوع غزل : عشق – عرفان – گفت و گو از ایام جوانی – غزل های جدید با موضوع اجتماعی

تعداد ابیات غزل : بین 5 تا 13 – 14 بیت است

غزل سرایان معروف : حافظ – سعدی – مولانا و ...

غزل و قصیده از جهت قرار گرفتن قافیه شبیه به هم هستند و از نظر تعداد ابیات (تعداد ابیات قصیده از غزل بیشتر است) و موضوع متفاوت هستند .

قافیه های شعر آشنای غریبان :

بیت اول : خروشان – پریشان

بیت دوم : بیابان

بیت سوم : باران

بیت چهارم : شهیدان

بیت پنجم : غریبان

بیت ششم : خراسان

ردیف : تو را می شناسند

پیام شعر : این شعر در وصف و بزرگی امام رضا (ع) امام هشتم سروده شده است و شکوه و لطافت و مهربانی و غریب بودن او را ستایش می کند .

لحن شعر : این شعر با لحن عاطفی خوانده می شود . لحن عاطفی در شعر و نثر فارسی کاربرد گسترده ای دارد . این لحن با کشش آوایی و نرمی اهنگ کلام و تکیه و درنگ های مناسب همراه است و با عواطف و احساسات لطیف بازگو می شود .

واژه های شعر	
خروشان : پر سر و صدا	پریشان : آشفته
رخصت : اجازه	رویش : روییدن
طراوت : شادابی	زین سبب : به این علت
اینک : اکنون	فصل : زمان
غریبی : نا آشنا بودن	سر آمد : پایان یافت

معنی بیت :

بیت 1 : چشمه های خروشان و موج های آشفته با تو آشنا هستند .

بیت 2 : تو برای انسان های تشنهٔ معرفت و شناخت ، همانند آب ارزشمند هستی که آن ها را سیراب می کند . ریگ های بیابان هم ارزش تو را می دانند .

بیت 3 : ای امام رضا (ع) نام تو اجازهٔ روییدن و شادابی است به این علت تمام گیاهان و قطره های باران تو را می شناسند . (گیاهان و قطر های باران ، شادابی خود را از تو گرفته اند)

بیت 4 : ای امام رضا (ع) تو همهٔ انسان های خوب و شایستهٔ این جهان را می شناسی و تمام شهیدان هم وجود پاک تو را درک کرده اند .

بیت 5 : ای امام خوب ما ، اکنون زمان غریبی و تنهایی به پایان رسید ، زیرا تمام انسان های غریب تو را می شناسند .

بیت 6 : ای کاش آن زمانی که از خراسان عبور می کردی من هم بودم و مانند مردم خراسان حضور تو را می دیدم و درک می کردم .

آرایه ها و نکات دستوری بیت ها :

بیت 1 : تشخیص ← چشمه و موج ها تو را می شناسد / چشمه ، خروشان و موج ← مراعات نظیر (تناسب)/

تکرار« ش» ← واج آرایی / خروشان و پریشان ← صفت

بیت 2 : آرایه : مانند آب و جواب هستی ← تشبیه (امام رضا (ع) مشبه و آب و جواب ← مشبه به) / تشنگی و آب ← تضاد- مراعات نظیر (تناسب)

ریگ ها می شناسند ← تشخیص/ ریگ و بیابان (مراعات نظیر)

نکتهٔ دستوری : « ی » در آب و جواب ، فعل اسنادی به معنی « هستی » است / « را » در مصراع اول به معنی « برای » حروف اضافه است و در مصراع دوم نشانهٔ مفعولی

بیت 3 : آرایه : رویش ، برگ ، طراوت و باران ← مراعات نظیر / برگ و باران می شناسند ← تشخیص

بیت 4 : آرایه ها : گل ← منظور (استعاره) از انسان های پاک و خوب / باغ ← استعاره از دنیا / گل و باغ ← مراعات نظیر

بیت 5 : فصل غریبی ← اضافه تشبیهی / سر آمدن ← کنایه از پایان یافتن

بیت 6 : کوچه های خراسان می شناسند ← تشخیص / تلمیح به سفر امام رضا

نکتهٔ دستوری : دیده بودم ← ماضی بعید / کوچه ← ساده / کاش← شبه جمله (صوت)

میلاد گل و بهار جان

قالب شعر : غزل

لحن خوانش شعر : لحن شاد و شوق انگیز ، دارد این لحن شنونده را شاداب می کند .

محتوای شعر : این درس در مورد توصیف میلاد حضرت مهدی (عج) است . در این شعر ، شاعر به تمام عاشقان حضرت مهدی مژده می دهد که زمان میلاد فرا رسیده است و آمادهٔ فرمان حضرت مهدی باشید تا جهان با فرمانش از ظلم و ستم رها شود .

قافیه ها و ردیف :

بیت اول : جان – می کشان ← قافیه / آمد ← ردیف

بیت دوم :جان / بیت سوم : آسمان / بیت 4 : جهان

واژه های شعر			
میلاد : تولد		خرقه : لباس ، جامهٔ عارفان و درویشان	
می کشان : باده نوشان در این بیت به معنی عارفان و عاشقان امام زمان است .			عیش : خوشی
سلطان : پادشاه	نهی : منع	هشدار : اگاه باش	منجی : نجات بخش

معنی بیت ها :

1 – میلاد حضرت مهدی (عج) فرا رسید و وجود عاشقانش را پر از شادی و نشاط کرد . برخیز ، زیرا زمان خوشی و شادابی است .

2 – گوشه نشینی و افسردگی را رها کن ، زیرا با تولد امام زمان (عج) تمام مردم جهان ، روح و جان تازه ای گرفتند .

3 – تمام هستی ، به خاطر تولد سرور آسمان و زمین ، امام زمان (عج) شاد و زیبا شد .

4 – آگاه باش که امام زمان (عج) نجات بخش مردم به دنیا آمده است . بنابراین با تمام وجود آمادهٔ اجرای دستور امر او باش .

آرایه های شعر

بیت اول : گل و بهار جان ← استعاره از حضرت مهدی (عج) ← بهار و گل /عید ، میلاد ← مراعات نظیر / می کشان ← استعاره از عارفان و عاشقان

نکتهٔ دستوری برخیز ← فعل امر / می کشان ← واژهٔ مرکب بیت سه جمله است .

بیت دوم : آرایه ها ⇐ جان و جهان ← جناس / تکرار « ج » ← واج آرای / جهان ← مردم

بیت سوم : آرایه ⇐ گلزار ، عیش و لاله ← مراعات نظیر / سلطان منظور حضرت مهدی / زمین و آسمان ← تضاد ، مراعات نظیر و منظور تمام هستی

نکتهٔ دستوری گلزار ← مشتق / سلطان و زمین و اسمان ← دو ترکیب وصفی ← سلطانِ زمین – سلطانِ اسمان

بیت چهارم : آرایه ها ⇐ امر و نهی ←تضاد / جهان ← مردم جهان

نکتل دستوری : آمادهٔ امر و نهی و فرمان ← گروه مسندی (آماده ← هستهٔ بقیهٔ واژه ها ، وابسته پسین هستند) / هشدار ر شبه جمله

تاریخ ادبیات : قیصر امین پور – شاعر برجستهٔ انقلاب اسلامی است . آثار او : به قول پرستو ، در کوچهٔآفتاب ، تنفس صبح ، آیینه های ناگهان

پرسش هایی از درس

1 – بیت های زیر را معنی کنید :

آمادهٔ امر و نهی و فرمان باش هشدار که منجی جهان امد

اینک ای خوب ، فصل غریبی سر آمد چون تمام غریبان تو را می شناسند

2 – کلمه های مشخص شده را معنی کنید ؟

میلاد گل و بهار جهان آمد .

گلزار ز عیش لاله باران شد .

نام تو رخصت رویش است و طراوت

هم تو گل های این باغ را می شناسی

4 – در همهٔ بیت ها ،« شبه جمله » آمده است به جز ...

1) اینک ای خوب ! فصل غریبی سر آمد چون تمام غریبان ، تو را می شناسند

2) کاش من هم عبور تو را دیده بودم کوچه های خراسان تو را می شناسند

3) آمادهٔ امر و نهی و فرمان باش هشدار که منجی جهان آمد

4) خاموش مباش زیرا این خرقه بر جان جهان ، دوباره جان آمد

5 – نقش دستوری واژه های مشخص شدل بیت زیر ، در کدام گزینه درست آمده است ؟

پرسش تشنگی را تو آبی ، جوابی ریگ های بیابان تو را می شناسند

1) مفعول – نهاد – نهاد – مفعول 2) متمم – نهاد – مضاف الیه – مفعول

3) متمم – مسند – مضاف الیه – مفعول 4) مفعول – مسند – نهاد – متمم

6 – بیت « میلاد گل و بهارِ جان آمد / برخیز که عید می کشان آمد » به چه چیزی اشاره دارد ؟

1) مبعث پیامبر 2) میلاد حضرت مهدی 3) فرا رسیدن بهار 4) عید غدیر خم

7 – معنی واژه های مشخص شدهٔ مصراع های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟

برخیز که عید می کشان آمد / خاموش مباش زیر این خرقه / گلزار ز عیش لاله باران شد / هشدار که منجی جهان آمد .

1) باده نوشان – لباس – زیبایی – آگاه باش – نجات دهنده

2) عارفان – لباس – خوشی – آگاه باش – نجات بخش

3) شراب نوشان – خانه – شادابی – به هوش باش – نجات یافتن

4) عارفان – خانه – خوشی – به هوش باش – نجات بخش

8 – تمام آثار زیر از قیصر امین پور است به جز ...

1) در کوچهٔ آفتاب 2) تنفس صبح 3) آیینه های ناگهان 4) از آسمان سبز

9 – آرایهٔ مقابل کدام گزینه نادرست است ؟

1) ریگ های بیابان تو را می شناسند ← تشخیص

2) پرسش تشنگی را تو آبی ، جوابی ← تشبیه

3) اینک ای خوب فصل غریبی سر امد ← کنایه

4) هم تو گل های این باغ را می شناسی ← تشبیه

10 – در کدام مصراع برای کلمهٔ « ولادت » هم خانواده وجود دارد ؟

1) سلطان و زمین و آسمان آمد 2) برخیز که عید می کشان امد

3) میلاد گل و بهار جان آمد 4) کاش من هم عبور تو را ددیده بودم

نکته ادبی

ردیف : به کلمه یا کلمه هایی گفته می شود که از نظر خواندن ، نوشتن و معنی ، یکسان باشند و عیناً پس از قافیه بیایند و تکرار شوند . مانند :

یاد باد آن که زما وقت سفر یاد نکرد به وداعی دل غم دیدهٔ ما شاد نکرد

قافیه ردیف قافیه ردیف

به بیتی که دارای ردیف باشد ، مُرَدَّف می گویند .

ردیف ، علاوه بر این که آهنگ و موسیقی شعر را افزایش می دهد و تکراری زیباست پیوندهای جدیدی با واژگان بیت ها به وجود می آورد و ظرفیت معنایی شعر را افزایش می دهد .

انواع ردیف :

1 – ردیف به صورت « صفت » :

شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه

ردیف (صفت) ردیف (صفت)

2 – ردیف به صورت « حرف » :

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

ردیف (حرف) ردیف (حرف)

3 – ردیف به صورت « فعلی » :

دمی باغم به من سر بردن ، جهان یکسر نمی ارزد به می بفروش دلق ما ، کزین بهتر نمی ارزد

ردیف (فعل) ردیف (فعل)

4 – ردیف به صورت «جمله یا عبارت » :

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

قافیه ردیف قافیه ردیف

می فکن بر صفِ رندان نظری بهتر از این بر در میکده ، می کن گذری بهتر از این

قافیه ردیف قافیه ردیف

آوردن ردیف در شعر اختیاری است ، یعنی بعضی بیت ها دارای ردیف و بعضی دیگر بدون ردیف ، اما وجود قافیه اجباری است .

ردیف بعد از قافیه تکرار می شود ، اگر کلمه هایی به یک شکل و معنی قبل از قافیه تکرار شوند ، ردیف نیستند .

اگر دو کلمه از نظر نوشتن یکسان اما در معنی متفاوت باشند و در آخر مصراع ها بیایند ، قافیه به حساب می آیند نه ردیف مانند :

گلاب است گویی به جویش ، روان همی شاد گردد زبویش ، روان

روان در مصراع اول به معنی « جاری » و « رونده » و در مصراع دوم به معنی روح و جان است ، این دو کلمه با هم قافیه هستند نه ردیف

تمرین مربوط به ردیف

در شعر زیر قافیه و ردیف را پیدا کنید و نوع ردیف را بنویسید .

دیده فرو بسته ام از خاکیان تا نگرم جلوهٔ افلاکیان

آب بزن چشم هوسناک را با نظر پاک ببین خاک را

خوی که گیرد نظر پاک باش راز گشایندهٔ افلاک باش

آن که تو داری سرِ سودای او برتر از این پایه بود جای او

ذرهٔ سرگشتهٔ خورشید عشق مرده ، ولی زندهٔ جاوید عشق

2 – در بیت زیر ، واژه های « زیان » و « زیان » ردیف هستند ؟

طمع دار سود و بترس از <u>زیان</u> که بی بهره باشند فارغ <u>زیان</u>

نه ردیف نیستند چون زیان اول به معنی « ضرر » و زیان دوم به معنی « زندگان » است .

درس چهاردهم : پیدای پنهان

اهداف آموزشی :

1 – تقویت توانایی دریافت مفهوم کلی متن و اجزای آن (تفکّر)

2 – تقویت توجّه مثبت به ارزش ها و آموزه های اسلامی (ایمان)

3– خوانش متن با لحن مناسب (عمل)

4 – آشنایی بیشتر نسبت به نظم و هماهنگی در ساختارجهان آفرینش (علم)

5 – به کارگیری رفتارهای مناسب اخلاقی با پیروی از پیشوایان دینی (اخلاق)

6 – آشنایی بیشتر با قید در ساختار جمله (علم)

7 – کاربست آموزه های محتوایی متن درس در حوزهٔ مهارت های نوشتاری ،گفتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روشن سازی طرز تلقّی

– بارش فکری

– کارایی گروه و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس ، تخته ، گچ ، ماژیک ، عکس ، فیلم و ...

در ارائهٔ این درس چنانچه تصاویر یا فیلم هایی کوتاه دربارهٔ شگفتیها و نظم جهان به نمایش درآید ، تدریس را پویاتر می سازد .

این درس نوعی نثر ساده و روان است .

پیام درس : درس پیدای پنهان دربارهٔ اقرار به قدرت و توانایی های خداوند است ، امام جعفر بن محمد (ع) به شاگردش می فرماید : تمام چیز هایی که در طبیعت وجود دارد از نظم خاصی برخوردار هستند و همهٔ این پدیده ها از یک منشأ واحد (خداوند بلند مرتبه) سرچشمه می گیرند . نشانه هایی که در طبیعت و عالم هستی وجود دارند . دلیل بر عظمت و یگانگی خداوند هستند .

واژه های درس			
فروغ : روشنایی	متانت : سنگینی در رفتار	مزار : آرامگاه	اندوهناک : غمگین
در ضمن در میانِ ، همراه	ماجرا : داستان	نبوت : پیامبری	خلقت : آفرینش
تدبیر : چاره اندیشی	جمیع : همه ف تمام	تأمل : اندیشیدن	قائل : سخن گو
اراده : خواست	جراحت : زخم	شُش : ریه	بادزن : باد بزن
تلف کردن: هدر رفتن	قوه : استعداد	خلل : صدمه ، آسیب	نفع : سود
مصیبت : رنج و سختی	کینه : دشمنی	مصلحت : خیر اندیشی	سایر : بقیه
حیا : خجالت	امور : جمع امر ، کارها	صلهٔ رحم : پیوند با خویشان	احسان : نیکی کردن
معاصی : جمع معصیت ، گناهان	علیم : دانا	صلاح : خیر	منع : جلوگیری
شأن : مرتبه	بقا : پایداری	بدان : آگاه باش	تواضع : فروتنی کردن
تضرع : زاری کردن	صدقات : جمع صدقه	مساکین : جمع مسکین ، نیازمندان	عافیت : تندرستی
خضوع : فروتنی	دست می گشاید : کنایه از اقدام به کاری کردن	حکیم علیم : خداوند دانا	موافق : مطابق ، برابر ، همراه
حکمت : دانش	مولا : سرور	معرفت : شناخت	حمد : ستایش

معنی بعضی از جمله های دشوار درس

❁ جهان جمله فروغ روی حق دان حق اندروی ز پیدایی است پنهان

معنی : تمام پدیده های جهان نمایانگر وجود عظمت خداوند است . خداوند از شدت آشکاری در پدیده ها، پنهان به نظر می رسد .

❁و نعمت فراموشی در آدمی ، اگر تأمل کنی ، عظیم تر است از نعمت یادآوری ،

معنی : اما نعمت فراموش کردنِ اتفاقات در انسان ، اگر اندیشه کنی بزرگ تر از نعمت به خاطر آوردن است .

آرایه : فراموشی و یادآوری ← تضاد

❁چه کسی دل را در میان سینه قرار داده و پنهان کرده و پیراهنی که آن پردهٔ دل است بر روی آن پوشانیده و دنده ها را بر بالای آن حافظ گردانیده .

معنی : جملهٔ « پیراهنی که آن پردهٔ دل است » به این مطلب اشاره دارد که قلب در میان دو لایه « پرده » قرار گرفته است تا راحت تر کارش را انجام دهد در حقیقت این پرده مانند پیراهنی است که قلب را در بر گرفته و از آن محافظت می کند .

آرایه : پردهٔ دل مانند پیراهن ← تشبیه

پیدای پنهان ← پارادکس قرار دادن دو مفهوم متضاد در کنار هم مانند ← آشنای غریبان

معنی برخی عبارات متن :

زیاده از این ← بیشتر از این

ابتدا می کنم ← آغاز می کنم

حرارت در دل جمع نشود ← دمای بدن بالا نرود

تاریخ ادبیات : شیخ محمد شبستری : از عارفان مشهور قرن هشتم و از علما و فضلای تبریز است و نوشته ها و سروده هایی در زمینهٔ عرفان اسلامی دارد . معروف ترین اثر شعری او ، مثنوی « گلشن راز » است .

مجلسی ، محمد باقر : بزرگ ترین و معروف ترین دانشمندان دورهٔ صفوی است . در قرن 11 و 12 ه . ق زندگی می کرد . معروف ترین اثر او « بحار الانوار » است .

نکتهٔ زبانی

قید

به کلمه یا ترکیب هایی که مفهومی را به فعل جمله می افزاید ، قید گفته می شود . قیدها در جمله ، نقش اصلی ندارند و قابل حذف هستند .

مثال : ابوریحان دوباره پرسید او آهسته می رود

قید تکرار قید چگونگی

راه تشخیص قید :

1 – قید اگر از جمله حذف شود به معنی جمله ، آسیبی نمی رسد .

او الان رفت ⇐ با حذف قید ← او رفت➔معنی جمله کامل است).

2 – قبل و بعد از قید ، کسره (ـِ) قرار نمی گیرد ،

آن ها ، آهسته ، کارها را انجام می دهند .

واژۀ آهسته ، در میان دو ویرگول قرار گرفته و بدون کسره است .

انواع قید از لحاظ معنی و مفهوم

1 – قید زمان : دیروز ، امروز، فردا ، پیوسته ، همیشه ، دیشب ، امشب ، عصر ، ظهر و .... هر کلمه ای که مفهوم زمان را برساند . در صورتی که نتوان نقش دیگری برای آن در جمله تعیین کرد . قید زمان است .

مانند ← « چند دقیقه» همان جا که پیاده شده بود ، ایستاد .

2 – قید مکان : این جا ، آن جا ، نزدیک ، بالا ، پایین ، چپ ، راست

3 – قید چگونگی (کیفیت) : خوب ، زشت ، زیبا ، به سرعت ، به کندی و ... سایر کلمات مشترک با صفت .

او <u>آرام</u> سخن می گفت .

قید چگونگی

قید کیفیت ، چگونگی انجام گرفتن فعل را می رساند و با سؤال « چگونه » مشخص می شود . مانند مثال بالا ← او چگونه سخن می گفت ← آرام (قید کیفیت)

4 – قید حالت : این قید ، حالت و چگونگی نهاد یا مفعول را در موقع انجام دادن یا انجام گرفتن کار می رساند . مانند : علی « خندان » آمد .

واژه ها یی مانند « نالان ، گریان ، خوشحال ، غمگین ، پریشان و ... قید حالت هستند .

5 – قید پرسشی : کلمات پرسشی « کی ، کجا ، چرا ، مگر ، چون .

مثال : <u>چطور</u> من می توانستم روی پاهایم ایستاده باشم ؟

قید پرسشی

6 – قید تکرار : دوباره ، باز ، از نو ، از دوباره ، دو مرتبه ، مجددا ، باز هم .

مانند : « هی» می بویید و « هی » نوازش می کرد .

عالم پیر « دگر باره » جوان خواهد شد .

7 – قید تأکید : البته ، قطعاً ، حتماً ، هر آیینه ، یقیناً ، به راستی ، راستی ، واقعاً ، به طور حتم .

مانند : « راستی » اگر آن جمعیت مرا می دیدند با من چه می کردند ،

8 – قید نفی : هرگز ، هیچ وقت ، ابداً ، اصلاً به هیچ رو ، به هیچ وجه ، خیر . مانند :

« هرگزم » نقش تو از لوح دل و جان نرود

« هرگز » از یاد من ان سرو خرامان نرود .

9 – قید تردید : شاید ، احتمالاً ، گویا ، به گمانم.

مانند : « احتمالاً » به مسافرت رفته اند .

« شاید » این آب روان می رود پای سپیداری ، تا فرو شوید اندوه دلی

10- قید آرزو (تمنا) : کاش ، کاشکی ، ای کاش ، ان شاء الله

مانند : لطفاً صبر کن ،« ان شاء الله » به نتیجه خواهی رسید .

گاهی یک کلمه ، در جمله های مختلف ، نقش های گوناگون می پذیرد مانند کلمۀ « امروز » و « خوب » در جمله های زیر :

به نقش دستوری واژۀ امروز توجه کنید .

1 – امروزِ من ، به سختی گذشت ← امروز (نهاد)

2 – امروز را به فردا مسپار ← امروز (مفعول)

3 – آن ها ، امروز ، تلاش می کنند ← امروز (قید)

4 – درسِ امروز ، جذاب بود ← امروز (مضاف الیه)

اکنون به واژۀ خوب در جمله های زیر توجه کنید .

دوستِ خوب من از راه رسید. (خوب ← صفت)

حال او ، خوب است . (خوب ← مسند)

او خوب می دوَد . (خوب ← قید)

تمرین قید

1 – در عبارت های زیر قید را پیدا کنید و نوع آن را بنویسید ؟

چون رابعه ، بزرگ شد ، پدر و مادرش مردند .

در سینه ام ، دوباره غمی جان گرفته است .

امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است .

باز بنفشه رسید جانب سوسن ، دو تا

2 – در کدام گزینه ، واژۀ مشخص شده قید است ؟

1) امسال ، سال شادی و امروز روز گل .

2) زیبا شود به کارگه عشق ، کار ما .

3) فردا که نیامده است بیداد مکن .

4) هر سال که نو بهار از خواب به پا خیزد .

3 – در عبارت « شاپرک ، مؤدبانه گفت : اسم تو را فراموش نکرده ام ، کلمۀ « مؤدبانه » چه نوع قیدی است ؟

1) تأکید 2) کیفیت 3) آرزو 4) تکرار

پرسش های درس

1 – کلمه های مشخص شده را معنی کنید ؟

زیرا معلوم است که طبیعت را شعور و اراده نیست .

پس به خدا قائل شده اند .

همچنین اگر در جمیع اعضا تأمل کنی ، می بینی هر یک برای کاری خلق شده اند .

چه خلل ها داخل می شد در امور زندگانی و کارهای او

2 – جمله های زیر را معنی کنید .

ابتدا می کنم ای مفضل : حرارت در دل جمع نشود:

و نعمت فراموشی در آدمی ، اگر تأمل کنی ، عظیم تر است از نعمت یادآوری :

3 – پیام یا محتوای درس را بنویسید ؟

4 – در عبارت زیر ، کدام فعل بیشتر به کار رفته است ؟

« تأمل کن ای مفضّل ، در مصلحت پنهان کردن عمر هر کس از او زیرا که اگر مقدار عمر خود را بداند ، زندگی برای او ناگوار خواهد بود . و اگر بداند که عمرش دراز خواهد بود ، امید بقا خواهد داشت .

1) مضارع التزامی 2) فعل امر 3) مضارع اخباری 4) فعل آینده

5 – معنی کدام گزینه نادرست است ؟

1) صلحۀ رحم : پیوند با خویشان 2) معاصی : گناهان 3) حیا : شرمساری 4) بقا : ارزشمندی

6 – در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد ؟

1) مفضّل ، روزی در نزدیک مزار شریف پیامبر (ص) نشسته بود ، دید شخصی در ضمن صحبت هایش وجود خدا و نبوت را رد می کند .

2) همچنین اگر در جمیع اعضا تأمل کنی می بینی هر یک برای کاری خلق شده اند .

3) اگر گویند که طبیعت را علم و اراده نیست ، پس معلوم است که این کارها از طبیعت بی شعور ، صادر نمی شود.

4) حق پدر و مادر را نیز به جای نمی آورند و سلۀ رحم و احسان به خویشان نمی کردند .

شعر خوانی « بود قدر تو افزون بر ملائک »

قالب شعر : دو بیتی

از قالب های ریشه دار شعر پارسی است . از چهار مصراع تشکیل شده است که همه بر یک قافیه هستند (جز مصراع سوم که آوردن قافیه در آن اختیاری است)

دو بیتی و رباعی از نظر قرار گرفتن قافیه یکی هستند .

اما وزنشان متفاوت است .

دو بیتی سرایان معروف : بابا طاهر همدانی – فائز دشتستانی

قافیه های دو بیتی ها :

دوبیتی دوم: خریدار بازار

— تار

ردیف : محبت

دوبیتی دوم: درمانم هجرانم

— جانم

ردیف : دوست

****

دوبیتی سوم: بیش درویش

— بیش

****

دوبیتی چهارم: سُبحانی شیطانی

— نمی دانی

ردیف : چه حاصل

****

دوبیتی پنجم: سنگت تنگت

— ننگت

ردیف : آیو (آید)

واژه های شعر	
دیرُم : دارم	محبت : عشق
پود : هر یک از رشته هایی که در عرض پارچه و فرش بافته می شود .	محنت : رنج
تار : نخ های عمودی پارچه	وصل : ارتباط
هجران : دوری	واگره : کندن پوست
دولتمند : ثروتمند	درویش : تهی دست
غافل : بی خبر	سبحان : پاک ، منزه
مطیع : رام ، فرمانبر	نفس : ذات ، سرشت
قدر : ارزش	ملایک : جمع مَلَک ، فرشتگان
فراخی : وسیع بودن	وینی : بینی
ننگ : شرمساری	آیو : آید

معنی بیت ها :

بیت اول : دلی خواهان عشق و محبت دارم که بازار محبت از این دل پر رونق است .

بیت2 : برای دلم ، لباسی بافتم که پودش از غم عشق و تارش از عشق و محبت است . (تمام وجودم را عشق و محبت ، در بر گرفت)

****

بیت 1 : درد و درمان (دوای دردم) در دست معشوق است . وصال و دوری من از معشوق هم باز در دست او است . (تمام کارهای زندگی ام ، مطابق با میل و ارادهٔ معشوق است)

بیت 2 : اگر قصاب با درد و رنج بسیار ، پوستم را از بدنم جدا کند ، هرگز دست از دوست نمی کشم و عشق به دوست را رها نمی کنم .

****

بیت 1 : گاهی از قبرستان گذر می کردم و قبر انسان های ثروتمند و فقیر را می دیدم .

بیت 2 : انسان فقیر ، بدون کفن ، دفن نشده و انسان ثروتمند هم از یک کفن بیش تر ، چیز دیگری را همراه نبرد .

****

بیت 1 : ای دل ، از خداوند پاک و بی عیب ، بی خبر شدن و از میل و خواستهٔ درونی و شیطان پیروی کردن ، فایده ثمری ندارد .

بیت 2 : قدر و ارزش تو از فرشتگان ، بالاتر است اما وقتی که تو ارزش خود را نمی دانی و درک نمی کنی ، فایده ای ندارد .

****

بیت 1 : کار انجام نده که گرفتار رنج و سختی بشوی و دنیا با این همه عظمت و بزرگی برای تو ناراحت کننده و رنج آور شود .

بیت 2 : وقتی که روز قیامت اعمال تو را می خوانند تو از دیدن نامهٔ اعمال خودت ، شرمنده باشی .

آرایه ها و نکات دستوری

دو بیتی اول :

بیت 1 : آرایه ها : خریدار بودن دل ← تشخیص / بازار محبت ← اضافه تشبیهی / گرم بودن ← کنایه (پر رونق بودن)

نکتهٔ دستوری ← دلی ← مفعول / گرم ← مسند

بیت 2 : آرایه ها : قامت دل ← تشخیص / لباس ، تار و پود و دوختن ← مراعات نظیر

دو بیتی دوم :

بیت 1 : آرایه : درد و درمون ← تضاد / وصل و هجران ← تضاد / تکرار« د » ← واج آرایی / دوست ← منظور خداوند (معشوق)

بیت 2 : از تن پوست کندن ← کنایه از درد و رنج بسیار / پوست – دوست ← جناس / تکرار « گ » واج آرایی

دو بیتی سوم :

بیت 1 : آرایه ها : دولتمند و درویش ← تضاد / کم و بیش ← تضاد / قبرستان و قبر ← مراعات نظیر

دو بیتی چهارم :

بیت 1 :آرایه : دل ← تشخیص (چون دل را مخاطب قرار داده ایم)

نکتهٔ دستوری : دل ← منادا / چه حاصل ← (حاصل چه است) یک جمله و حاصل ← نهاد / چه ← مسند

دو بیتی پنجم :

بیت 1 : آرایه ها ⇐ سنگ بر پا آمدن ←کنایه از رنج و سختی / فراخ و تنگ ← تضاد / تنگ و سنگ ← جناس

بیت 2 : آرایه ها ⇐ فردا منظور قیامت / نامه خوانان : فرشتگان / نامه : اعمال انسان

بیت تلمیح دارد به روز قیامت / تکرار « ن » ← واج آرایی

پرسش های مربوط به شعر خوانی ...

1 – قالب دو بیتی را تعریف کنید ؟

2 – بیت های زیر را معنی کنید ؟

1) مکن کاری که بر پا ، سنگت آیو جهان با این فراخی تنگت آیو

2) چو فردا نامه خوانان ، نامه خوانند تو وینی نامهٔ خود ، ننگت آیو

3 – بیت زیر ، چند جمله است ؟

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل مطیع نفس و شیطانی چه حاصل

1) پنج 2) شش 3) هفت 4) هشت

4 – چه کسی به عنوان بزرگ ترین دو بیتی سرای ادبیات فارسی ، نامیده می شود ؟

1) عمر خیام　　2) مولوی　　3) سعدی　　4) بابا طاهر

5- آرایه های مقابل کدام بیت ، نادرست است ؟

1) مکن کاری که بر پا ، سنگت آیو　　جهان با این فراخی تنگت آیو　　(جناس - کنایه)

2) چو فردا نامه خوانان ، نامه خوانند　　تو وینی نامهٔ خود ، ننگت آیو　　(واج ارایی - تلمیح)

3) لباسی دوختم بر قامت دل　　ز پود محنت و تار محبت (تشخیص - مراعات نظیر)

4) بود دردمو و درمانم از دوست　　بود وصل مو و هجرانم از دوست　　(تضاد - جناس)

فصل ششم : ادبیات جهان

نکات کلیدی دو بیت آغاز فصل آزاد (ادبیات بومی 2)

1 - شعر در قالب قصیده می باشد و همانطور که می دانید در این قالب مصراع اول بیت اول با تمام مصراع های زوج تمام ابیات هم قافیه می باشد که موضوع آن معمولاً مدح و ستایش خدای بزرگ ، بزرگان دین ، مدح پادشاهان ، وصف طبیعت و ... می باشد .

حداقل ابیات قصیده تا 16-15 بیت و حداکثر تا 80-70 بیت می تواند باشد .

2 - مفهوم :

شاعر ما را به میهن دوستی و حب وطن دعوت می کند و میگوید ایران سرزمین پاکان و نیاکان و افتخار آفرینان ماست که همواره مردمانش پیام آور صلح و دوستی و محبت می باشد .

3 - معنی :

بیت اول ← بدان و هوشیار باش که مردم ایران به تو پیام و مژده عزت و سربلندی و افتخار می دهند .

بیت دوم ← هر گاه نسیم صبحگاهی بر سرزمین ما می وزد ، بدان که از سرزمین انسان های آزاده به تو سلامی امید بخش می دهد .

4 – شاعر : میرزا محمد تقی بهار (ملک الشعرای بهار)، در مشهد به دنیا آمد . وی از کودکی شعر می سرود و از شاعران برجسته معاصر می باشد . در سال 1330 ه . ش از دنیا رفت . آثار او عبارتند از : سبک شناسی ، تاریخ احزاب سیاسی و ...

5 – نکات ادبی : قافیه ها : (سلام ، پیام ، احترام) ردیف : (دهد)

الف : بیت اول ← (ایران ، مجاز از مردم ایران)

ب : بیت دوم ← (نسیم صبحگاهی : تشخیص) – (خاک و پاک : جناس)

6 – نکات زبانی :

بیت اول : سه جمله دارد (باش ، پیام دهد ، پیام دهد) – تو را (به تو)

(به) حرف اضافه (تو) متمم – عزت و احترام ← مترادف

(صد عزّ و احترام) ← هر دو هسته برای صد می باشند .

بیت دوم : دو جمله دارد (گذرد – سلام دهد) – نسیم ← گروه اسمی ← نسیم (هسته) و صبح (وابسته پسین) سرزمین ما (گروه اسمی) ← سرزمین هسته و ما وابسته پسین (مضاف الیه)

نکات کلیدی دو بیت آغاز فصل (6)

1 – مفهوم ابیات :

از آنجایی که شاعر پاکستانی بوده ، سخن از عشق به سرزمین ما ایران و اظهار محبت به مردمان این مرز و بوم می کند و اینکه خاطرات شیرینی از بزرگان این سرزمین در سینه دارد .

2 – قالب شعر : قصیده

3 – معنی شعر :

الف : هان ای جوانان فارسی زبان ، من مانند چراغ لاله که در خیابان های شما روشن و نورانی است ، آتش عشقی در سینه دارم . پس جان مرا همانند جان خود ، عزیز بدانید و دوست داشته باشید .

ب : ای بدن هایی که مانند من از آب و گل درست شده اید ، به دور من حلقه بزنید ؛ زیرا عشق به زبان فارسی ، مانند آتشی ، در سینه من افتاده است ، به واسطه آشنایی با پدران و اجداد شما .

4 – شاعر :

محمد اقبال لاهوری در شهر سیالکوت ایالت پنجاب هند به دنیا آمد . در لاهور تحصیل کرد . وی به سال 1938 از دنیا رفت . آثاراو عبارتند از : اسرار خودی ، پیام شرق ، زبور عجم ، جاوید نامه ، پس چه باید کرد و ارمغان حجاز

5 – نکات ادبی :

بیت اول : تشبیه (شاعر خود را به چراغ لاله)

بیت دوم : مراعات نظیر (آب ، گل ، آتش) ، سینه (مجاز از دل) ، آب و آتش (تضاد)

6 – نکات زبانی :

بیت اول : 3 جمله دارد (ای جوانان عجم ، عزیز بدانید– سوزم)

چراغ لاله : گروه اسمی ← چراغ (هسته) و لاله ← وابسته پسین (مضاف الیه)

خیابان شما : گروه اسمی ← خیابان (هسته) و شما ← وابسته پسین (مضاف الیه)

بیت دوم : 3 جمله دارد (ای پیکران ، حلقه زنید ، دارم)

پیکران آب و گل ← گروه اسمی ← پیکران هسته و آب و گل وابسته پسین در سینه ← (در) حرف اضافه و (سینه)متمم – از نیاکان ← از حرف اضافه نیاکان (متمم)

درس شانزدهم : آرزو

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی با نمونه ای از افکار و اندیشهٔ جهانی از طریق مطالعهٔ آثار ادبی (علم)

2 – تقویت مهارت خواندن متون مشهور ادبی با لحن مناسب (عمل)

3 – توانایی تطبیق مفاهیم و ارزش های متون ادبیات جهان با ادبیات ایران (تفکّر)

4 – تقویت نگرش مثبت نسبت به مطالعهٔ آثار برجستهٔ ادبیات جهان و تأمّل در مفاهیم آن (باور)

5 – رعایت اخلاق پژوهش در حوزهٔ زندگی فردی ، منطقه ای و جهانی (اخلاق)

6 – شناخت بیشتر واژگان ساده ، مشتق و مرکب (علم)

7 – کاربست آموزه های محتوایی متن درس در حوزهٔ مهارت های نوشتاری ،گفتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روش پرسش و پاسخ

– روش بحث گروهی و

– روش کارایی گروه

– روش قضاوت عملکرد و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

نکات کلیدی درس

شاعر درس : ویکتور هوگو ، وی از نویسندگان فرانسه در قرن نوزدهم که کتاب (بینوایان) یکی از مهم ترین و معروف ترین کتاب های اوست .

مفهوم کلی شعر : ابتدا هدف آشنایی با اشعار شاعران غیر فارسی بوده که در این شعر شاعر آرزوی خوشبختی و موفقیت برای دوستان خود دارد و در جاهایی به بیداری و نصیحت آنان می پردازد .

معنی چند مصراع درس :

امیدوارم که همراهانی داشته باش که برخی از آن ها تو را دوست داشته باشد و برخی دیگر ، با تو دوست نباشند ، اما در این جمع حداقل یک نفر باشد که تو بتوانی به او اعتماد کنی .

پول ، اگر دستور دهنده باشد ، بسیار بد است ؛ اما اگر فرمانبر و پیرو تو باشد ، بسیار خوب است . سرانجام ای مهربان ، برای تو آرزو دارم که همیشه دوستی خوب و همراه داشته باشی تا اگر روزی ناراحت شدی یا روزی دیگر خوشحال شدی ، با هم درباره عشق و محبت گفت و گو کنید و دوباره رشد نمایید .

دانش های زبانی و ادبی :

اسم ساده : واژه ها از نظر ساختمان به چند دسته تقسیم می شوند که یک دسته آن اسم ساده می باشد . واژه هایی مانند : خانه ، گل ، کیف که تنها از یک بخش معنایی درست شده اند و نمی توانیم آنها را به اجزای ریزتری تقسیم کنیم ، اسم ساده نامیده می شوند .

(جمع های شکسته) هم در زبان فارسی ، واژه ساده هستند ؛ مثل : مدارس

اسم مشتق : واژه هایی که در ساختمان آنها ، تنها یک بخش اصلی معنادار وجود داشته باشد ، مشتق می گویند . در واژه های مشتق یک یا چند بخش دیگر هم وجود دارد که معنای مستقل ندارند و به کمک بخش اصلی کلمه ، معنا پیدا می کنند . که دو بخش هستند :

الف : اسم + وند ← آهنگر

ب : وند + اسم ← ناجور

اسم مرکب : به اسم هایی که از دو یا چند بخش معنادار درست شده اند (واژه های مرکب از ترکیب چند بن ماضی با بن مضارع یا اسم درست می شوند) مانند پلوپز – کف پوش – گل خانه

(ها) و (ان) نشانه جمع و (ی) نکره ، تغییری در ساختمان واژه ها ایجاد نمی کنند و اثری در مشتق شدن آن ها ندارند .

پرسش های درس 16 :

1 – جمله داده شده را توضیح دهید . (پول ارباب بدی است ، اما خدمتگزار خوبی است)

2 – از میان واژه های داده شده ، ساده ، مشتق و مرکب را پیدا کن و بنویس .

آشکار ، سرباز ، داستان ، درختان ، درمانگاه ، پزشک ، لپ تاپ

3 – در جمله زیر منظور از بخش هایی که زیر آن خط کشیده شده چیست ؟

(آرزو دارم دوستانی داشته باشی ، برخی نادوست و برخی دوست دار)

نادوست : ..... .

دوستدار : ..... .

4 – املای کدام گزینه نادرست است ؟

1) نمازگزار 2) سپاسگزار 3) بنیان گزار 4) خدمت گزار

5 – کدام یک از واژه های زیر ساده نیست ؟

1) رهبر 2) علما 3) معلم 4) اتاق

درس هفدهم : شازده کوچولو

اهداف آموزشی :

1 – آشنایی با داستان تخیّلی شازده کوچولو (علم)

2 – توانایی مطالعه و خواندن آثار ارزشمند ادبیات جهان با لحن مناسب (عمل)

3 – پرورش روحیهٔ بهره گیری مناسب از آثار ادبی برجستهٔ جهان (اخلاق)

4– تقویت علاقه نسبت به ساده زیستی و صمیمیت با دیگران (باور)

5 – تقویت توانایی مطالعهٔ تطبیقی آثار ادبی و سنجش محتوای آنها (تفکّر)

6 – تقویت کاربست آموزه های محتوای درس در فعّالیت های گفتاری، نوشتاری و رفتاری (عمل)

روش های تدریس پیشنهادی :

– روش تدریس کارایی گروه

– تدریس ایفای نقش

– روش تدریس پرسش و پاسخ و ...

کارافزارها و رسانه های آموزشی:

کتاب های مرتبط با درون مایه و مضمون درس و نویسنده ، تخته ، گچ ، ماژیک ،عکس ، فیلم و ...

در ارائۀ این درس چنانچه تصاویرکوتاهی از نمایش یا فیلم « شازده کوچولو» به تصویر کشیده شود تدریس را جذّاب تر می سازد .

آرایه ادبی :

بلا فاصله نور اندیشه ای ذهنم را روشن کرد . همچون آذرخشی که در شب بدرخشد .

اضافه تشبیهی تشبیه

– ولی صدای پای تو همچون نغمۀ موسیقی مرا از لانه بیرون خواهد کشید .

تشبیه

آه و افسوس

آوخ که من خواهم گریست !

شبه جمله

نیایش : شعر بیا تا براریم دستی ز دل

تا زنده هستیم و توان انجام دادن کارهای نیک را داریم و دستمان از این دنیا کوتاه نشده کار نیک انجام دهیم و از خدا بخواهیم راه راست را به ما نشان دهد و نور حق را در دل ما بتاباند تا سربلند و آزادانه از این دنیا برویم و توشه ای برای آخرت خود به همراه داشته باشیم .

قالب شعر : مثنوی

مثنوی (یا دو تایی) : شعری است که در هر بیت آن دو مصراع هم قافیه اند و قافیۀ هر بیت با بیت های دیگر متفاوت است ؛ بنابراین امکان آوردن قافیه های جدید ، بیشتر وجود دارد . به این خاطر ، از این قالب بیشتر در سرودن منظومه های بلند داستانی استفاده می شود .

مثل : شاهنامه ، بوستان ، مثنوی و معنوی ، منطق الطیر و ... .

شکل قرار گرفتن قافیه در مثنوی :

○ _____ ○ _____

Δ _____ Δ _____

□ _____ ○ _____

تاریخ ادبیات :

شیخ مشرف الدین سعدی شیرازی : از نویسندگان و غزل سرایان قرن هفتم (ه. ق) است . او در شیراز به دنیا آمد و آموزش های مقدماتی را در زادگاه خود فرا گرفت و برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت و از آنجا برای دانش اندوزی به سرزمین های عربی سفر کرد و پس از 35 سال به شیراز بازگشت . از آثار مشهور او ، بوستان (به شعر) که به « سعدی نامه » شهرت دارد ، دارای 10 باب است و در سال 655 ه .ق به پایان رسیده است . اثر دیگر او گلستان (نثر آمیخته به شعر) است که نمونه ای عالی نثر مسجّع است و در سال 656 نوشته شده و 8 باب (فصل) دارد . و از او دیوان اشعار نیز بر جای مانده است .

مجموعه ی این آثار « کلیّات سعدی » نامیده می شود که شامل : غزلیات ، قصاید ، رباعیات و ... است .

معنی واژه ها :		
کریما : خداوند بخشنده	رزق : روزی ، غذای روزانه	رزق : روزی ، غذای روزانه
انعام : بخشش	عقبی : جهان آخرت	آستانت : درگاهت
ذلت : خواری ، خفت	صورت نبستن : قابل تصوّر نبودن	چشم داشتن : انتظار داشتن

بیا تا برآریم دستی زدل

۱- بیا تا برآریم دستی زدل که نتوان برآورد فردا زگل

بیا تا زنده هستیم از دل و جان به درگاه خدا دعا کنیم چون فردا که بمیریم (ناتوان شویم) نمی توان دست ها را از خاک بیرون آورد و دعا کرد .

2- کریما به رزق تو پرورده ایم به انعام و لطف تو خو کرده ایم

ای خداوند بخشنده ما با آنچه از روزی به ما بخشیده ای ، پرورش یافته ایم و به بخشش و لطف تو عادت کرده ایم .

3- چو ما را به دنیا تو کردی عزیز به عقبی همین چشم داریم نیز

تو در دنیا به ما عزت دادی و ارجمندمان کردی ، ما در آخرت نیز همین انتظار را از تو داریم .

4- به لطفم بخوان و مران از درم ندارد به جز آستانت سرم

از روی لطف و بزرگواری مرا به سوی خودت بخوان و از درگاهت دورم مکن ، زیرا من جز درگاه تو ، جایی ندارم .

5- چراغ یقینم فرا راه دار ز بد کردنم دست کوتاه دار

راه مرا با نور یقین آشنا کن و دست من را از بدی کردن کوتاه کن .

6- خدایا به ذلت مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

خداوندا من را با خفت از درگاهت نران چون هیچ درگاهی به جز درگاه تو برایم قابل تصور نیست .

آرایه های شعر ادبی

- بیا تا برآریم دستی زدل که نتوان برآورد فردا زگل

کنایه از دعا کردن

- چراغ یقینم فرا راه دار ز بد کردنم دست کوتاه دار

اضافه تشبیهی کنایه از دور شدن از گناه

– خدایا به ذلت مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

منادا – شبه جمله

– کریما به رزق تو پرورده ایم به انعام و لطف تو خو کرده ایم

منادا – شبه جمله

واژه شناسی

واژه هایی که به « های بیان حرکت » (ه ، ه) تمام می شوند ، هنگام اضافه شدن « یای » نکره به آخر آنها ، بدین گونه نوشته می شود .

خانه + ی ← خانه ای مدرسه + ی ← مدرسه ای

بنده + ی ← بنده ای هفته + ی ← هفته ای

اما واژه هایی که با « واو » تمام می شوند ، هنگام اضافه شدن « ای » نکره به آخر آنها ، این گونه نوشته می شوند :

دانشجو + ی ← دانشجویی بانو + ی ← بانویی

رادیو + ی ← رادیویی آرزو+ ی ← آرزویی

آهو + ی ← آهویی

نکته ادبی :

نوع نثر

1 – نثر ساده : نوشته ای است ساده که بدون آرایه های ادبی به کار می رود و نویسنده منظور خود را به طور مسقیم بیان می کند .

مانند : داده تا داد یابی . خوب گوی تا خوب شنوی .

2 – نثر مسجع : نوشته ای است که در آن سجع به کار رفته باشد . سجع در لغت به معنای آواز کبوتر است و سجع در نثر مانند قافیه است در شعر .

مثال : توانگری به هنر است ، نه به مال و بزرگی ، به عقل است نه به سال .

نوشتن :

1 – در بیت زیر واژهٔ متضاد را مشخص کنید .

چو ما را به دنیا تو کردی عزیز به عقبی همین چشم داریم نیز

2 – هم خانوادهٔ رزق ، انعام را بنویسید .

3 – در عبارت زیر سجع را مشخص کنید .

-همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال .

نوشتن :

1-در عبارت زیر قید ها را مشخص کنید .

-من و شاهزاده کم کم با هم دوست شدیم . من هر روز چیزی از سیاره و از عزیمت و از مسافرت او می فهمیدم . مثلاً پی بردم که شاهزاده در سیّارهٔ خود ، گلی دارد که بیش از حد به او مهر می ورزد .

2 – با توجه به کلمه های داخل کمانک ، زمان فعل هر جمله را تغییر دهید .

☐ من شاهکار خود را به آدم های بزرگ نشان دادم . (ماضی بعید)

☐ این هواپیما ، با سرعت فوق العاده پرواز می کند . (ماضی مستمر)

☐ راز دیگری از زندگی شاهزادهٔ کوچک بر من فاش شد . (مضارع التزامی)

☐ من در همه جای جهان کما بیش پرواز کرده ام . (ماضی ساده)

☐ از خرابی هواپیمای من هشت روز می گذشت . (مضارع اخباری)

☐ من داستان روباه را با نوشیدن آخرین قطرهٔ آب ذخیره خود گوش کرده بودم .(ماضی نقلی)